

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتِ



فروپاشی نظام خانواده و ازدواج‌های نوین

(تبیین جامعه‌شناختی)

بررسی روند فروپاشی نظام خانواده در عصر مدرن و بروز ازدواج‌های نوظهور

تألیف و گردآوری

صاحب قربانیان آستانه

علی جمشیدی

۱۳۹۶

طراحی جلد

محمدحسین رجبی

صفحه آرایی

صاحب قربانیان آستانه

محمدحسین رجبی

تقدیم

به آنانی که محبت را بدون منت ارزانی می‌دارند

تقدیم به خانواده‌ام و دوستانم که پشتیبان من در مسیر زندگی بوده و

هستند.

«جامعه هنگامی به بلوغ می‌رسد که مردمانش درخت‌هایی بکارند

که می‌دانند ممکن است هیچ‌گاه زیر سایه آن استراحت نکنند»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ
غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ / تحریم / ۶

ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردمان
(گنجهکار) و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. آتشی که بر آن فرشتگانی درشت خو و
سخت گیر نگهبانند
و خدا را در آنچه فرمانشان دهد، نافرمانی نکنند و آنچه را فرمان یابند انجام دهند.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْوَابِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ
الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ / نحل / ۷۲

و خداوند از جنس خودتان همسرانی برایتان قرار داد و از همسرانتان برای شما
فرزندان و نوادگانی قرار داد و از پاکیزه ها شما را روزی داد، پس آیا (باز هم) به
باطل ایمان می آورند و به نعمت الهی کفر می ورزند؟

Table of Contents

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱۰

فصل اول

خوشبختی از تخیل تا واقعیت.....	۱۲
مفهوم واقعی زندگی.....	۱۳
مفهوم مدرنیته.....	۱۴
مفهوم مدرنیسم.....	۱۶
تفاوت دو مفهوم مدرنیته و مدرنیسم.....	۱۶
مؤلفه‌های اصلی مدرنیته.....	۱۶
مؤلفه‌های اصلی مدرنیسم.....	۱۷
فردگرایی و تنهایی بشر در اندیشه لیبرالیسم در عصر مدرنیته.....	۱۸
عللی که جامعه ایرانی را به سمت و سوی مدرنیته کشاند.....	۲۱
مفهوم تنهایی - فردگرایی.....	۲۱
فردگرایی از منظر زیمل و دوتوکویل در عصر مدرنیته.....	۲۲
فردیت و فرم‌های اجتماعی.....	۲۴

فصل دوم

تعریف نهاد خانواده.....	۲۶
انگیزش‌های تشکیل خانواده.....	۲۷
خاستگاه خانواده و اهمیت آن.....	۲۹
مفهوم خانوار.....	۳۱

۳۱	تفاوت مفهوم خانواده و خانوار.....
۳۱	مفهوم کلان.....
۳۲	انواع خانواده از منظر کارکردی، معیشتی، اقتدار و ساختاری.....
۳۳	ویژگی‌ها و نقش خانواده.....
۳۴	عمومیت کارکردهای خانواده.....
۳۶	نظریات جامعه‌شناختی راجع به منشأ پیدایش و کارکردهای نهاد خانواده.....
۳۸	تئوری واقعیت اجتماعی امیل دورکایم در مورد منشأ پیدایش خانواده.....
۴۰	تئوری کارکردگرایی، ساختاری تالکوت پارسونز راجع به منشأ پیدایش خانواد.....
۴۳	تئوری نوگرایی آنتونی گیدنز در مورد عوامل تشدید کننده فردگرایی در خانواده.....
۴۴	تئوری رویارویی دو عنصر روابط و صمیمیت در خانواده مدرن رنه گونیک.....
۴۵	تئوری ثبات اجتماعی خانواده هلموت شلسکی در جریان دگرگونی فرهنگی.....
۴۷	تئوری الگوهای سیستمی جی هی لی و فیوجین راجع به نهاد خانواده مدرن.....
۴۹	تئوری ساختارگرایانه کلود لویی اشتروس راجع به نهاد خانواده‌های مدرن.....
۵۱	تئوری بی سامانی اجتماعی رابرت کی مرتون راجع به منشأ خانواده و ازدواج.....
۵۱	مفهوم خانواده در فرهنگ‌های مختلف و متفاوت.....
۵۲	ابعاد خانواده.....
۵۶	تغییر وظایف خانواده متأثر از عصر مدرن‌نیته و شهرنشینی.....
۶۱	خانواده‌های نیمه مدرن، پارادوکسیکال.....
۶۵	تغییر ساختارها و تضعیف پیوندهای خانواده در عصر مدرن‌نیته.....
۶۷	گونه‌های نوظهور خانواده‌های شهری در ایران.....
۷۴	خصوصیات خانواده‌های شهری در ایران.....
۷۶	انواع خانواده‌های نوظهور در عصر مدرن‌نیته.....

- ۷۷..... اثرات جهانی شدن بر پیوندهای خویشاوندی و ازدواج.....
- ۸۱ تقابل یا تعامل میان عصر سنتی و مدرنیته.....

فصل سوم

- ۸۴ مفهوم و تعریف ازدواج.....
- ۸۶..... انگیزه ازدواج و تشکیل خانواده از منظر دیدگاه‌های مختلف.....
- ۸۷ نظریه‌هایی راجع به منشأ پیدایش خانواده و پیوندزناشویی.....
- ۸۸ شیوه‌ها و اشکال همسرگزینی.....
- ۹۵..... قواعد محل سکونت زن و شوهر.....
- ۹۶ علل از میان رفتن قواعد رسمی ازدواج در عصر مدرنیته.....
- ۹۸ موانع و تنگناهای ازدواج‌های رسمی.....
- ۱۰۰ راه‌کار مدیریت ازدواج.....
- ۱۰۲..... سیاستگذاری‌های نادرست علت شکلگیری ازدواج‌های نوظهور.....
- ۱۰۴..... پدیده ازدواج‌های نوظهور و انواع آن.....
- ۱۰۴..... ازدواج مرد با مرد.....
- ۱۰۵..... ازدواج زن با زن.....
- ۱۰۵..... ازدواج اینترنتی.....
- ۱۰۶..... دلایل رجوع به ازدواج اینترنتی.....
- ۱۰۸..... مشکلات ازدواج و همسرگزینی اینترنتی.....
- ۱۰۹..... ازدواج اجاره‌ای.....
- ۱۱۰ ازدواج سفید.....
- ۱۱۲..... علل گرایش به ازدواج سفید.....
- ۱۱۴..... مشکلات ناشی از ازدواج سفید.....

۱۱۵.....	ازواج رنگین‌کمانی.....
۱۱۷.....	ازدواج با حیوانات.....
۱۱۹.....	ازدواج پنجشنبه.....
۱۱۹.....	خودازدواجی.....
۱۲۴.....	ازدواج اقماری.....
۱۲۴.....	مهم‌ترین دلایل جوانان برای عدم تمایل به ازدواج‌های رسمی.....
۱۲۵.....	بروز پدیده نوظهور (خانواده‌های تک نفره) در ایران.....
۱۲۶.....	دلایل اصلی جوانان برای تنها زندگی کردن.....
۱۳۱.....	نتیجه‌گیری.....
۱۳۳.....	منابع.....

– پیشگفتار

این روزها مردم بیشتر از گذشته خود بخاطر شرایط دنیای مدرن، پیچیدگی‌ها، انجام کارهای روتین و روزمرگی و ... دچار تنهایی فزاینده‌ای شده‌اند. روزگار بر وفق مرادشان نیست. انگیزه نگارش این کتاب هم بررسی جامعه‌شناختی عوارض تنهایی در جوامع نوین است که تبدیل به یکی از دغدغه‌های اصلی مردم در سراسر جهان شده است.

برداشتی که امروزه اکثریت افراد از زندگی در اذهان خود دارند برداشتی اشتباه است. لذا تغییر ساختاری طرز افکار امری ضروری به نظر می‌رسد. باید دولت‌ها یا خود مردم برای احساس تنهایی، پوچی و بیهودگی چاره اندیشی نمایند. به نظر من (نویسنده) عارضه اصلی مدرنیته همین احساس تنهایی و احساس استقلال فردی افراطی است. آن چیزی که منجر به تشدید این عارضه می‌شود افزایش منفعت طلبی فردی است.

شهر و ندان این جوامع نیاز به زندگی خلاق و اثر بخش دارند. زیرا باعث تغییر در انگیزش‌هایشان می‌شود.

یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های نگارش این کتاب، اثبات این نکته است که می‌توان در اوج فشارهای زندگی مادی گرایانه و بدبینی به یکدیگر می‌توان دیگر تنها نبود و شاد زیست. آنچه همه باید بدانند این است که می‌توان زندگی با برنامه و معنی دار داشت. زندگی خلاق از همین «حالا» شروع می‌شود. نباید آن را موکل به فردا و فرداها نمود. آن چیزی که برای من (نویسنده) اصل است: این است که با تکیه بر «دگرخواهی» و «بازاندیشی» در افکار و سبک زندگی فردگرایانه می‌توان تصویر ذهنی لذت بخش‌تر از خود و زندگی خود ساخت. در دورانی سرمایه‌داری که اصل بر انباشت سرمایه‌های مادی است و سرمایه‌های معنوی همچون خوشبختی رو به فراموشی است، تفکرات فردمنشانه، اذهان

را تسخیر کرده است؛ بسیاری این سوال را از خود می‌پرسند که اصلاً برای چه زندگی می‌کنند؟ آیا باید فقط به فکر خود بود یا می‌توان با ایجاد توازنی میان خودخواهی و دگرخواهی، پلی ساخت برای تحقق خوشبختی؟

تلاش من بر این است که در این کتاب بتوانم بذر امید نسبت به تاثیر مثبت دیگران در زندگی شخصی و مفید بودن احساس تعلق به دیگری داشتن (دوست داشتن و دوست داشته شدن) را در دل‌ها بکارم تا افق‌های جدیدی در اذهان شما دوستان پدیدار شود.

فصل اول

➤ خوشبختی از تخیل تا واقعیت...

در عصر مدرنیته که جایگاه اجتماعی افراد بر اساس میزان دارایی‌هایش، تمکن مالی‌اش و ... تعیین می‌گردد، فراهم نمودن یک زندگی پر از معنا، الزام و مسئولیتی است که هر فرد در قبال خویشتن دارد. با این حال، رسیدن به خوشبختی برای خیلی‌ها در حکم یک امر غیر ممکن شده است. طوری شده که فرد خود را در میان انبوهی از اتوموبیل‌ها، ترافیک، کار و ... محاصره شده می‌بیند. جمع‌کنندگی از افراد از انکار خوشبختی خود حرف می‌زنند، برای بیشتر افراد زندگی معنایش را از دست داده و افراد خود را در منگنه زندگی و شرایطش می‌بینند.

البته درست است که زندگی در عصر کنونی دارای دشواری‌هایی است. کسی هم منکر آن نمی‌شود. اما نباید تسلیم شد. نباید دل‌زده شد. در اوج این همه ملامت‌ها و سختی‌ها می‌توان به نیمه پر لیوان نگریست. افراد زیادی این حقیقت مسلم را نادیده می‌گیرند و یا در چک‌چک مواجه با زندگی آن را از یاد برده‌اند. توجه افراطی به زرق و برق دنیای مادی ما را از یکدیگر دور و دورتر کرده است.

همه باید بتوانیم جای این تشویش‌ها، اضطراب‌ها و فردگرایی افراطی را با زندگی در معنای اصیلش عوض کنیم. صد البته اول باید بخواهیم، در اذهان خود انقلاب کنیم تا از مرز منفعت طلبی شخصی به دنیای دگرخواهی وارد شویم. باید مسئولیت‌پذیری را در خود زنده کنیم.

همه این تغییرات بستگی به خود ما دارد. اولین گام در این مسیر آگاهی یافتن از قدرت ذهن خود است. افکار و باورهایتان گرانباترین سرمایه‌های شماست!

➤ مفهوم واقعی زندگی

مفهوم زندگی برای تک تک افراد متفاوت است. مهم نیست چه موقعیتی دارید، چقدر مال و ثروت دارید و یا حتی چندسالتان است.

رالف والدو امرسون می‌گوید:

«زندگی انسان‌ها داستان‌های واقعی است که اگر دلاورانه بر صحنه آیند به لذتی بیش از آنچه از افسانه‌ها انتظار می‌رود منجر می‌شود».

اگر چه این سخن در قرن ۱۹ گفته شده اما هنوز هم در عصر ما کاربرد دارد اگر «دلاورانه» برگذار شود. یادمان باشد همیشه و در همه حال باید:

۱- از خودکشی روحی اجتناب کنیم.

۲- به جنگ ابهامات برویم.

۳- از شکست‌های احتمالی نهراسیم.

۴- نقات قدرت و ضعفمان را بشناسیم.

۵- از مصاحبت با دیگران لذت بیشتری ببریم.

۶- باید تلاش کنیم مبنای زندگی را بر پایه‌های منفعت‌طلبی شخصی نسازیم.

۱ - مالتز، ماکسول، روان‌شناسی خلاقیت، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، انتشارات شباهنگ، ص ۳۲،

۷- بجای خودخواهی صرف، دگرخواهی را در نهاد خود زنده کنیم.

تدارک تحقق زندگی واقعی توأم با حس دگرخواهی و خوشبختی قطعاً مرتبط به دیروز نیست، همه چیز از همین حالا شروع می‌شود، دقیقاً همین حالا که به آن فکر می‌کنید.^۳

➤ مفهوم مدرنیته^۴

مدرنیته بی‌شتر یک تجربه تاریخی (نه یک آرمان بشری) است که می‌توان چهار پایه و یا فرایند تاریخی را برای آن در غرب تشخیص داد:

۱- رنسانس قرن ۱۴-۱۵

۲- عقلانیت قرن ۱۵-۱۶

۳- پروتستانتیزم قرن ۱۶

۴- روشنگری قرن ۱۸ که محصول سه فرایند قبلی است.

بر خلاف جایگاه تاریخی، از لحاظ چپستی و یا تعریف مدرنیته، برداشت‌ها بسیار متفاوت است. اندیشمندان برای آن از لحاظ فلسفی، علمی، تکنولوژیکی و غیره تعاریف متفاوتی مطرح می‌کنند. در واقع ارائه تعریف کامل از مدرنیته حقیقتاً دشوار است. بطور کلی بنظر می‌رسد مدرنیته معرف دگرگونی‌های معرفتی و عملی اساسی است که جامعه مدرن غرب تجربه می‌کند.

زیمل از رهگذر بحث درباره پول که آن را مهمترین ویژگی واقعیت گذرای امر اجتماعی در جامعه مدرن می‌داند به بسیاری از مفاهیم خود و برداشت‌هایش که مهمترین آن‌ها غلبه فرهنگ عینی بر فرهنگ ذهنی است دست می‌یابد. این مفهوم را می‌توان در چیرگی

۳- همان، ص ۳۶

۴- Moderniteh

کمیت زندگی اجتماعی به کیفیت آن هم دنبال کرد. زیمل قدرت پول را در این می‌داند که می‌تواند به هر چیزی تبدیل شود و همه چیز را اندازه بگیرد و می‌تواند از طرف دیگر هر چیزی را در دسترس جلوه دهد. مخصوصاً این در دسترس قرار دادن چیزها برای زیمل اهمیت اساسی دارد چرا که او این نکته مهم را مطرح می‌کند که «پول بر خلاف اهداف ثابت که همه آن‌ها همیشه خواستنی و یا دست‌نیافتنی نیستند، به هدف مطلق تبدیل می‌شود که ممکن است اصولاً هر لحظه در صدد کسب آن برآمد.» آدمیان مدرن احساس می‌کنند که جوهر و معنای زندگی پی در پی از دست آنان می‌گریزد و رضایت بردن از امر خاص نادرتر می‌شود و عملاً هیچ تلاش و کوششی به زحمتش نمی‌ارزد. عقلانیت محاسبه‌گر در چنین بازی خشک و بی‌روحی است که می‌تواند خود را به عنوان ابزار مناسب حیات جا بزند. درست از همین منظر است که مارکس روند عقلانی شدن تولید را به میان می‌آورد که به انحصار کارخانه‌های بسیار خودکار در می‌آید. از این نگاه است که فردگرایی در اندیشه زیمل نقش پررنگی ایفا می‌کند که با تفسیر مارشال برمن از اندیشه‌های مارکس هم‌خوانی جالبی دارد، جایی که برمن از زبان هانا آرنت به این نکته اشاره می‌کند که مساله واقعی تفکر مارکس "اقتدارگرایی هیولا" است و ش نیست بلکه درست ضد آن است، فقدان هر نوع پایه‌ای برای اقتدار!"

➤ مفهوم مدرنیسم^۶

به معنی تجددگرایی و جنبش نو می‌باشد. که اصطلاح به اندیشه‌ها و روش‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که جایگزین اندیشه‌ها و روش سنتی در همه جوانب اعم از فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود.^۶

➤ تفاوت مدرنیته و مدرنیسم^۷

مدرنیته به معنای تجدد، نو شدن و تازگی است. اولین بار این اصطلاح در آثار «ژاک ژاک روسو» در قرن ۱۸ بکار برده شد. بطور کلی مفهوم مدرنیته بیانگر نوعی حالت و کیفیت، ویژگی و تجربه مدرن یا دوره مدرن، که مبین بداعت و نو بودن زمان حال به عنوان گسست یا انقطاع از گذشته و ورود به «آینده‌ای» که در حال ظهور است می‌باشد. گستره آن با فکر ابداع، نوآوری، تازگی، سلیقه، مد و خلاقیت و ... همراه می‌باشد.^۷

➤ مولفه‌های اصلی مدرنیته

۱- تجربه گرایی

یعنی توجه و اهتمام به شیوه تجربه برای فهم علوم انسانی و زیبایی بدون دخالت فلسفه و برهان.

۶- بیات، عبدالرسول، درآمد بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، چاپ اول،

۱۳۸۱

Modernism - ۷

۸- مدرنیته و مدرنیسم، مجموعه مقالات ۱۵ نظریه پرداز غربی، ترجمه حسینعلی نوذری، انتشارات نقش

جهان، چاپ دوم، ۱۳۸۰

۲- انسان‌مداری

اعتقاد به محوریت انسان و خواسته‌هایش در تمامی عرصه‌ها.

۳- عقل‌گرایی

ادراک تمامی مسائل و مصائب انسان‌ها توسط عقل افراد بدون دخالت وحی و آموزه‌های دینی و ارائه راه‌کارهای آن.

۴- لیبرالیسم

به معنی آزادیخواهی خارج از عرفیات و چهارچوب دینی.

۵- رفاه و شهرگرایی

افزایش سطح مادی زندگی مردم و رفاه آنان و اشاعه فرهنگ شهرنشینی.

۶- رشد فناوری

افزایش و نوآوری در روش‌های تولید به شکل صنعتی.

۷- فردگرایی

یعنی تقدم یافتن و اصالت فرد بر جامعه.

۸- سکولاریسم

کم رنگ شدن اعتقادات دینی و حاکمیت فرد علمی (شیوع فرهنگ مادی و این جهانی).^۹

➤ اصول و مولفه‌های مدرنیسم

۱- علم‌گرایی

۲- عقل‌گرایی

۹ - گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات نی، ۱۳۷۸

۳- انسان‌گرایی

۴- فردگرایی (اصالت فرد)

۵- برابرگرایی

۶- مادی‌گرایی

۷- احساس باوری

یعنی عاطفه و احساسات انسان به عنوان یگانه منشأ داوری در قبال حسن و یا قبح افعال به حساب می‌آید.

۸- پیشرفت باوری

۹- سنت ستیزی

۱۰- فردگرایی و تنهایی بشر در عصر مدرنیته

➤ فردگرایی و تنهایی بشر در اندیشه لیبرالیسم

لیبرالیسم که در لغت به «آزادی خواهی» معنا شده در حقیقت نفی هر تکلیفی است از بشر برای رسیدن به آزادی. لیبرالیسم «اباحه‌گری مطلق» است؛ یعنی انجام هر کاری برای بشر مباح است. در این نگاه انسان آزاد است تا هر آنچه دلش می‌خواهد انجام دهد تا به آزادی دست یابد. آزادی در این رهیافت به معنی، رهایی از قیود انسانی، اخلاق فردی و اجتماعی. در نگاه لیبرال اصالت با فرد است نه جامعه. یعنی همه جامعه باید فدا شود تا فرد به خواسته‌هایش دست یابد. لذا توجه بیش از اندازه به مفهوم فردگرایی باعث رشد و نهادینه شدن اقتصاد باز در جامعه شده و سرمایه داری بر مبنای منفعت شخصی را ترویج می‌نماید. در حوزه فرهنگ هم اینچنین است. قبول داشتن نظریه اصالت فرد،

شروع فردگرایی و تنها شدن بشر که به نوعی یک زندگی پوج و باطل است منجر خواهد شد.



با دقت در زوایای مختلف مدرنیته و شکاف‌های عمیق آن، نکته مهمی ذهن را به خود جلب می‌کند. از قرن ۱۸ به بعد که مدرنیته در غالب تکنیک عالم قرار گرفت و جوامع بشری صنعتی شدند، بشیریت هر چه رو به جلوتر قدم گذاشت بیشتر زمین خورد، هر چه به خیال خودش جلو رفت بیشتر عقب افتاد. هنگامی که اندیشه فرد، اندیشه آزادی خواهانه شد دیگر اینگونه اتفاقات برای انسان عادی می‌شود چراکه اولیت برای افراد لذت بردن شده است آن هم به هر قیمتی که شده. هرگاه انسان خود را محور عالم دید و در پی ارضاء شکم و شهوت رفت هر عملی برایش مجاز تلقی می‌شود. تاکید بیش از اندازه بر ابعاد مادی زندگی انسان‌ها را دچار نوعی پوچی و بی‌هدفی می‌کند. همین بی‌هدفی او را دچار بحران هویت کرده و نهلیسم (زندگی بدون لایه‌های معنوی) می‌کشد.



متأ سفانه با نگاهی به کشورمان ایران آثار فردگرایی که ناشی از هجمه سنگین مدرنیته است را می‌بینیم. آنچه مهم است بررسی عوامل ورود این نوع تفکر به داخل کشور است. بسیار مهم است که چه کسانی راه را برای ورود مدرنیته افسارگسیخته باز کردند. هنگامی که حکومت کاملاً در دست عناصر غرب‌زده و سکولار بود مدرنیته بصورت رسمی وارد کشور شد و سپس نهادینه و تثبیت شد. روشنفکران غرب‌زده که توانسته بودند با دسیسه های انگلیس، نهضت عدالتخانه‌ی مردم را تبدیل به م شرطه کنند و آنرا از مسیر واقعی خودش خارج کنند، پس از کشتن علمای تراز اول شیعه در ایران و سرکوب قیام های مردمی، فردی قلدر را به عنوان شاه مملکت قرار دادند تا کسی جلودار آنها نباشد. مجموعه فعالیت‌ها و کارهایی که توسط غرب‌زده ها در ایران صورت گرفت راه را برای هرچه بیشتر غربی شدن ایران فراهم کرد.

➤ از جمله عواملی که جامعه ایرانی را به سمت مدرنیته سوق داد

- ۱- دادن شناسنامه و انتخاب نام خانوادگی بجای سلسله اعقاب افراد
 - ۲- یکجا نشین کردن عشایر و به تبع آن شهری شدن آنها
 - ۳- تأسیس دانشگاه
 - ۴- تغییر در خط - زبان و نوع پوشش
 - ۵- نهادسازی بر پایه مدل‌های غربی
 - ۶- کم رنگ کردن کشاورزی و ورود صنعت مونتاژ
 - ۷- رواج باستان‌گرایی
 - ۸- ترجمه آثار و متون غربی
- و ...
- اگر مجموعه این عوامل را کنار هم قرار دهیم شاهد رشد تفکر فردگرایی، رفاه و تجمل‌گرایی و ... در ایران خواهیم بود.^{۱۰}

➤ تنهایی «فردگرایی»

«تنهایی» برای هر فردی دارای یک معنا و مفهومی است. عده‌ای آن را تنها ماندن بلحاظ فیزیکی برای خود تعریف می‌کنند و عده‌ای دیگر با اینکه در جمع دوستان، همکاران و خانواده هستند اما باز خود را تنها حس می‌نمایند. آنچه که دارای اهمیت است نوعی از تنهایی است که فرد در آن خود را از دیگران دور حس می‌کند. یعنی به گونه‌ای می‌اندیشد که گویی برای دیگران اهمیتی ندارد.

۱۰- مومنی، محسن، پایگاه تحلیلی موعود، ۱۳۹۴

➤ فردگرایی از منظر زیمل و دوتوکویل در دوران مدرنیته

زیمل با پی‌گیری‌هایش طیف گسترده‌ای از صورت‌های جامعه زیستی مثل عشق را مورد تحلیل قرار می‌دهد. اینکه چگونه هر عصری به کنش‌های متقابل ساخت می‌دهد و رشته ارتباط میان افراد را در هم می‌تند.

زیمل در ارائه نظریات خود اینگونه می‌گوید که در دوران مدرنیته همه صورت‌های اجتماعی - فرهنگی خودمختار می‌شوند. هر بخشی منطق خود را دارا می‌شود و قواعد مختص خود را می‌آفریند.

زندگی در کلان شهرها عامل دلزدگی و از خودبیگانگی^{۱۱} است که ناشی از پول‌گرایی^{۱۲} و محاسبه بیش از حد زمان است. زیمل ریشه همه آسیب‌های اجتماعی عصر مدرن را در اعماق غیر عقلانی زندگی تشخیص می‌دهد.^{۱۳}

زیمل یکی دیگر از اثرات دنیای مدرن ایجاد حس تنهایی و فردگرایی^{۱۴} در افراد می‌داند. پیش شرط‌های بروز فردگرایی در جوامع مدرن از منظر زیمل همانا شکل‌گیری «شبکه حلقه‌هایی اجتماعی» است. منظور زیمل از حلقه‌ها همان گروه، دسته، سازمان و ... هستند و حلقه‌های اجتماعی همان خانواده، مشاغل و مذهب، احساس منحصر به فرد بودن و ... که هر فرد عضو آن‌ها می‌شود و به آن‌ها تعلق پیدا می‌کنند. افراد زیادی از ترس تنها ماندن اسیر معاشرت‌هایی می‌شوند که از آن بی‌زار هستند. برای فرار از این تنهایی به تماشای تلویزیون می‌نشینند، رادیو گوش می‌دهند و ... فراگیر شدن حس تنهایی در عموم افراد جامعه یکی از عمده‌ترین خطرهایی است که در کمینشان نشسته است.

۱۱- Alienation

۱۲- Moneyization

۱۳- واندنبرگ، فردریک (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی جورج زیمل، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا

۱۴- Individualation

در جامعه مدرن بسیاری از این دست افراد هستند که در میان انبوهی از آدم‌ها احساس تنهایی می‌کنند. گئورگ زیمل واقعیت جامعه مدرن را چون شبکه‌ای از نیروهای متعامل در نظر می‌گرفت. او معتقد بود همه فرم‌های اجتماعی بیرون از این قاعده نیستند. کنش‌های زندگی روزمره نیز مجموعه ارتباطاتی هستند که به دیگران معطوف شده‌اند و انزوای فرد منزوی نیز پدیده‌ای کاملاً اجتماعی است، «انزوا خود رابطه‌ای اجتماعی است». رابطه‌ای با مردم دیگر است. انزوا لزوماً مسئله تنها بودن نیست، آدمی هیچ‌گاه منزوی‌تر از وقتی نیست که در انبوهی از افراد بیگانه حضور دارد.^{۱۵}

در ادامه همین مبحث توکویل معتقد است در عصر مدرنیته، هر فرد احساساتش را به سمت خود می‌چرخاند که نمی‌توان به آن نام «خودخواهی» داد. زیرا منشأ خودخواهی یک گزینه کورکورانه است. اصطلاحی که جامعه‌شناسان به این حالت می‌گویند «فردگرایی» است.

فردگرایی احساس اندیشیده است که هر فرد آن را در اختیار خود دارد و توسط آن خودش را از توده‌های هم‌نوعش جدا تصور می‌کند. او معتقد است که بروز دموکراسی در عصر مدرنیته عاملی شده برای از هم کسبختگی حلقه زنجیره‌های خانوادگی. دموکراسی عاملی است تأثیرگذار در توسعه فردگرایی و تهدیدی است که فرد از طریق آن به درون خود و و تنهایی مطلق قلب خویش پناه برد.

توکویل اذعان می‌دارد که «فردیت باعث می‌شود که جامعه فرد را از ماهیت خود تهی سازد»^{۱۶}.

تئوری فردگرایی این رابطه را مشهود می‌سازد که:

۱۵- همان پیشین، ص ۴

۱۶- توسلی، غلامعباس، نظریه جامعه‌شناسی، ص ۱۰۷، انتشارات پیام نور تهران، ۱۳۸۰

هر چقدر احساس فردگرایی در افراد بیشتر شود به همان میزان هم افراد از ازدواج گریزان‌تر می‌شوند. تا جایی که ازدواج مبدل به یک مسئله حاد اجتماعی خواهد شد.

➤ فردیت و فرم‌های اجتماعی در عصر مدرنیته

منظور زیمیل از پیچیدگی اندام سازمان‌های اجتماعی این است که جامعه به درجه‌ای از رشد و تکامل راه یافته باشد که بتواند «فردیت»های متفاوت را تاب آورد. یعنی بتواند تأکید بر چیزی کند که افراد را از یکدیگر جدا کند. و یا به بیانی جامعه‌ای که افرادش به «تفرد شخصیت» دست یافته باشند؛ تفردی که از راه «آزادی فردی» به دست می‌آید و لازمه‌ی چنین آزادی‌ای سبک زندگی و یا داشتن احساس تعلق به حلقه‌ی بسیار بزرگ اجتماعی است. حلقه‌ای که برخلاف حلقه‌های تنگ و محدود کننده، آزادی فردی را تشویق کند. مثالی که زیمیل در این مورد می‌آورد بسیار جالب است زیرا تطبیقی است بین جامعه مدرن و جامعه فئودالی. به گفته او در نظام فئودالی «نه جایی برای عرق ملی یا روحیه‌ی نیکوکاری وجود داشت و نه جایی برای روحیه‌ی تلاش فردی و انرژی شخصی».. به هر حال برای جلوگیری از هیچ شدن شخصیت فرد، انسان اجتماعی نیازمند من یا آگوی شخصی است. و تنها چیزی که می‌تواند به فرایند شکل‌گیری آن یاری رساند، پیچیدگی اندام‌های سازمان اجتماعی است. بنابراین بر اساس کشف هوشمندانه‌ی زیمیل: زندگی در حلقه‌ای بزرگ‌تر و تعامل با آن، در ذات خود و به خودی خود، آگاهی بیش‌تری از شخصیت را پرورش می‌دهد. بدین ترتیب از نظر زیمیل فقط چنین جامعه‌ای به مرحله‌ی پیچیدگی راه یافته است که افراد می‌توانند بی‌آنکه ارتباطشان با کل جامعه قطع شود، مانع راه یافتن دیگر بخش‌های شخصیت خود به درون رابطه‌ای شوند که به آن جا تعلق ندارد. همان رابطه‌ای که علاوه بر جزئی بودن نقش اجتماعی‌اش، کلیت

شخصیت فرد را می‌بلعد و با ارائه موقعیت تحریف شده‌ی کلیشه‌ای از او، وی را به هیچ مبدل می‌سازد.^{۱۷}

۱۷ - زیمِل، گنورگ، فردیت و فرم‌های اجتماعی، مترجم شهناز مسمی پرست، نشر ثالث، ۱۳۹۲

➤ فصل دوم

➤ نهاد خانواده^{۱۸}

در جامعه شناسی، خانواده به عنوان یک نهاد اصلی اجتماعی دارای حیات ویژه‌ای است که با روش علمی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و چگونگی پیدایی خانواده و تطور دگرگونی‌های آن در طول تاریخ تبیین می‌گردد خصوصاً که در جامعه‌های امروز خانواده دچار دستخوش تغییرات ناهماهنگی قرار گرفته و به تدریج شکل و هیئت قدیمی خود را از دست می‌دهد و به گونه‌ای جدیدی تطور می‌یابد، در نتیجه در کارکردهای خانواده تغییراتی ناهماهنگ با تغییرات ساختی آن پدید آمده‌است. روابط درون خانواده، روابط میان زن و شوهر و روابط دختران و پسران و فرزندان و والدین، تحت تأثیر شرایط اجتماعی جامعه قرار گرفته و در آن دگرگونی‌هایی پدید آمده‌است. بنابراین خانواده که هسته اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد در بسیاری از جامعه‌های غربی استحکام خود را از دست داده‌است و به تدریج رو به ضعف است و دولتهای غربی از این لحاظ احساس خطر می‌کنند و بیم دارند که قادر نباشند جلوی آسیب‌های خانواده را بگیرند. از هر پنج نفر یک بزرگ سال به صورت مجرد زندگی می‌کند. تقریباً نیمی از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود و راه‌حل‌های جدیدی به جای ازدواج سنتی، در حال شیوع است!^{۱۹}

۱۷- family

۱۹- پایگاه تحلیلی بهار، جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۸۶

➤ تعریف خانواده

در این تعریف بیان می‌شود که نخستین سلول یا واحد زندگی اجتماعی که یکی از اساسی‌ترین نهادهای موجود در جامعه است. هر خانواده‌ای مرکب از یک زن و مرد است که از یکدیگر دارای فرزندانی باشند. روابط زناشویی یکسری روابط معینی هستند که مورد قبول عموم در جامعه می‌باشند که در آن یکسری حقوق و تکالیف نسبت به یکدیگر وجود دارد.

خانواده در یک تعریف کلی عبارت است از یک گروه نسبتاً بادوام که به وسیلهٔ اجداد، ازدواج، یا توافق به هم بستگی پیدا کرده و با هم زندگی می‌کنند، واحدی اقتصادی تشکیل می‌دهند و از فرزندان خردسال خود مراقبت و نگهداری می‌کنند.^{۲۰}

➤ انگیزه تشکیل خانواده

اساس تشکیل خانواده از مسئله «خدمت» نشأت می‌گیرد؛ به عنوان مثال: خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری با تأکید بر اصل «استخدام» بر اجتماعی شدن انسان به انواع همکاری و همیاری اشاره می‌کند و می‌گوید: عناصر و نبات و حیوان هر سه کمک به نوع انسان از همه لحاظ می‌باشند، ولی انسان به آن‌ها یاری نمی‌رساند: «همچنان که انسان به عناصر و مرکبات محتاج است تا هر سه نوع معاونت او دهند، به نوع خود نیز محتاج است تا به طریق «خدمت» یکدیگر را معاونت کنند...».

تمامی اندیشمندانی که به اتوپیا روی آورده‌اند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند، بدین معنا که نهاد خانواده وظیفه تولیدمثل، نگهداری، پرورش

۲۰- پایگاه تحلیلی راسخون، جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۹۴

فرزندان و اجتماعی کردن آن‌ها را به عهده دارد تا از این طریق افراد جامعه آماده انجام وظایف و مسئولیت‌های متنوع‌تر و پیچیده‌تری در جامعه شوند. خانواده در شکل‌گیری دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و باورهای کودک نقش اصلی را به عهده دارد و بر نوع روابطی که فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر دارد، تأثیر می‌گذارد.^{۲۱}

برخی از روانکاوان چون «فروید» کو شیده‌اند تمامی میل‌ها و کشش‌های زنان و مردان به جنس مخالف را در غرایز جنسی محدود و محصور کنند. اما در برابر این تصور و انگاره، پاره‌ای دیگر از روانشناسان محبت میان همسران را گاه «عشق» و گاه «نوعی احساس» نامیده‌اند. دکتر ژ. آ. هدفیلد روانکاو، تفسیر فروید از واژه عشق را چنان بیان می‌کند: «فروید عقیده دارد که معنا و مفهوم کامل عشق در گزینه جنسی خلاصه شده است و در حقیقت کلمه عشق را از بین می‌برد و به جای آن گزینه تناسلی می‌گذارد و به ندرت فرقی بین گزینه مرد و زن می‌گذارد؛ بلکه فقط می‌گوید: مرد از راه غریزی تحریک می‌شود و زن از راه عشق.» سپس نظر خود را در این باره می‌آورد: «نظر من این است که عشق یک گزینه ساده مثل گزینه تناسلی با خشم، غضب و یا ترس نمی‌تواند باشد، بلکه احساسی و در حقیقت مجموعه هیجاناتی است که نسبت به یک چیز یا شخص در وجود آدمی به وجود می‌آید مثلاً وطن پرستی همان‌طور که از اسامش پیداست، احساسی است که در آن تمام هیجانات در اطراف کشورمان دور می‌زند. بدین طریق عشق عبارت است از: احساسی است که در آن عده زیادی از هیجانات مانند فداکاری، احترام، تهور در دفاع از معشوق، نرمی و ملاحظت به خصوص در عشق مادر به فرزندش، پذیرش خواهش‌ها و تحسین معشوق، همگی با هم همکاری نزدیکی دارند.

برخی از صاحب نظران، اساس تشکیل خانواده را «نیاز»، بعضی دیگر «احترام به قراردادهای اجتماعی» و برخی «تولیدمثل» دانسته اند. اما آنچه قرآن بر آن تأکید دارد، «نظریه آرامش» است. قرآن به آرامش در کنار همسر و به تشکیل خانواده تأکید دارد. قرآن مجید می گوید: شما در کنار همسر می توانید آرامش را به دست آورید.^{۲۲} جوان پسر و دختر بعد از تشکیل خانواده، احساس آرامش می کنند. سپس می گوید: «خداوند بین زوجین علاقه ی دوستی و مهربانی قرار داد»، یعنی اساس تعامل با یکدیگر باید بر اساس دوستی، مودت، مهربانی و رحمت باشد. بدین سان، کانون خانواده از آن روی که بزم محبت و مودت است، اکسیر آرام بخشی و «سکون» برای هر دو همسر را در خود دارد. رهیافت به این واقعیت کارکردی خانواده، آشکارا اعتراف به این واقعیت نیز هست که هرگاه خانواده از محبت و مودت تهی گردد، شالوده آن سست و لغزنده می شود و هر آن احتمال فروپاشی و گسست آن می رود و این یکی از اسباب و عواملی است که خانواده امروز غربی را در سراشیب سقوط و نابودی قرار داده است.^{۲۳}

➤ **خاستگاه خانواده و اهمیت آن**

درباره خاستگاه خانواده، یعنی چگونگی پیدایی اشکال ابتدایی آن دانسته‌های انسان بسیار محدود است و اغلب بر فرضیات مبتنی می‌باشد. درباره تعریف خانواده هگل چنین می‌گوید: خانواده اولین گروه طبیعی است. به عقیده رو سو خانواده قدیمی‌ترین جامعه و اولین نمونه اجتماعات سیاسی است. جامعه شناسان خانواده را هسته اولیه جامعه می‌دانند و معتقد که خانواده مبدأ تشکیل سازمان‌های اجتماعی بوده است. مالدینوفسکی می‌گوید:

۲۲- روم: ص ۲۱

۲۳ - همان، ص ۴

خانواده و طایفه مقارن یکدیگر وجود داشته و این مقتضیات جامعه بود که معلوم می‌کرد کدام بر دیگری برتری و اهمیت بیشتری دارد. به نظر دورکیم پیدایش خانواده و تطور تدریجی آن به موازات تحول اجتماعی و تکامل انسان انجام گرفته و ادامه دارد.^{۲۴} چنین به نظر می‌رسد که اولین واحد اجتماعی خانواده بود که به تدریج توسعه یافته و به شکل واحدهای بزرگتری چون قبیله، طایفه، جامعه روستایی، جامعه شهری و بالاخره جامعه ملی درآمده است.

اغلب ما عمرمان را در دو نوع خانواده با نقشها و پایگاههای کاملاً متفاوت سپری می‌کنیم که اهمیت فوق العاده‌ای در جهت گیری زندگی و آینده ما از هر لحاظ دارد. الف) خانواده جهت یاب:^{۲۵}

یعنی خانواده‌ای که در آن به عنوان پسر یا دختر متولد می‌شویم.

ب) خانواده تولید مثل:^{۲۶}

یعنی خانواده‌ای که به عنوان پدر یا مادر، هم‌نوعان خود را به وجود می‌آوریم. در هر جامعه انتظار این است که خانواده از طریق ازدواج یعنی نوعی معاشرت بین دو یا چند نفر از مردم با تأیید اجتماعی، تشکیل گردد.

رسمیت اجتماعی ازدواج معمولاً به وسیله ی آیین‌ها و مراسم معمول فرهنگی، مانند عقد ازدواج توسط یک مقام مذهبی، به تثبیت ازدواج توسط قاضی یا نماینده دولت یا مبادله رسمی هدایا بین خانواده‌های دو طرف مشخص می‌گردد. از طرفهای ازدواج انتظار

۲۴- رحیمی موقر، جامعه شناسی خانوادگی، ص ۱۲، نشر نی، ۱۳۸۹

۲۵- family of orientation

۲۶- family of procreation

می‌رود که نوعی رابطه جنسی با هم داشته باشند و حقوق و وظایف اقتصادی را به صورت شریک خانواده رعایت کنند.^{۲۷}

➤ مفهوم خانوار

خانوار یک واحد آماری است که مرکب از افرادی است که همه در یک کانون مشخص زندگی می‌کنند، زیر یک سقف می‌خوابند، هم خرج‌اند و دور یک سفره غذا می‌خورند.^{۲۸}

➤ تفاوت مفهوم خانواده با مفهوم خانوار

- ۱- شرط تشکیل خانوار، اقتصاد مشترک است اما شرط اصلی تشکیل خانواده، خویشاوندی است.
- ۲- یک نفر می‌تواند خانوار محسوب گردد اما برای تشکیل شدن خانواده باید حداقل دو نفر وجود داشته باشند.
- ۳- مفهوم خانوار اعم از خانواده است.^{۲۹}

➤ مفهوم کلان ۳۰

کلان گروهی است که بر اساس خویشاوندی استوار بوده و در عین حال جامعه‌ای سیاسی، اقتصادی و مذهب‌ساز به‌شمار می‌آید. در کلان همه افراد گروه اعتقاد به نیایی مشترک دارند. رسم ازدواج در کلان‌ها برون‌گروهی است.

۲۷ - همان، ص ۱۶

۲۸ - کاظمی، اصغر، امینی یخدانی، مریم، مفاهیم حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، ص ۳۲، ۱۳۹۲

۲۹ - همان، ص ۳۳

۳۰- Clan family

ویژگی خویشاوندی در کلان کاملاً یک‌سویه است. یعنی افراد یا به کلان پدر خود تعلق دارند (پدر تبار)، یا به کلان مادر خود (مادر تبار).^{۳۱}

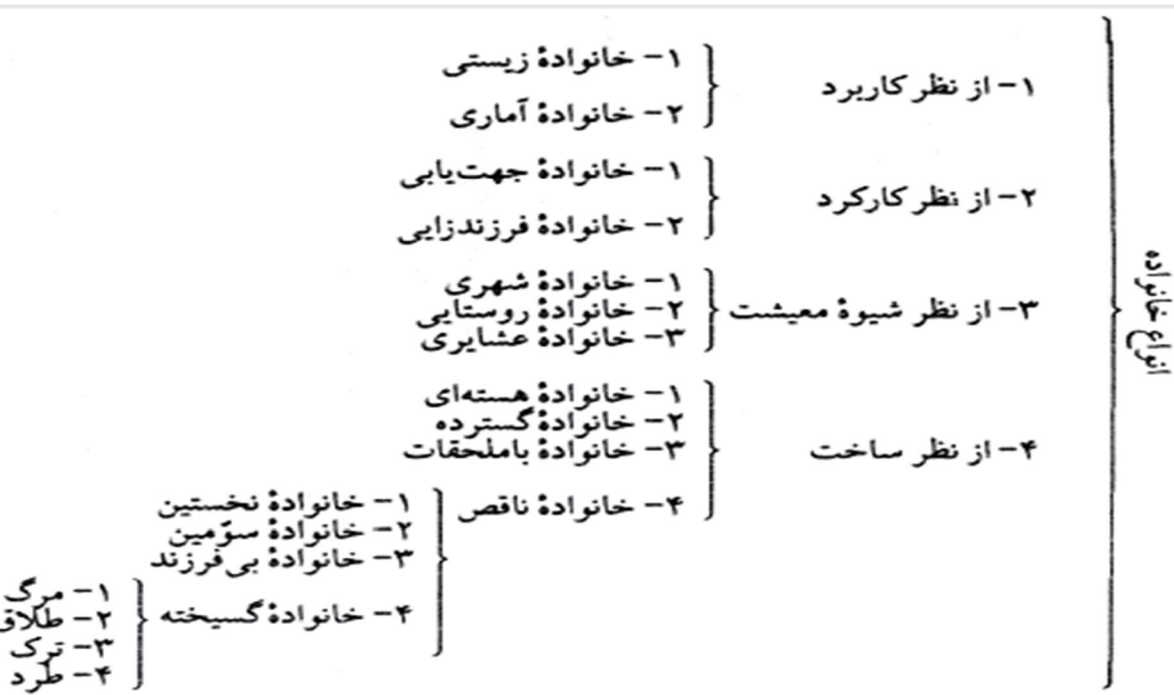
➤ انواع خانواده ۳۲

برای تعریف نمودن انواع خانواده بایستی به عوامل زیر توجه نمود.

- ۱- عوامل کاربردی
- ۲- عوامل کارکردی
- ۳- عوامل معیشتی و اقتدار
- ۴- عوامل ساختی

۳۱ - همان، ص ۳۴

۳۲ - دیاگرام انواع خانواده



- ۱- از منظر کاربردی، خانواده به دو صورت زیستی (گروهی متشکل از پدر و مادر و فرزندان) و آماری (افرادی که با یکدیگر زیر یک سقف زندگی می‌کنند، اقتصاد مشترک دارند و دور یک سفره غذا می‌خورند) تقسیم می‌شود.
- ۲- از منظر کارکردی خانواده به دو بخش جهت یابی و فرزندزائی تقسیم می‌گردد.
- ۳- از منظر معیشتی به سه شکل خانواده شهری، روستائی و عشایری تقسیم می‌شود.
- ۴- از منظر ساختی و روابط درون آن چهار نوع خانواده قابل مشاهده است.
- ۵- خانواده هسته‌ای، گسترده، بامحلقات و ناقص

➤ ویژگی‌ها و نقش‌های خانواده

- ۱- تعامل
اعضای یک گروه با یکدیگر روابط متقابل دارند و رفتار هر عضو می‌تواند تأثیر بالقوه‌ای بر سایر افراد داشته، آن‌ها را به عکس العمل مناسب وادارد. اعضای خانواده نیز چنین تعاملی با یکدیگر دارند.
- ۲- ساختار
هر گروه دارای الگوهای نسبتاً پایدار در روابط خویش است و همین الگوها پایگاه افراد و نقش‌های آن‌ها را مشخص می‌کند. ساختاری که بر کلیت خانواده حاکم است، خط و مشی زندگی، نقش‌ها و کارکردهای خانواده را نشان می‌دهد. مثلاً الگوی زندگی یک خانواده عشایری کوچ‌نشین، ترسیم‌کننده نقش‌ها و کارکردهای خاصی است که چه بسا با ساختار یک زندگی روستایی فرق می‌کند.

۳- اندازه

اندازه و قلمرو کمی گروه در تعیین نقش‌ها و وظایف گروه مؤثر است و تا اندازه آن مشخص نباشد، ساختار آن به درستی شکل نگرفته یا قابل شناسایی نیست. مثلاً خانواده گسترده به جهت افزایش کمیت آن، نسبت به خانواده هسته‌ای ساختار متفاوتی دارد.

۴- آرمان

هر گروهی برای تحقق اهدافی بوجود می‌آید. اهداف موجودیت یک گروه را، آرمان آن گروه می‌نامند. نظر به اینکه آرمان‌ها از تنوع و تکرار برخوردارند، لذا امتیاز گروه‌ها از یکدیگر به تمایز آرمان‌های آن‌ها می‌باشد. اهدافی که موجب تشکیل، استمرار و پویایی خانواده در گستره کارکردهای آن می‌شود، آرمان خانواده را تشکیل می‌دهد. بدیهی است که وحدت اهداف و آرمان باعث اشتراک خانواده‌ها می‌باشد.

۵- همبستگی

بر اساس میزان تعامل و اشتراک در آرمان، همگرایی و همبستگی ایجاد می‌شود و برای درک یک گروه باید میزان همبستگی و ارتباط اعضاء با یکدیگر را در نظر گرفت. مثلاً خانواده‌ای که بر اساس آرمان مشترک بوجود آمده و از تعامل مقبولی برخوردار است، میزان همبستگی آن نسبت به خانواده‌ای که فاقد چنین ویژگی‌هایی می‌باشند بیشتر است.

۶- تغییر

گروه در معرض تغییر و دگرگونی قرار دارد. شناخت عوامل تغییر، عرصه‌ها و قلمرو آن و نیز تصمیم‌گیری در پذیرش مقدار تغییر، همگی متغیرهایی هستند که یک گروه ممکن است با آن مواجه شود. خانواده هم از این ویژگی مستثنی نیست، اما گزینش عنصری جدید و تغییر در عرصه‌های مختلف خانواده بستگی به عواملی از قبیل آرمان، محیط

طبیعی، ضرورت اجتماعی (از قبیل تقسیم کار اجتماعی بر حسب پیچیدگی‌های ساختار جامعه دارد).^{۳۳}

➤ عمومیت کارکرد نهاد خانواده

نهاد خانواده کارکردهای حیاتی در جامعه ایفا می‌کند.

۱- تنظیم رفتار جنسی:

هیچ جامعه‌ای به مردم اجازه نمی‌دهد بطور تصادفی رابطه‌ای جنسی داشته باشد. نظام ازدواج و خانواده وسایل تنظیم رفتار جنسی را فراهم می‌سازد. و تعیین می‌کند که چه کسی با چه کسی در چه شرایطی باید رابطه‌ای جنسی داشته باشد.

۲- جایگزین کردن اعضا:

یک جامعه بدون داشتن نظامی برای جایگزینی اعضایش از نسلی به نسل دیگر قادر به ادامه حیات نیست. خانواده و وسایل ثابت و نهادی شده‌ای را فراهم می‌سازد که از طریق آن چنین جایگزینی تحقق می‌یابد.

۳- جامعه پذیری:

مردم نخواهند توانست انسان کامل شوند مگر این که جامعه پذیر شوند و خانواده اولین و مهمترین عامل در زمینه جامعه پذیری است که از لحظه تولد آغاز می‌شود.

۳۳- اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر،

۴- مراقبت و نگهداری:

مردم (چه خردسال و چه پیر یا ناتوان) نیاز به گرما، غذا، پناهگاه و مراقبت و نگهداری دارند و خانواده محیطی فراهم می‌آورد که همه این نیازها در آن تأمین می‌گردد.

۵- تعیین جایگاه اجتماعی:

زمینه خانوادگی، مهمترین و تنها عامل تعیین کننده و جایگاه ما، در جامعه است. ما نه تنها داراییهای مادی بلکه پایگاه اجتماعی خود را از خانواده جهت یاب به ارث می‌بریم. ما به همان گروه قومی یا نژادی یا معمولاً به همان مذهب و آیین و طبقه اجتماعی تعلق داریم که والدین ما تعلق دارند.

۶- حمایت عاطفی:

انسان ها نیاز به محبت، تغذیه، صمیمیت و عشق دارند. خانواده اولین زمینه اجتماعی است که در آن نیازهای عاطفی می‌تواند برآورده شود و عمیق ترین احساسات شخصی ابراز گردد. البته، خانواده تنها وسیله ممکن برای تأمین آنها نیست ولی با وجود این خانواده چنان مؤثر آنها را برآورده می‌سازد که در هر فرهنگ، اولین مسئولیت را در تأمین آنها دارد.^{۳۴}

➤ نظریات جامعه‌شناسانه در مورد منشأ پیدایش و کارکردهای خانواده

تحولات ایجاد شده در سطح خانواده منجر به بروز و ظهور نظریات و نگرش‌های مختلف و متفاوتی نسبت به این نهاد اجتماعی شده است. این نگرش‌ها در طیفی با دو سوی کاملاً متضاد، نظریات و افکار کاملاً متفاوتی را نسبت به خانواده ابراز می‌دارند. طیفی که در یک سو بازگشت به شکل سنتی خانواده برای دوام و ثبات جامعه ضروری می‌دانند و در سوی دیگر طیف، عمدتاً در نظریات فمینیستی رادیکال و تندرو، خانواده را محل عمده‌ی ستم بر زنان دانسته و ازدواج را وضعیتی غیر ارادی می‌دانند که در آن مجموعه‌ای از خشونت، بیکاری و تقاضاهای جنسی ناخواسته به زنان تحمیل می‌شود و تفکرات افراطی این دسته تا آن‌جا پیش می‌رود که فحشا و ازدواج را هم‌شان یکدیگر می‌دانند که در هر دو مورد با زن در حد یک کالای جنسی برخورد می‌شود. در این میان نظریات بسیاری نیز بر شکل جدیدی از خانواده، که بر خلاف نظریات افراطی، تناسب با شرایط اجتماعی و نیازهای طبیعی انسانی را مد نظر دارد، تأکید می‌کنند. در ادامه و در این بخش جهت آشنایی با نگرش‌های مختلف نسبت به خانواده ابتدا به مرور نظریه‌ها و دیدگاه‌های جامعه‌شناسان در مورد تحولات صورت گرفته در روابط خانوادگی و نقش‌های جنسیتی در خانواده می‌پردازیم.

اولین افرادی که نگاه علمی به خانواده داشتند "لوپله از فرانسه و ریل از آلمان" بودند این دو که می‌توان آنان را پدران جامعه‌شناسی خانواده نامید در اوج انقلاب صنعتی اروپا شاهد فروپاشی خانواده بودند و ریشه آن را در تحولات فکری و آزادی خواهانه و برابری می‌دانستند. آنان در دفاع از خانواده ی گسترده، به نقد مسیری پرداختند که خانواده در دوره ی جدید طی می‌کرد. تقاضای آنان از دولت این بود که با ایجاد محدودیت‌هایی در حقوق فردی، افراد را به زندگی در خانواده گسترده وادار کند. نظرات

آن‌ها به مدت طولانی در اروپا حاکم بود تا این که نفوذ افکار جامعه‌شناسانی چون دورکیم جای آن را گرفت^{۳۵}.

➤ تئوری واقعیت اجتماعی دورکیم در مورد منشأ پیدایش خانواده

امیل دورکیم در کتاب «تقسیم کار اجتماعی» ضمن اشاره به انتقال انسجام از حالت مکانیکی به ارگانیکی، آثار این تحول را اختلال، بی‌هنجاری و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش‌های اجتماعی معرفی می‌کند. در طی دوره گذار و جدان اجتماعی که عامل انسجام اجتماعی است تضعیف شده و فردیت افزایش می‌یابد. این امر آثار مخربش را بر نهاد خانواده خواهد گذاشت. خانواده از نگاه دورکیم یک گروه طبیعی نیست که توسط والدین بنا شده است، بلکه نهادی است اجتماعی که عوامل اجتماعی آن را به وجود آورده‌اند.

از نظر دورکیم جامعه بشری در جریان یک تطور دائمی است. این تطور جامعه بشری را از همبستگی مکانیکی به سوی تقسیم کار، تخصص و همبستگی ارگانیکی سوق می‌دهد. بنابر این حال که جامعه در بستر تطور قرار دارد عناصر جامعه از جمله خانواده هم در این بستر تطور قرار می‌گیرد و تطوری دائمی ولی تدریجی و بدون انقطاع دارد. در نظریه او چند عنصر مطرح است:

- ۱- خانواده مانند جامعه در جریان تطور قرار می‌گیرد.
- ۲- این سیر تطور همانند جامعه، خطی است.
- ۳- تطور خانواده در این بستر خطی موجب می‌شود که خانواده زن و شوهری در نهایت این خط قرار گیرد.

۳۵- رحیمی، موقر، جامعه‌شناسی خانوادگی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹

۴- در جریان این تطور، خانواده در زمینه های مختلف دچار انقباض می شود. از نظر دور کیم خانواده در آغاز به شکل گسترده بود. بطوریکه گاه چندین نسل را در خود جای می داد. فرزند آوری و زاد و ولد زیاد، خانواده را یک مجموعه بزرگ از نظر کمی می نمود. اما او ضاع بطور تدریجی تغییر پیدا کرد. از نظر کمی خانواده کوچک شد و از ملحقات آن کاسته گردید.

بنابراین، دورکیم نیز خانواده را نهادی اجتماعی می داند که جزئی از جامعه است؛ شناخت مستلزم شناخت کل جامعه است، او نیز مانند مورگان حرکت خانواده را تطوری و در خط مستقیمی می داند با قابلیت تعمیم به تمام جهان، جبرگراست و معتقد است که خانواده باید در هر جامعه از مراحل گوناگون مورد نظرش، بگذرد. او نیز همزمانی انواع خانواده را نمی پذیرد، یک شیوه پدید می آید و در جهان نوع غالب می شود و سپس جایش را به شکل دیگر خانواده می دهد. او خانواده را بیشتر پدیده ای اجتماعی می داند تا پدیده ای زیستی و بررسی آن را بیشتر در حیطه جامعه شناسی می داند. مراحل خانواده از نظر دورکیم بدین ترتیب است:

۱. مرحله کلانی: کلان به دو نوع تقسیم می شود کلان بی شکل و کلان بزرگ و دارای تقسیمات درونی. کلان همچون یک خانواده بزرگ است با نیای مشخص که اعضای آن همخون اند(محرم اند) بنابراین ازدواج بین آن ها ممنوع است و همچنین یک واحد سیاسی است همانند خانواده که قرن ها دارای ابعاد سیاسی بوده است. کلان می تواند پدر تبار یا مادر تبار باشد.

۲. خانواده صلبی: خانواده ای است که در داخل کلان شکل می گیرد. با اشتراک مالی در داخل آن (مشاع بودن ثروت) همچنین انسجام و همبستگی زیادی دارد.

۳. خانواده پدر سری روم قدیم: خانواده ای پدر محور که مرد بودن در آن امتیاز است که از پدر به فرزند پسر ارشد به ارث می رسد.

۴. خانواده زن و شوهری: از نظر دورکیم آخرین نوع خانواده در جهان این نوع خانواده می باشد که مبتنی بر فرآیند انقباض تدریجی به دو صورت می باشد.

الف: حجم و مظاهر کمی به معنی کاهش در تعداد اعضای خانواده

ب: وظایف و کارکردها: کاهش کارکردهای خانواده (آموزشی و اقتصادی و...)

خانواده زن و شوهری که بر مبنای ازدواج تشکیل می شود انتهای تحولی است که در جریان آن خانواده پدیدار می گردد، به طوری که ارتباط مستقیم فرد با اجتماع وسعت بیشتری خواهد یافت. این سیر تحول از اولین شکل خانواده که یک گروه سیاسی خانوادگی است آغاز شده و پس از گذراندن مراحل کلانی در خانواده پدر سری در رم قدیم در خانواده پدری ژرمنی، به خانواده زن و شوهری امروزی منتهی می شود.^{۳۶}

➤ تئوری کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز در مورد منشأ خانواده

تالکوت پارسونز، صاحب یکی از بانفوذترین نظریات در مورد تحولات خانواده است که سال‌های طولانی محور اصلی نظریات جامعه‌شناسی در حوزه خانواده بوده است. پارسونز اعتقاد داشت فرآیند توسعه صنعتی منجر به تغییرات خانواده از شکل گسترده به خانواده هسته‌ای شده است. این نوع خانواده، بر خلاف خانواده گسترده، تمام کارکردهای اجتماعی و اقتصادی خود را از دست داده و صرفاً به واحد سکونت و مصرف تبدیل شده است. کارکردهای اقتصادی، آموزشی، خدماتی، محافظتی و ... خانواده به دیگر

۳۶ - آزاد ارمکی، تقی، ص ۱۲۰، ۱۳۸۶

نهادهای و سازمان‌های اجتماعی مانند شرکت‌ها، کارخانجات، مدارس، بیمارستان‌ها و ... واگذار شده و کارکردهای مهم باقی‌مانده برای خانواده فراهم آوردن عوامل جامعه‌پذیری کودکان و شرایط کسب تعادل روانی و استحکام شخصیت برای بزرگسالان است. این گروه خانگی از شبکه خویشاوندی جدا شده و ازدواج بر اساس انتخاب آزادانه صورت می‌گیرد. پارسونز با تقسیم خانواده هسته‌ای به دو نوع جهت‌یاب و فرزندیاب معتقد است افراد با ازدواج از خانواده جهت‌یاب زن یا شوهر جدا می‌شوند و از لحاظ اقتصادی و پایگاه اجتماعی از آن مستقل می‌شوند و پایگاه اجتماعی خانواده از طریق شغل شوهر مشخص می‌گردد. بنابراین همبستگی خانوادگی در خانواده هسته‌ای جدید، مانند سایر نظام‌های خانوادگی، منوط به ثبات گروه‌های بزرگ خویشاوندی نبوده و تنها همبستگی فرد نسبت به خانواده فرزندیاب به وجود می‌آید. ایجاد و دوام این نوع از همبستگی از نظر پارسونز، رابطه عاشقانه بین زن و شوهر است و همسرگزینی آزاد به دور از دخالت‌های خانواده و بر اساس تمایلات احساسی، شرط ضروری برای این نوع رابطه است.

بنا به نظر پارسونز، وجود عشق رمانتیک به عنوان عامل اصلی ازدواج، باعث ایجاد محیطی صمیمی و سرشار از عشق و علاقه در رابطه زن و شوهر و والدین و فرزندان خواهد شد و این محیط برای اجتماعی کردن صحیح و مناسب کودکان ضروری است و هم‌چنین در شکوفایی و تکامل استعدادها و علائق بزرگسالان نیز نقش مهمی دارد.

از نظر پارسونز جهت‌دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده هسته‌ای، وجود دو تفاوت اساسی در میان اعضای خانواده ضروری است؛ یکی وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان، و دیگری تقسیم کار بر اساس جنس که با تفکیک نقش‌های ابزاری و نقش‌های ابرازی مشخص می‌شود. نقش ابزاری بیشتر شامل حالات مردانه و نقش

بیانگر بیشتر شامل حالات زنانه است. به اعتقاد او این تقسیم نقش باعث حفظ وحدت خانوادگی می‌شود. نقش مردان، تعیین پایگاه اجتماعی خانواده از طریق شغل و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد شغلی است؛ و نقش زن ایجاد روابط عاطفی (بیان‌گر) برای اعضای خانواده است که از مشکلات گوناگون اجتماعی رنج می‌برند. بر اساس این نظریه، هرگونه تداخل و تغییر در الگوی نقش‌ها سبب برهم خوردن تعادل زندگی می‌شود. زیرا به ویژه در حالت اشتغال زن، وی حالت بیان‌گر را از دست داده و به رقیب شوهرش تبدیل می‌شود. در نتیجه رقابت زن و شوهر با یکدیگر منجر به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود. به نظر پارسونز ایفای نقش‌های تخصصی مردانه و زنانه، عامل دوام و بقای خرده‌نظام خانواده در چارچوب نظام اجتماعی است. و چنین خانواده‌ای تناسب بسیاری با صنعتی شدن در مقیاس کلان دارد و در واقع جزو اقتضائات کارکردی آن به حساب می‌آید.

کارکرد اصلی این نظریه هدایت و فهم ما از چگونگی شکل‌گیری رفتارهای فردی توسط ساختارها می‌باشد. اما نظریه پارسونز در مورد فرآیندهای هسته‌ای شدن نظام خانواده متوجه و متمرکز شده بر اهمیت شغل که مبتنی است بر متغیرهای الگویی که ماهیت خود را از نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی و مدرن می‌گیرند.

پارسونز اشاره می‌کند که یکی از اصلی‌ترین اثرات این تحول تبدیل شدن نوع شغل به یکی از ارکان اصلی تعیین پایگاه اجتماعی افراد در جوامع مدرن شده است. در مسیر تطور جوامع صنعتی زمانی فرا خواهد رسید که خانواده عموماً دیگر از لحاظ پایگاه شغلی منشأ هیچ کمکی برای فرد نخواهد بود.^{۳۷}

از آنجایی که نوع شغل در سن ازدواج و تشکیل خانواده عنصر کلیدی است، جوانان غالباً هنگامی میل به ازدواج پیدا می‌کنند که یقین داشته باشند از عهده معاش خانواده طبق ارزش‌ها و سنن رایج در جامعه خود بر خواهند آمد. اما چون این امر در سنسن مشخصی تحقق نمی‌یابد، نوع شغل فرد اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.^{۳۸}

➤ تئوری نوگرایی آنتونی گیدنز در مورد عوامل ت شدید فردگرایی در نهاد خانواده

یکی از مهم‌ترین آفت‌های اجتماعی عصر مدرن که جوامع صنعتی و رو به پیشرفت با آن مواجه‌اند بروز پدیده‌ای بنام «بی‌اعتمادی» است که گیدنز از آن با اصطلاح «فقدان اعتماد میان اعضای جامعه» یاد می‌کند. گسترش این عارضه در روابط اجتماعی منجر به بروز انواع انحرافات اجتماعی در سطح جامعه، نهاد خانواده و مناسبات انسانی می‌شود که اساساً کیفیت ارتباط افراد با یکدیگر را دچار خدشه‌ای جبران‌ناپذیر مواجه ساخته است.^{۳۹} اگر این موضوع را در کنار گسترش شهرنشینی بینیم و بررسی نماییم خواهیم دید که روند بیگانگی یا همان بی‌اعتمادی در شهرها را میان افراد به سرعت بیشتر کرده که نقطه عطف آن را می‌توان در مسئله ازدواج مشاهده کرد. شکست‌های عاطفی، طلاق عاطفی زن و شوهر و... تنها گوشه‌هایی از این عارضه است که مردم از آن‌ها آگاه می‌شوند. تسریع در امر بی‌اعتمادی قاعدتاً ریسک ازدواج را بالا خواهد برد و جوانان کم‌تر تن به این امر خواهند داد.

تسلط ارزش‌های صنعت‌گرایی، سرمایه‌داری، تقویت نهادهای نظارت اجتماعی، فردگرایی، خردگرایی، افسون‌زدایی، پوچ‌گرایی و جهانی شدن از جمله ویژگی‌های

۳۸- مجدالدین، ص ۱۴۲، ۱۳۸۶

۳۹ - گیدنز، آنتونی، ص ۴۴، ۱۳۸۸

گریزناپذیر دوران مدرنیته است؛^{۴۰} اما آنچه که تأثیر مدرنیته بر نهاد خانواده می‌گذارد، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، کاهش تحرک جغرافیایی، اشتغال زنان و تنوع‌پذیری است. به بیان دیگر، تغییری که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده است برخی از ویژگی‌های ازدواج در جوامع قدیمی‌تر مانند نوع انتخاب همسر، چند زنی، میزان فرزندآوری، فاصله میان زن و مرد و ... دگرگون شوند. همه این متغیرها منجر شده به انتخاب آزادانه‌تر همسر، کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی، آزادی‌های جنسی و ... در عصر مدرنی که هیچ فردی از فردای خود اطمینان ندارد.^{۴۱}

➤ تئوری رنه کونینگ در مورد رویارویی دو عنصر روابط و صمیمیت در خانواده

رنه کونینگ، از دیگر جامعه‌شناسان خانواده، مهم‌ترین خصلت و مشخصه اصلی خانواده را رویارویی روابط و صمیمیت می‌داند و خانواده را گروهی که با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند، تعریف می‌کند. وی مسئله کاهش کارکردهای خانواده را مورد بررسی قرار می‌دهد. کونینگ ویژگی خانواده را به عنوان یک گروه این گونه تعریف می‌کند: صمیمیت مشخصه‌ی اساسی و غیر قابل تفکیک خانواده است و همین صفت آن را از سایر گروه‌های اجتماعی متمایز می‌سازد چرا که همین صمیمیت است که می‌تواند شخصیت کودکان را شکل دهد. به زعم کونینگ در اثر صنعتی شدن کارکردهای عمده خانواده مانند کارکرد اقتصادی، آموزشی، نگهداری از سالخوردگان و گذران اوقات فراغت و ... به سازمان‌های دولتی واگذار شده است و خانواده در دوران نوین قادر گشته است که به کارکرد اصلی و اولیه خود یعنی رشد شخصیت اجتماعی فرهنگی کودکان بپردازد.

۴۰ - همان، ص ۲۴

۴۱ - همان، ص ۲۶

کونینگ در عین حال برای واگذاری کارکردهای خانواده به جامعه و جدا شدن خانواده از روابط و مناسبات کل جامعه از اصطلاح ناهماهنگی استفاده می‌کند و معتقد است خانواده بیش از حد به جامعه وابسته شده و از آن‌جا که این کارکردها برای خانواده اساسی بوده‌اند، خانواده بدون آنان قادر به ادامه حیات نیست. وی هم‌چنین خانواده و جامعه را بیشتر در تقابل با یکدیگر می‌داند و نه در ارتباط با هم و معتقد است تضاد و نابرابری‌های موجود و اختلالات در روابط درونی خانواده، که برای آن از اصطلاح نابسامانی استفاده می‌کند، ارتباطی با جامعه ندارند.

ناماهنگی از طرفی باعث محدود شدن دایره خانواده به دایره بسته زن و شوهر می‌شود و از طرفی باعث آسیب‌پذیری اساسی خانواده به سبب از دست رفتن کارکردها می‌شود و به این ترتیب کارکرد اختصاصی خانواده با توجه به صمیمیت و علائق اعضا، ساختن شخصیت فرهنگی و اجتماعی کودکان است که این کارکرد واقعی خانواده، سال‌های طولانی زیر پوشش نیازهای ثانویه قرار داشت و تنها پس از پیدایش جوامع مدرن، خانواده توانسته از زیر بار کلیه کارکردهای ثانویه رها شود و به وظیفه اصلی خود برسد.^{۴۲}

➤ تئوری هلموت شلسکی در مورد ثبات اجتماعی خانواده در جریان دگرگونی‌های فرهنگی - اقتصادی

این جامعه‌شناس آلمانی که نظریه‌ی خود را بعد از جنگ جهانی دوم و در دوران بی‌ثباتی اجتماعی ناشی از جنگ مطرح کرد خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی و به منزله‌ی تنها باقی مانده‌ی ثبات اجتماعی تلقی می‌کند و برخلاف دیگران که معتقدند خانواده الزاماً باید خود را با دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی جامعه وفق دهد و

۴۲ - قوامی، نسرين، نظریه‌های جامعه‌شناسی راجع به خانواده، ص ۴، ۱۳۹۴

در صورت عدم انطباق به معنای تأخر فرهنگی این نهاد است، نکته‌ی جدید و قابل ملاحظه‌ای را مطرح می‌کند. وی بیان می‌کند که آیا این دگرگونی‌های موجود جامعه الزاماً پیشرفت هستند یا این که باید ادعا کرد که پیشرفت در اقتصاد مدرن همزمان نوعی پیشرفت در جهت فروپاشی است. وی معتقد است که شرایط مادی و اقتصادی جامعه باید خود را با خانواده انطباق دهد زیرا در جوامع مدرن امری که انسان به صورت موجودی منفعل در برابر ساختارهای جامعه قرار گرفته است تنها راه‌هایی او تحکیم مناسبات خانوادگی است.

پس شلسکی از دیگر نظریه‌پردازان در حوزه خانواده است که دیدگاه خود را در انتقاد به نظریه تأخر فرهنگی مطرح می‌کند. نظریه تأخر فرهنگی بر آن است که در روند تکامل جامعه، پیشرفت دو بعد فرهنگ مادی و غیر مادی با یک سرعت انجام نمی‌گیرد و فرهنگ غیر مادی، شامل آداب و رسوم، اعتقادات، قوانین و ایده‌ها، در مقایسه با دگرگونی‌های مربوط به فرهنگ مادی دارای تأخر است. بر این اساس نهاد خانواده از لحاظ میزان آگاهی، شکل ظاهری و نقش‌های افراد نسبت به پیشرفت‌های جامعه دارای تأخر فرهنگی است.

شلسکی با تشکیک در پیشرفت جامعه بر اثر دگرگونی‌های نظام اقتصادی و سیاسی، ادعا می‌کند که اقتصاد مدرن به سوی فروپاشی پیش می‌رود و در صورت انطباق خانواده با شرایط جدید، لاجرم سرنوشت خانواده نیز در جهت زوال و فروپاشی خواهد بود. شلسکی خانواده را تنها باقی‌مانده ثبات اجتماعی می‌داند و معتقد است شرایط مادی و اقتصادی باید خود را با ویژگی‌های خانواده انطباق دهند و حتی با وجود احتمال وجود ظلم و ستم در خانواده، بقا و دوام خانواده به عنوان یک ضرورت مطرح می‌کند.

شلسکی خانواده و جامعه را در تقابل با یکدیگر قلمداد می‌کند. زندگی در جامعه را دارای انضباط خشک و نظم کسالت‌آور و در مقابل خانواده را فضایی آکنده از احساسات مشترک، آرامش محیط انسانی و محبت می‌داند و به همین علت معتقد است خانواده باید به تنهایی مورد بررسی قرار گیرد. شلسکی هم‌چنین نظام خانواده را دارای سلطه طبیعی می‌داند و آن را در برابر سلطه انتزاعی جامعه قرار می‌دهد. از نظر شلسکی وجود سلطه طبیعی مرد در خانواده ضروری و ضامن حفظ کارکردهای سنتی خانواده است و رشد و توسعه این سلطه طبیعی از عوامل موجودیت خانواده است. او نابرابری میان زن و مرد و عدم اشتغال به کار زنان را از عوامل ثبات خانواده ارزیابی می‌کند و بر این نظر است که کار کردن زن در بیرون از خانه، امنیت و موجودیت خانواده که به وجود آورنده زیربنای معنوی رفتار است، با خطر مواجه می‌سازد و سبب نابه‌سامانی در روابط اجتماعی درون خانواده می‌گردد و روند تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت، که آن را کارکرد ویژه و منحصر به فرد خانواده می‌داند، مختل می‌کند.^{۴۳}

➤ **تئوری جی‌هی‌لی و مینو چین در مورد الگوی سیستمی خانواده**

جامعه‌شناسانی چون جی‌هی‌لی و مینو چین ضمن تأکید بر ارتباطات، «سیستم» خانواده را مبین رفتار اعضای آن معرفی می‌کردند. جی‌هی‌لی به ساختار سلسله‌مراتبی خانواده تأکید می‌کند. به عقیده او تمام موجودات در یک سلسله‌مراتب قرار دارند؛ به شکلی که موجود نسبت به سطوح پایین‌تر خود سلطه دارد. خانواده نیز از نظم سلسله‌مراتبی برخوردار است. پدر قدرتمندتر از بقیه است. بعد از او همسرش و سپس کودکان به

ترتیب سن جای دارند. هرگاه در این سلسله‌مراتب خدشه و اختلالی ایجاد شود خانواده دچار مشکل می‌شود.

در این ساختار سلسله‌مراتبی خانواده، ارزش سیستمی مرد به خودمختاری، واقع‌بینی و استغنائی طبع اوست. این درحالی است که ارزش سیستمی زن به احساسات و قدرت بیان اوست. از آنجا که ارزش سیستمی مرد در جوامع سرمایه‌داری بالاتر از زنان ارزیابی شده است، مردان در تمام روز سرکار می‌روند و زنان مشغول تربیت فرزندان می‌شوند.

الگوی سیستمی خانواده نشان می‌دهد که هر شخص چگونه در زندگی نقشی را در مجموعه نظام بازی می‌کند. این نگرش، خانواده را به عنوان یک نظام می‌پذیرد و هر یک از اعضای آن را به عنوان نشانه‌ای از خانواده در نظر می‌گیرد. در این صورت، اگر فردی از خانواده دارای رفتار نابه‌هنجار باشد، این امر نشان‌گر ناموفق بودن نظام خانواده به حساب می‌آید. زیر نظام‌ها بخش‌های یک نظام محلی هستند که وظیفه اجرایی کارکردهای خاص یا فرآیندهای خاص در درون سیستم را با هدف حفظ سیستم به عنوان یک کل دارند. هر خانواده دارای تعدادی از زیر نظام‌های همزیستی است که توسط نسل، جنس، علاقه و یا نقش و کارکرد در درون خانواده شکل گرفته است. با دوام‌ترین آن‌ها زیر نظام‌های زوجی، والد-فرزند، خواهر-برادر است. مینوچین معتقد است که داشتن نگرش سیستمی خانواده در قالب یک نظام اجتماعی، موجب نظم و ثبات در ساختار سلسله‌مراتبی خانواده می‌شود.^{۴۴}

➤ تئوری کلود لویی اشتروس در مورد نگاه ساختارگرایانه به خانواده

لوی اشتروس جامعه را متشکل از ساختارهایی می‌داند که بر تفکر و ذهن بشر حکومت می‌کنند. لوی اشتروس نظام خویشاوندی را مجموعه‌ای از روابطی می‌داند که در پس ظواهر زندگی عادی وجود دارد و با این حساب می‌توان گفت که وجود این گونه روابط، ذاتی هر جامعه‌ای است و نقطه انفصال جوامع از طبیعت و اتصال به فرهنگ است. شاید این مورد بدین گونه زیر سؤال برود که در جوامع غربی خویشاوندی و نظام آن در حال از بین رفتن است و بنیان خانواده و روابط آن تزلزل یافته است، که در جواب آن باید گفت که اگر چه به ظاهر ممکن است خانواده و نظام خویشاوندی در غرب سست بنیان شده باشند ولی روابطی دیگر جای روابط خانوادگی را گرفته و نقش آن را ایفا می‌کند. بهر حال ذکر این مطلب بجاست که اگر گفته شود آنچه که مهم است متن روابط است که در هر صورت ادامه پیدا کرده است.

تداوم و استمرار این روابط شرط اصلی و منظور نظر لوی اشتروس است، که آن به خاطر ذهن مشترک افراد بشر است. این روابط ممکن است در حال حاضر تفاوت‌هایی را شامل شود. از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق کند. ولی اینکه چند و چون این روابط به چه صورتی است ناشی از امکاناتی است که در دسترس برقرار کنندگان آن روابط می‌باشد. در حقیقت نظام خویشاوندی یک نظام تفکری است که اشیاء و رویدادهای پیرامون، آن را شکل می‌دهند. با این حساب می‌توان نتیجه گرفت که خویشاوندی یک رفتار اجتماعی است تا یک واقعیت زیست‌شناختی. و نیز خویشاوندی فرهنگی است نه طبیعی. و در واقع روابط خویشاوندی به طور اعم و منع زنا با محارم به طور اخص نقطه انفصال فرهنگ از طبیعت است.

در جامعه‌ای که مبتنی بر روابط تیره‌ای و عشیره است بحث نظام‌های خویشاوندی و روابط خانوادگی می‌تواند جذاب باشد، اگر از منظری آسیب‌شناختی به مسئله نگریسته شود. بهر حال آنچه که اینجا به بحث کشیده می‌شود نظریه و مبانی نظری نظام خویشاوندی کلود لوی استروس است. او همچنان که تحلیل فرهنگی و ساختی را تحلیلی همزمان و غیر تاریخی می‌داند، معتقد است که برای درک فرهنگ بشری باید به سراغ جوامع «سرد» یا جوامع «ابتدایی» رفت. لوی استروس از طریق مطالعه جوامع «سرد» می‌خواهد به جهان شمولی‌های ذهن آدمی دسترسی پیدا کند. او برای یافتن مشابهت میان فرهنگ‌ها روش‌شناسی مخصوصی دارد که در ادامه بحث خواهد شد.

ذهن انسان دغدغه اصلی لوی استروس است. او می‌خواهد بداند که آیا آنچه اندیشمندان قبل از او مثل لوی برول، مالینوفسکی، دورکیم و ... جوامع «ابتدایی» می‌نامند، واقعاً «ابتدایی» هستند. خود او صراحتاً به این سؤال جواب منفی خواهد داد. او هیچ تفاوتی و لذا هیچ برتری به ذهن متمدن در مقابل ذهن «ابتدایی» نمی‌دهد. و معتقد است که شیوه اندیشیدن در بین هر دو ذهن و به تناسب هر دو انسان یکسان و مشابه است، منتهی آنچه آن دو را از هم جدا می‌کند، امکاناتی است که آن‌ها بوسیله آن و درباره آن اندیشه می‌کنند. بنابراین از نظر او هیچ تفاوتی بین انسان متمدن و انسان «ابتدایی» وجود ندارد.

جوامع «ابتدایی» جوامعی بوده‌اند که با شرایط زمانه خود کاملاً منطبق و سازگار بوده‌اند همچنانکه جوامع متمدن با نیازهای زمانه خودشان منطبق هستند. پس نظام خویشاوندی و خانواده که نتیجه اولین قرارداد اجتماعی و نقطه شروع فرهنگ یعنی منع زنا با محارم هستند، جزء اولین همگانی‌های فرهنگ‌های بشری است که مورد توجه تحلیل ساختی لوی استروس قرار گرفته است.^{۴۵}

۴۵- لوی استروس، کلود، دیدگاه مردم‌شناسی، ترجمه نعمت‌الله تقوی، تهران، انتشارات دنیا، ۱۳۷۵

➤ تئوری بی سامانی اجتماعی رابرت کی مرتون در مورد منشا خانواده و ازدواج

از دیدگاه مرتون ازدواج هنگامی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های دسترسی به آن را تعیین کند تا همواره جامعه در حالت متعادل و منسجم بماند تا تداوم یابد. بر همین اساس، هرگاه وسایل و اهداف در یک گروه اجتماعی یا در حالت کلی‌تر در ساختارهای جامعه، هماهنگ شوند آن جامعه هیچگاه دچار مشکل نخواهد شد.^{۴۶} بر اساس این رهیافت می‌توان گفت که پدیده اجتماعی ازدواج یکی از اهداف تعیین شده جوامع با راه‌ها و وسایل مورد نیازش در جهت تحقق آن در عصر مدرنیته هماهنگ نیست. وجود چنین گسستی، جامعه را دچار بی‌سامانی نموده که حاصلاً آن شکل‌گیری انحرافات و کجروی‌ها در عرصه اجتماعی است.^{۴۷}

– الگوی خانواده در فرهنگ‌های متفاوت:

۱- تک همسری (یک زوجی)^{۴۸}
در جامعه‌های غربی تأکید بر تک همسری دارد. یعنی ازدواجی شامل یک همسر و یک جنس. البته این عقیده مطلوب مورد قبول اقلیتی در جهان است. جورج مرداک (George Murdock) (1949) در یک بررسی از ۲۳۸ جامعه ما قبل صنعتی به این نتیجه رسید که فقط در ۳۴ جامعه چند همسری ممنوع است. ازدواجی شامل یک همسر از یک جنس و یا چند همسر از جنس مخالف. در ۴ جامعه زن مجاز است که بیش از یک شوهر داشته باشد و در بقیه مرد مجاز است که بیش از یک زن داشته باشد و این

۴۶- تنهایی، حسین، ص ۷۶، ۱۳۸۲

۴۷- رحیمی، محمد، وبسایت علوم اجتماعی ایران، ۱۳۹۱

۴۸- monogamy

میزان نشان دهنده برتری قدرت و مقام مرد در نهاد خانواده است.
۲- چند همسری^{۴۹}:

در بسیاری از جوامع یک مرد اجازه دارد که همزمان بیش از یک همسر را در اختیار داشته باشد مثل ایران، اندولزی، و سایر کشورهای اسلامی. در اسلام چهار و چند همسری گسترده در جوامع بدونی که امتیازات آنها بوده دست در ازدواج‌های چند همسری اهداف جمعیتی، اقتصادی، سیاسی، روانی، اجتماعی، روان- جسمانی را شامل می شود.

۳- چند شوهری:

در معدود کشورها و جوامع اجازه داده می شود که یک زن در کی زمان بیش از یک شوهر داشته باشد مثل ثبت- قوم نیارکرالای و توداها در هند و جزایر مارکیز و مردم «یسو» در جنوب اقیانوس آرام روابط جنسی خارج از چهارچوب زنا شویی را پذیرفتنی می دانند به شرط آنکه معشوق همسر، هدایایی به زن ارایه کند تا تحویل شوهرش بدهد.^{۵۰}

➤ ابعاد خانواده

خانواده از نظر ابعاد یعنی تعداد افراد و نسل‌هایی را که در خود جای می‌دهد متفاوت است و از این لحاظ نیز مورد توجه انسان شناسان قرار می‌گیرد که عبارتند از:

۴۹- polygamy

۵۰- درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده، حاصل سه مصاحبه که با جیمز کلمن، ایمانوئل والرشتالین و

رندال کالینز، نشر ثالث، ص ۳۱۹ چاپ هجدهم، ۱۳۹۲

۱- خانواده هسته‌ای^{۵۱}

که بعد از ازدواج به وجود می‌آید، مرکب از زن و شوهر و فرزندان ازدواج نکرده است. پس از ازدواج فرزندان تنها پدر و مادر باقی می‌ماند که پس از فوت آنها یا جدایی از یکدیگر خانواده نیز متلاشی می‌شود. از ویژگی‌های خانواده هسته‌ای کوچکی بعد خانواده و کاسته شدن از تعداد فرزندان نسبت به خانواده گسترده، اشتغال زن در خارج از خانه و کسب استقلال مالی بیشتر، احترام متقابل زن و شوهر و فرزندان و محیطی سالم برای پرورش شخصیت کودک و واگذاری برخی از کارکردهای خود به مؤسسات خارج از خانواده است.

۲- خانواده گسترده^{۵۲}

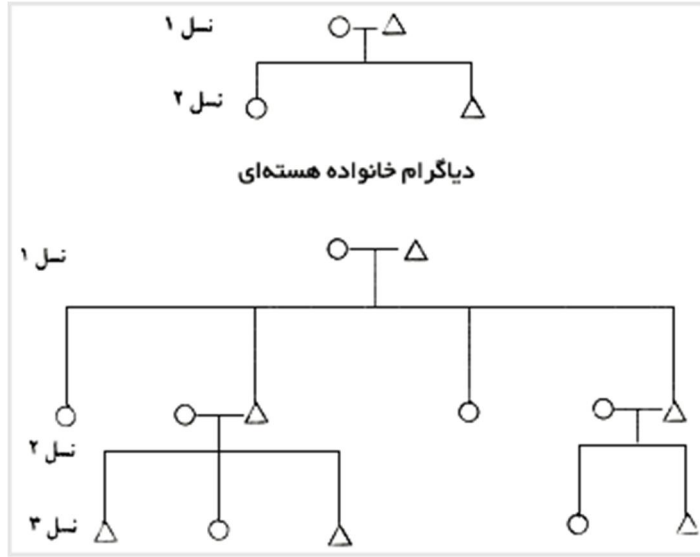
خانواده گسترده که چندین نسل را در بر می‌گیرد و از ثبات و استمرار برخوردار است زیرا در این نوع خانواده جدایی، طلاق، مرگ و میر افراد در آن تأثیری ندارد. در این خانواده غیر از پدر بزرگ و مادر بزرگ فرزندان پسر و دختر و گاهی عموها و عمه‌ها را هم در بر می‌گیرد. و معمولاً تابع نام و محل سکونت رئیس خانواده است اعم از این که مادر نسبی یا پدر نسبی باشد.

یکی از دلایل تشکیل خانواده گسترده ایجاد قدرت به منظور حمایت از خانواده در مقابل دشمنان و هم‌چنین کارکردهایی نظیر عوامل اقتصادی و انجام مناسک و مراسم مذهبی است. خانواده‌ای پیوسته یکی از انواع خانواده گسترده است که در بین اسلاوهای جنوبی و کشورهای اسکاندیناوی تحت عنوان «زادروکا» معروف است و خانواده پدر

۵۱- Nuclear family

۵۲- Extended family

سالار که در آن پدر قدرت تام و مطلق دارد یکی دیگر از انواع خانواده گسترده‌است.



شکل ۱- دیگرام خانواده هسته‌ای

۳- خانواده ستاکی (مختلط):^{۵۳}

خانواده ستاکی که لوپله (Leplay) جامعه شناسی فرانسوی از آن نام می‌برد حد فاصل بین خانواده هسته‌ای و خانواده گسترده‌است در این نوع خانواده که بیشتر در میان دامپرور خاورمیانه و آسیای مرکزی مشاهده می‌شود. یکی از فرزندان ذکور پس از ازدواج در خانه پدر می‌ماند تا خانواده‌اش از بین نرود و بقیه برای خود خانواده مستقلی تشکیل می‌دهند ولی رابطه خود را با خانواده اصلی هرگز قطع نمی‌کند. همین طور اگر فرزندی که با پدر زندگی می‌کند بمیرد. یکی دیگر از فرزندان پسر، زندگی خود را به جای پدر منتقل

می‌نمایند و جای برادر را می‌گیرد.

۴- خانواده بامحلقات:

نوعی از خانواده هسته‌ای است که یک یا چند نفر از خویشاوندان زن یا شوهر با اعضای آن زندگی می‌کنند. از نظر اقتدار داخل خانواده و اداره آن، اعضای خانواده تابع هسته اصلی هستند و همین موضوع تفاوت اصلی و نقطه تمایز آن با خانواده گسترده است.

۵- خانواده ناقص^{۵۴}:

خانواده‌ای است که بنا به دلایلی یکی از اعضاء و ارکان خانواده (مرد، زن و یا کودک) در آن وجود نداشته باشد.

۶- خانواده مادر تبار و خانواده پدر تبار^{۵۵}:

خانواده مادر تبار از طرف مادر تعیین می‌گردد که در این خانواده پدر معمولاً در امور خانه و سرپرستی آن دخالتی ندارد و برادر مادر است که رئیس خانواده به حساب می‌آید و خانواده پدرتبار نسب از سوی پدر تعیین می‌گردد و نقش مادر از لحاظ نسب از میان می‌رود و بر اساس همخونی و پیوند صلبی است^{۵۶}.

۷- خانواده مرکب^{۵۷}:

از دو یا چند خانواده هسته‌ای تشکیل شده است که همگی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

۸- خانواده زادوگا^{۵۸}:

۵۴- Defective family

۵۵- Matriarchy&Androcracy family

۵۶- همان پیشین، ص ۴۱۶

۵۷- Composite family

۵۸- Zadouga

نوعی خانواده گسترده است که در آن زندگی به صورت گروه تعاونی است. این نوع از خانواده بیشتر در اسلاوهای جنوبی (یوگوسلاوی سابق) رایج و مشاهده می‌شود.

➤ تغییر وظایف خانواده متأثر از عصر مدرنیته و شهرنشینی

۱- حاکمیت «اقتصاد خانوادگی» به جای اقتصاد فردی و مشارکت همه اعضای خانواده در کسب درآمد به دلیل فشارهای اقتصادی بی‌تردید کارکردها و وظایف خانواده بسیار تغییر یافته و تحولات اقتصادی و صنعتی تأثیر فراوانی بر آن گذاشته است. با سه عنصر زمان، فرهنگ و نیازهای زمانه می‌توان تغییرات را مورد مطالعه قرار داد. در گذشته، بسیاری از مشاغل، خانوادگی و فامیلی بود و خانواده در محیط محدودی مستقر بود و همواره نظارت همه فامیل و طایفه را در کنار خود داشت. همه اعضای خانواده معمولاً در یک خانه با پدر و مادر زندگی می‌کردند و خاله، عمه، دایی و سایر بستگان نزدیک هم در همسایگی آن‌ها زندگی می‌کردند و همه در یک محله سکونت داشتند؛ لذا افراد فامیل بر اعضای خانواده ی جوان، نظارتی دائمی داشتند. اما اکنون شرایط کاملاً متفاوت شده و صنعتی شدن، نظام خانواده و حتی نظام شغل و کار را هم تغییر داده است. تا آنجایی که یک خانواده در آپارتمانی زندگی می‌کند که حتی همسایه ی دیوار به دیوار خود را هم نمی‌شناسد. وجود نقش‌های ثابت در خانواده‌های سنتی مانند خانه داری و بیچه داری به شدت متحول شده است. نهاد خانواده رو به برابری، استقلال، احترام و فارغ از خشونت و نوعی دموکراسی احساسات در حرکت است. بنابراین، دنیای صنعتی، شکل خانه و خانواده را کاملاً تغییر داده است. تشکیل مؤسسات عظیم اقتصادی، کارخانه‌های بزرگ، ایجاد شهرهای بزرگ، کلان‌شهرها و مهاجرت‌های وسیع، از پیامدهای صنعتی شدن هستند که آثار قابل توجهی را

بر خانواده گذاشته اند. در مجموع، در نظم جدید اقتصادی میان محیط کار و خانواده فاصله زیادی افتاده، در حالی که در گذشته چنین نبوده است.

۲- ظهور ارزش های جدید فرهنگی در خانواده مانند تحصیل (برای دختران)، فراگیری زبان خارجی و ...

دومین موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد، تحصیلات، به ویژه تحصیلات زنان جامعه است که به شدت سبک زندگی را تغییر داده است. در گذشته در یک روستا حداکثر یک مکتب خانه وجود داشت و عده ای از دختران برای آموزش قرآن و زبان فارسی در حدی که بتوانند متن قرآن را قرائت کنند و متونی چون گلستان سعدی را بخوانند، در آنجا تحصیل می کردند. اما با توسعه آموزش و پرورش و آموزش عالی و حضور زنان در این مراکز علمی، شرایط کاملاً تغییر کرده است. به ویژه در دهه ی اخیر، بخش قابل توجهی از دانشجویان در مراکز علمی و آموزشی، خانم ها هستند؛ حتی در کنکور، ورودی زنان به دانشگاه ها از پنجاه درصد فراتر رفته و در بسیاری از رشته ها تعداد قبولی دختران بیش از پسران است. بی تردید، تحصیلات، آشنایی با افکار و نظریات جدید و خلق ارزش های جدید، در زندگی اجتماعی و خانوادگی افراد تأثیرگذار خواهد بود.

از سوی دیگر، ارتباطات جهانی نیز کاملاً متحول شده به طوری که امواج رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت، نه مرزی را می شناسد و نه چهاردیواری را می فهمد، در همه جا نفوذ و رسوخ پیدا می کند و روز به روز هم این نفوذ عمیق تر و وسیع تر می شود و در زندگی افراد و خانواده ها بسیار تأثیرگذار شده است.

۳- کاهش جدی حمایت های مالی، مادی و عاطفی خانواده ها نسبت به فرزندان

تضعیف مسائل اخلاقی و معنوی و سست شدن روابط عاطفی در جامعه، بر مسئله تقدس خانواده نیز تأثیر منفی گذاشته است. خانواده از دیدگاه اسلام و فرهنگ ایرانی به عنوان کانونی مقدس بود که متأسفانه به تدریج شکل و ابعاد آن در حال تغییر است. تقدس زدایی می‌تواند خطری برای استحکام خانواده باشد. عواطف و علائق در بین اعضای خانواده نه تنها زیربنای استحکام خانواده است، بلکه رشد صحیح کودکان نیز در چنین محیطی امکان پذیر خواهد بود. یکی از دلایل اصلی این موضوع کاهش تقدس ازدواج است که در گذشته هم تراز بودن، هم طبقه بودن و هم صنف بودن در آن اهمیت داشت و والدین و جغرافیای زندگی در آن تعیین کننده بود، اما هم اکنون ازدواج یک قرارداد است تا یک امر مقدس که نهاد خانواده را تشکیل می‌دهد.

۴- نظام جدید ارتباطات و رسانه ها

نظام ارتباطی جدید مانند اینترنت و تلویزیون موجب شده اعضای خانواده هر کدام «فردی» زندگی کنند. هرکس با یک تلویزیون یا کامپیوتر برنامه خاصی را می‌بیند و همه خانواده یک جا جمع نمی‌شوند؛ درگذشته اعضای خانواده کنار هم جمع می‌شدند، با هم درد دل می‌کردند و به هم مشورت می‌داندند، اما وسایل ارتباط جمعی جدید اعضای خانواده را از هم جدا کرده و هر یک از اعضای خانواده در گوشه‌ای از منزل سرگرم رسیدگی به کار خود (با کامپیوتر، تلویزیون و ...) می‌باشند. به تدریج ارتباط اعضای خانواده در داخل خانه روزبه روز ضعیف تر می‌شود. البته در شرایط امروز گاهی خانه تا حدی کارکرد آموزشی خود را حفظ کرده است، البته نه به صورت گذشته؛ چه اینکه بسیاری از آموزش‌ها و مهارت‌های زندگی را نیز از طریق ماهواره، اینترنت، تلویزیون و رادیو در داخل خانه کسب می‌شوند. هم اکنون، عمده منابع شکل دهنده هویت از طریق شبکه ارتباطات با جامعه و شبکه مشاغل شکل می‌گیرد. در جامعه جدید تکنولوژیک، از

وحدت مذهبی و اخلاقی که مشخصه‌ی جامعه سنتی بود، اثری نیست. بنابراین، آن آمیختگی گذشته در داخل خانه از بین رفته و فاصله‌ها در شرایط جدید اضافه شده است و بسیاری از ارزش‌های حیاتی که قبلاً از خانواده صادر می‌شدند، هم اکنون وارد خانواده می‌شوند؛ یعنی درگذشته خانواده صادرکننده ارزش‌های اساسی فرهنگی، معنوی و اخلاقی بود، ولی با گذشت زمان در بسیاری از موارد واردکننده و مصرف‌کننده است و هر یک از اعضای خانواده از بیرون منزل، مثلاً از دبیرستان، دانشگاه، جامعه و اینترنت، ارزش‌های جدیدی را با خود وارد خانه می‌کند.

۵- تبدیل روابط آمرانه و مردسالارانه به روابط عرفی، منطقی و عقلانی (و نه الزاماً زن‌سالارانه)، روابط داخل خانه نیز در زندگی جدید با گذشته کاملاً متفاوت شده است. درگذشته معمولاً روابط، مردسالارانه و آمرانه بود، ولی روابط زناشویی نوین کم‌کم به سمت روابط منطقی و عقلانی پیش می‌رود. ساختار جدید اقتصادی و اجتماعی، مرزبندی‌های جنسیتی بین مرد و زن و پسر و دختر را نسبتاً کاهش داده است؛ اگرچه این تغییر می‌تواند مبارک باشد، اما گاهی خودتبدیل به معضل و مشکل نیز می‌شود. افزایش سطح سواد زنان و اشتغال به تحصیلات بر جهان بینی و نگرش و شخصیت و رویکرد آنان به زندگی و خانواده و ازدواج تأثیر گذاشته است. علاوه بر این، تحصیلات زمینه‌ساز و مشوق اشتغال به کار زنان در بیرون خانه شده و روابط زنان و تغییر در نظام توزیع قدرت در خانواده، تحت تأثیر شناخت، مطالعات و تحصیلات زن قرار می‌گیرد. در گذشته حاکمیت اقتصادی خانواده با مرد بود، مرد را نان‌آور خانواده می‌نامیدند و او مسئولیت اقتصادی خانواده را برعهده داشت؛ ولی در شرایط فعلی به جای اقتصاد فردی، اقتصاد خانواده به تدریج با مشارکت زوجین سامان می‌یابد. نه تنها مرد و زن کار می‌

کنند، بلکه حتی گاهی مرد خانه ناچار است در دو نوبت کار کند تا قادر به تأمین مخارج زندگی باشد.

۶- کاهش جدی مرزبندی‌ها و تفکیک جنسیتی بین دختر و پسر و زن و مرد

۷- تغییر مناسبات خانوادگی

۸- کاهش مرجعیت والدین در خانواده و انتقال سایر نهادها مثل رسانه‌ها یا اقتدار سیاسی

۹- جهانی شدن، شیوع فرهنگ همسان جهانی و خلق هنجارهای جدید در سایه تأثیر و تأثر؛ متأسفانه جامعه و خانواده از مسائل اخلاقی، معنوی، تعهد و اخلاق اسلامی فاصله گرفته که خود از عوامل اصلی معضلات خانواده امروزی است.

در مجموع، امروزه خانواده تنها مرکز تربیت و عاطفه و آرامش نبود، بلکه مرکز تلاش، کار، تولید و مصرف هم شده است. به تعبیر یک محقق، جامعه سنتی از ثبات برخوردار است، معطوف به زندگی در حد معاش است و محور آن خانواده و اساساً جامعه‌ای مذهبی است. اما امروزه معمولاً خانه مکان مصرف خانواده است تا تولید. از طرفی حتی شرایط مصرف هم تغییر کرده است، به طوری که در شرایط فعلی اکثر کارمندان و کارگران، ناهار و حتی گاه صبحانه را هم خارج از خانه صرف می‌شود. بنابراین، شکل مصرف هم با گذشته کاملاً متفاوت شده است.^{۵۹} به تدریج که جامعه از الگوی جامعه کشاورز به صنعتی تغییر می‌یابد، اقتدار و کارکردهای خانواده نیز همراه با آن دگرگون می‌شود. با صنعتی شدن جوامع، تولید صنعتی از خانواده به کارخانه منتقل می‌شود و آماده شدن برای کار در یک جامعه صنعتی مستلزم سطح بالایی از تخصص می‌باشد. در جامعه شهری و صنعتی دیگر خانواده‌ها قادر به ارائه آموزش و تخصص لازم را به

۵۹- برناردز، درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴

فرزندان ندارند و به این ترتیب نهاد های آموزشی عهده دار ارائه آموزش و تخصص لازم را به افراد جامعه بر عهده می گیرند. خانواده که در جامعه روستایی مرکز و کانون تولید اقتصادی بود در یک جامعه صنعتی مصرف کننده تولیدات اقتصادی می شود و به این ترتیب نهاد خانواده کارکرد اقتصادی اش را از دست می دهد. در جامعه صنعتی به دلیل تخصصی شدن تقسیم کار ، هر شخص ملزم به انجام یک وظیفه اقتصادی معین است. در نتیجه کارکرد اجتماعی کردن کودک از سنین پنج شش سالگی از خانواده گرفته می شود و به مدرسه و دیگر نهادهای آموزشی واگذار می گردد. به طور کلی می توان گفت به تدریج که جوامع به سمت صنعتی شدن در عصر مدرن گرایش پیدا می کنند ، شکل خانواده از خانواده گسترده به خانواده هسته ای تغییر می یابد و متعاقب آن خانواده در پاره ای از کارکردها اغلب و در پاره ای دیگر بخشی از کارکردهایش را از دست می دهد و نهادهای دیگر عهده دار انجام این کارکردها می شوند.^{6۰}

➤ خانواده نیمه مدرن؛ خانواده پارادوکسیکال

با ظهور پدیده مدرنیسم وارداتی در کشور که از سال های واپسین حکومت قاجار و در دوران زایمان خود در عصر مشروطه و در اوج آن با روی کار آمدن پهلوی اول رو به توسعه گذارد، بسیاری از نهادها و نمادهای مدرنیسم بتدریج با نهادهای سنتی و دینی جامعه به چالش نشست و یکی، دیگری را بر نمی تابید. با شکل گیری تأسیسات مدنی نوینی همچون مدارس (که در تعقیب نخستین الگوی مدرسه نوین رشدیه بود)، دانشگاه

۶۰- کوئن ، بروس ، مبانی جامعه شناسی ، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل ، تهران ،

ها، دادگاه های مدنی و تصویب قوانین کیفری و جزایی نوین، سازمان های اداری و بروکراسی، شنا سنایی هویت های فردی با صدور شنا سننامه ها و ثبت ازدواج و طلاق بیرون از ید اقتدار سنتی دین و متولیان دینی، نهاد خانواده نیز دستخوش تغییرات اساسی گردید. بطوریکه وظایفی همچون آموزش، اشتغال، تربیت، همسرگزینی، هویت یابی و جامعه پذیری افراد خانواده از زیر سیطره پدر خارج و به سایر نهاد های اجتماعی واگذار شد. در این شرایط به دلیل مقاومت متولیان سنت و دین از یکسو و ناتوانی متولیان نوگرایی در پیشبرد موفق این فرآیند و در نتیجه فرسایشی شدن این روند، بسیاری از نهادها و کارکردهای آن با شرایط پارادوکسیکالی روبرو گردید که بیشترین ناهنجاری هارا می توان در نهاد خانواده ردیابی کرد.

۱- الگوی ازدواج بعنوان خاستگاه اصلی تشکیل خانواده دستخوش تغییرات مهمی شده است.

اولین تغییر مربوط به الگوی همسرگزینی است. امروزه میان ارزش های والدین و فرزندان برای انتخاب همسر تفاوت و گاه تضاد های آشتی ناپذیری بروز کرده است. بطوری که جوانان دیگر تن به ازدواج های فامیلی نمی دهند و از درون همسری یا ازدواج با خودشان وندان و شیره مشترک سرباز می زنند. متغیر سن نیز اشکال متفاوتی بخود گرفته است. از طرفی جوانان در سنین جوانی (از نظر روانشناختی تا ۲۴) به ازدواج روی نمی آورند و متوسط سن ازدواج به حدود ۲۷ سال رسیده است و از طرف دیگر با افرادی ازدواج می کنند که کمترین فاصله سنی را با او دارند. عامل سن و فزونی سن شوهر نسبت به زن در ساختار سنتی مبین و مقوم اطاعت پذیری زنان و استحکام نسبی خانواده بوده است. علاوه بر این هویت فردی نیز در انتخاب همسر نقش تعیین کننده ای بدست آورده است چنانکه همسرگزینی به اقتدای هویت خانوادگی افراد صورت نمی گیرد.

عواملی نظیر تحصیل، شغل، ثروت و دارایی، زیبایی و قابلیت‌های فردی نسبت به عواملی چون آبروی خانوادگی، اسم و رسم، تبار و منزلت اجتماعی، تدین و اخلاق دینی و سنتی از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است. امروزه بخصوص در اجتماعات نیمه سنتی - مدرن و شهرهای بزرگ، موضوع تعیین مهریه و چگونگی احقاق حقوق زن در صورت جدایی از شوهر از مهمترین مراحل فرایند همسرگزینی بشمار می‌رود. شکل افراطی و مرض گونه این فاکتور چنان است که همچون الگوی کلیدی اقتصاد سیاسی نظام سرمایه داری "پول- کالا- پول" زن همچنان بعنوان کالا در معادله "جهیزیه - دختر- مهریه" قرار گرفته و سنجیده می‌شود.

۲- همسرگزینی سنتی با همه محدودیت‌هایش، در ساختار بسته مناسبات دختر و پسر دارای کارکردی بود که در شکل نیمه مدرن آن، فاقد این کارکرد شده است.

به دلیل عدم شناخت کافی و لازم دختر و پسر از یکدیگر از یکسو و اهمیت عوامل اقتصادی در سنجش و گزینش همسر از سوی دیگر نرخ طلاق و گسیختگی پیمان ازدواج بطور روز افزونی زیاد شده است. شناخت سطحی و بسنده کردن بسیاری از الگوهای ازدواج به زیبایی، پول و امکانات رفاهی همسر و همچنین نبود امکان هم‌نشینی هنجارمند و فارغ از انگ‌ها و تهمت‌های اجتماعی در ایجاد رابطه‌آشنایی و مرادده آزاد میان دختر و پسر به صورتی آشکار و قانونمند به دلیل مقاومت ساختارهای دینی و سنتی در این نوع از مناسبات انسانی، منجر به تشکیل خانواده‌هایی می‌گردد که تنها تضمین پایداری آن‌گاه مهریه سنگین و ترس از عواقب اجتماعی و اقتصادی برای زن و یا فرزندان حاصل طلاق می‌باشد.

۳- همسرگزینی از عروسی تا گور با شکل نمادین لباس سفید عروسی در شروع و تن پوش سفید مرگ در پایان که بازمانده از ساختار کهنه و سنتی خانواده ایرانی است. با

مذموم شمردن و احتراز فراگیر از طلاق، چنان به از سداد وین بست های خانواده ای به عنوان یک سیستم باز منجر شده است که دیگر کمتر خانواده ای در ایران امروز می توان یافت که در معرض نابسامانی، تشمت و ستیز و ستیزه جویی نباشد. شواهد مربوط به نرخ بالای طلاق در بین مهاجران ایرانی در سایر کشورها که زمینه های امنیت اقتصادی و اجتماعی زنان را فراهم می آورند، گویای این مهم است که در صورتی که امنیت اقتصادی و اجتماعی زنان متأهل افزایش یابد، میل به جدایی در بین زنان و حتی مردان متأهل نیز بیشتر می شود.

۴- خانواده امروزی ایران دیگر به الگوهای نسل پیش از خود وفادار نبوده و فرآیند جامعه پذیری را عمدتاً در میان همسالان خود، رسانه های نوینی چون ماهواره، اینترنت و الگوهای زیست جوان امروزی در گستره جهانی جستجو کرده و بی تدبیر مسئولان امور آموزشی و تربیتی با نگاه گذشته گرا، با نگاهی به آینده بدنبال فروپاشی ساختارهای کهن اجتماعی، فرهنگی، فکری و سیاسی هستند.

بی سبب نیست که امروزه می توان چنین ادعا کرد که نهاد خانواده دیگر نمی تواند کارکرد پاسداری از ساختارهای کهنه را ایفا کرده و یاری گر وفاداری برای متولیان دین و سنت باشد. از همین روست که بسیاری از صاحب نظران امور اجتماعی نیز که در صدد توجیه و حفظ ساختارهای سنتی هستند به دنبال احیای ساختار کهن و کارکردهای مألوف خانواده بوده و خانواده امروزی جامعه ایران را "مقدس" نمی شمارند. البته به همین دلیل نیز باید اذعان کرد که "خانواده مقدس" مورد نظر متولیان دین و سنت در ایران در کوران گذار از سنت به مدرنیسم به یکی از بحرانی ترین نهادهای اجتماعی مبدل شده است!^{۶۱}

۶۱ - صالحی، سیدرضا، الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴

➤ تغییر ساختارها و تضعیف پیوندهای خانواده در عصر مدرنیته

پیوندهای خانوادگی گسترده به دلایل سه گانه زیر بیش از پیش سست و ضعیف شده است.

- ۱- آن که فرد در جامعه شهری باید از لحاظ جغرافیایی پیوسته جابه جا شود.
- ۲- گروه‌های رسمی برای حل مسائل و مشکلات مردم جای گروه‌های خویشاوندی و سنتی را می‌گیرند. ۳- افراد فرصت پیدا کردند که با کار و تلاش، پایگاه مطلوب و دلخواه خود را در جامعه به دست آورند. بدین معنی که از این پس افراد برای کسب منزلت اجتماعی، فقط وابسته به خانواده خود نبوده، از طریق تحصیلات و محیط‌های اجتماعی، منزلت اجتماعی دلخواه را کسب می‌کنند.
- در جامعه شهری - صنعتی پیچیده، ارتقاء فرد و در نتیجه جایگاه والای او در جامعه، از طریق شایستگی‌های حرفه‌ای او امکان‌پذیر است. البته فرد برای ارتقاء شغلی خود ممکن است به ناچار، به شهر دیگری منتقل شود. بدیهی است خانواده هسته‌ای در این فرآیند پا برجا می‌ماند، اما ارتباط افراد با خانواده گسترده گسسته می‌شود. افزون بر آن، فردی که با مشکلات شخصی روبرو می‌شود و در یک محیط شهری به کمک نیاز دارد، به خوبی می‌تواند به یک متخصص یا همکار حرفه‌ای که خویشاوندش نیست، اما می‌داند چگونه آن مشکل را حل کند، مراجعه نماید. این دو مورد نشان می‌دهد که تا چه حد نقش روابط و شبکه خویشاوندی به دلیل توسعه شهرنشینی و صنعت، کاهش یافته است.^{۶۲}
- تغییرات ساختی در خانواده‌های عصر جدید، حاصل کوچک شدن حجم خانوار، دگرگونی

۶۲- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴

در وجهه نظرها و برداشت‌ها از مسئله طلاق و دگرگونی‌هایی است که در نقش مرد و زن به وجود آمده است. کاهش حجم خانواده، خود تحت تأثیر چند عامل بوده است که یکی از آنها تغییر در نقش فرزندان است که با حرکت از جامعه‌ای کشاورزی محدود، به جامعه وسیع شهری و صنعتی همراه بوده است. کودکان جامعه شهری و صنعتی، سربار اقتصادی خانواده محسوب می‌شوند و نه کمک‌کار آنها. عامل دومی که در کاهش حجم خانواده مؤثر بوده، بالا رفتن مستمر سطح آموزش و پرورش است. سرانجام، سومین عامل، توزیع وسیع و سایل جلوگیری از بارداری و مشاوره خانوادگی است که به افراد امکان داده است در انتخاب تعداد فرزندان خود آزاد باشند و حتی اگر هیچ فرزندی نخواهند، برایشان میسر است. زن‌ها به صورت روزافزونی به کار روی آورده‌اند و به درآمد خانواده کمک می‌کنند و به همان نسبت از اقتدار بیشتری برخوردارند. امروزه بسیاری از زن‌های طبقه متوسط، تحصیلات خود را به پایان می‌رسانند و سپس ازدواج می‌کنند و تا تولد نخستین فرزند به کار می‌پردازند و برای نگهداری بچه، یا از مهد کودک استفاده می‌کنند یا کس دیگری را برای نگهداری او استخدام می‌کنند تا مادر بتواند تمام وقت، در خارج از خانه کار کند. جنبش آزادی زنان در کشورهای غربی تا حد زیادی ارزش‌های اجتماعی را تغییر داده و زمینه را برای چنین رفتارهایی آماده کرده است، به طوری که این الگوها، به صورت الگوی رفتاری قابل قبول در جوامع صنعتی پذیرفته شده است و به سرعت در تمامی نقاط عالم در حال تسری است. به‌رغم مشکلاتی که امروزه برای کارکرد خانواده‌ها به وجود آمده است به‌نظر می‌رسد که هنوز این تعریف به قوت خود باقی است که خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادی دیگر، مسئولیت اصلی را به عهده دارد.

خانواده مرکب از گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده، برای مدتی طولانی و نامشخص با هم زندگی می‌کنند.^{۶۳}

➤ گونه‌های نوظهور خانواده‌های شهری در ایران

امروزه با "شهری شدن" گسترده جامعه انسانی و ظهور "جامعه شهری" به تعبیر هانری لوفور از یک سو، و با چالش‌های گسترده نهاد خانواده از سوی دیگر، ضرورت دارد که شهر و خانواده در پیوند متقابل بازبینی و تحلیل شوند. تردیدی وجود ندارد که شهرها مولد نوع معینی از مناسبات خانوادگی و مناسبات خانوادگی نیز مولد نوع معینی از "جامعه شهری" اند. همچنین به وضوح می‌توان این واقعیت را مشاهده کرد که تمام ارکان نظام مدیریت و خدمات و فعالیت‌های شهری از حمل و نقل و امنیت شهر گرفته تا شکل‌گیری فضاهای شهری مانند فضای سبز، فضاهای فرهنگی و هنری یا فضاهای مسکونی با نهاد خانواده سروکار دارد. اما نه شهر و نه مدیریت شهری معمولاً به نحو جدی و همه‌جانبه‌ای موضوع مناسبات شهر و خانواده را بصورت امری کانونی در متن و بطن کارها و گفتمان شهری قرار نمی‌دهند. شگفت‌تر این که در گفتمان خانواده نیز به رغم این واقعیت که تمام ارکان خانواده از کارکردهای آموزشی و تربیتی گرفته تا کارکردهای حمایتی آن و تمام کیفیت مناسبات خانوادگی دیگر، پیوندهای ناگسستنی با ساختار شهر و زندگی شهری دارد. این پیوندهای ناگسستنی شهر و خانواده اکنون ناگزیر باید در کانون مباحث گفتمان‌های شهری و خانواده قرار گیرد.

جامعه ایران طی دهه‌های اخیر به طور گسترده‌ای بسوی شکل‌گیری جامعه شهری تحول یافته است. همچنین "خانواده ایرانی" نیز همسو و همزمان با شهری شدن در حال

۶۳- حسن‌زاده، مانده وبلاگ جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۹۴

دگرگونی همه جانبه بوده است. اما در ایران نیز مانند دیگر نقاط جهان موضوع شهر و خانواده هنوز در دستورکار مطالعات شهری و مطالعات خانواده قرار نگرفته است. خانواده امروز با مجموعه وسیعی از عوامل مانند فناوری‌ها، جهانی شدن، گسترش آموزش و آموزش عالی، فراغتی شدن جامعه، رسانه‌ای شدن، زنانه شدن، مصرفی شدن، دموکراتیک شدن، شبکه‌ای شدن، مجازی شدن، زیبایی شناسانه شدن، و دیگر فرایندهای عمومی تحول فرهنگ ارتباط دارد. البته می‌توان تمام این عوامل را نیز به نوعی بخشی از ویژگی‌های جامعه شهری امروزی دانست. جامعه ایران نیز مانند جوامع دیگر از فرایندهای مذکور تأثیر پذیرفته است.

جامعه شهری امروزی تحت تأثیر رسانه‌ها، جهانی شدن و فناوری‌ها روز به روز جنسی‌تر شده و لذت‌گرایی هر روز استیلائی بیشتر بر مناسبات افراد پیدا می‌کند، و میزان خویشتن‌داری جنسی کاهش می‌یابد، عمق تحولات مناسبات انسانی در جامعه شهری روشن‌تر می‌شود. همچنین "الگوی سنتی خانواده" با محوریت "مردان آور" و "زن خانه دار" اگرچه هنوز پابرجاست اما هر روز بیش از روز گذشته الگویی کهنه‌تر و قدیمی‌تر می‌شود؛ زیرا نه زن‌ها دیگر صرفاً خانه دارند و نه مردان دیگر نان آور. زنان شهری امروز دیگر الگوی سنتی "زن خوب و فرمانبر و پارسا" را نمی‌پذیرند و حقوق شهروندی، حقوق بشر و آرمان مساوات طلبی را برگزیده‌اند، هرچند هنوز زنان خوب و فرمانبر و پارسا بر زنان شهروند و مساوات طلب چیره‌اند. و روزهای خوش و شیرین زیستن در کنار پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و گوش دادن به قصه‌های قدیمی هم تنها و تنها در سریال‌های تلویزیونی و قصه‌ها وجود دارند و "استقلال خانواده" اکنون بیش از "احترام سالمندان" برای مردم اولویت و ارزش دارد، هرچند هنوز پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها محترم و عزیزند. به علاوه، خانواده هر روز کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌شود

و شعار "فرزند کمتر، زندگی بهتر" جانشین تمام ارزش‌هایی شده است که داشتن چند فرزند ذکور برای روشن نگه داشتن اجاق خانواده و چند دختر برای دستگیری از پدر و مادر در روزگار پیری توجیه می‌کرد. دیگر نه تنها روزگار خان داداش و بزرگ فامیل که انحصار اخذ تصمیمات مهم را داشتند پایان یافته است، بلکه پدر نیز باید در تصمیمات خانه و خانواده با همسر و فرزندانش مشورت کند و خواست‌های آنها را در تمام تصمیمات در نظر بگیرد.

روزگاری عجیبی است زیرا کودکان کم کم جای پدران و بزرگسالان را در خانواده می‌گیرند و خواست‌ها و آرزوهای آنهاست که در نهایت سرنوشت زندگی خانوادگی را رقم می‌زند. آفتاب "پدرسالاری" کم کم روبه غروب است، هرچند سایه اش هنوز همه جا سنگینی می‌کند. البته این‌ها به معنای پایان خشونت خانگی و لغو تنبیه بدنی و ستم بر زنان و کودکان نیست. کم کم فست فودها و رستوران‌ها جای "سفره خانواده" را می‌گیرند و فضای خصوصی خانواده جایش را فضاهای عمومی شهر می‌دهد. مهدکودک‌ها، مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها کم کم جای خانواده برای تربیت نسل آینده را پر می‌کنند و وظیفه بزرگ جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ به نسل جوان از عهده خانواده برداشته می‌شود، اگرچه هنوز خانواده‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در پرورش و تربیت کودکان دارند. آرزوهای خانوادگی نیز تغییر کرده است. همچنین الگوی "خانواده مرفه" جانشین الگوی "خانواده سازگار" شده است. روزگار در خانه و خانواده با لقمه‌ای نان سر کردن و سوختن و ساختن و صورت خود با سیلی سرخ نگه داشتن کم کم جایش را به داشتن یک دستگاه آپارتمان، یک دستگاه سواری شخصی، حقوق ماهیانه ثابت، دسترسی به مجموعه‌ای از خدمات آموزشی، بهداشتی، بیمه، امکانات فراغتی، و داشتن مجموعه‌ای از فناوری‌های خانگی و رسانه‌ای داده است، اگرچه "فقر شهری"

همچنان بیداد می‌کند و "محرومیت شهری" گریبان اغلب خانواده‌های شهری را گرفته است. این‌ها برخی از "روندهای تغییر خانواده" امروزی است که همه ما با اندکی نگاه به دور و برمان می‌توانیم آنها را مشاهده و احصاء کنیم. این تغییرات نه تنها خود فی نفسه مسائل مهمی هستند که خانواده امروزی را در ایران به "مسأله اجتماعی" تبدیل کرده است، بلکه مجموعه روندهای تغییر مذکور موجب تغییرات اساسی در تمام سطوح فردی و جمعی مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شده‌اند. تغییر خانواده و مناسبات آن موجب ظهور انسان تازه‌ای در جامعه ایرانی شده و روان کاوی ذهن جمعی ما در نتیجه این تغییرات در حال دگرگون کامل می‌باشد. نسل‌های در حال ظهور و بالیدن امروزی که در چارچوب مناسبات خانوادگی جدید تربیت می‌شوند احساسات، خواسته‌ها، باورها و ارزش‌های جدیدی دارند که برای نسل‌های پیشتر آنها ناشناخته و نامأنوس‌اند. در چنین شرایطی است که مسأله "شکاف نسل‌ها" شکل می‌گیرد. دولت و نظام سیاسی نیز در مواجهه با این روندهای تغییر با چالش‌های بزرگی روبروست زیرا نسل‌های جدید به بازتولید ارزش‌ها و رمزگان ایدئولوژی سیاسی نمی‌پردازند و نظم سیاسی و نظم نمادین موجود را در خطر قرار داده‌اند. علاوه بر این، این روندهای تغییر زمینه برای دگرگونی‌های بزرگ اجتماعی مهیا می‌کنند. از این رو تغییر خانواده شهری امروز هم یکی از اساسی‌ترین تحولات اجتماعی ماست و هم تمام تحولات اجتماعی در این تغییر، نقش دارند.

بررسی‌های آماری گسترده نشان می‌دهد که "خانواده مر سوم" یعنی "خانواده هسته‌ای" دیگر تنها یکی از الگوهای موجود در جوامع است. «جان برناردز» برای مثال اشاره می‌کند

که: تنها ۵ درصد از خانوارهای بریتانیایی و ۱۲ درصد خانوارهای آمریکایی را "الگوی خانواده هسته‌ای" تشکیل می‌دهند.^{۶۴}

از این رو او می‌نویسد: نسبت خانواده‌های هسته‌ای چنان ناچیز است که موجب می‌شود انگاره خانواده هسته‌ای کلاً زائد به نظر برسد. برناردز علت این سوء تفاهم بزرگ، یعنی این تصور غالب و عامیانه که ما در جامعه مدرن تنها یک صورت غالب خانوادگی به نام خانواده هسته‌ایم داریم، ناشی از این باور اشتباه می‌داند که جامعه شناسان گمان کرده‌اند: افراد در موقعیت‌های معین تجربیات مشابه دارند. پیداست که این موضوع درست نیست.^{۶۵} چیزهای بسیاری وجود دارد که خانواده را خاص می‌کند؛ چیزهایی از قبیل ثروت، مسکن، حمل و نقل، فقر، سن و سال، مرگ، از کارافتادگی، بیکاری، قومیت، تحصیلات، شغل، اشتغال یا عدم اشتغال هر دو زوج، تعداد فرزندان دو قلو یا چند قلو.^{۶۶} «رابرت ازرا پارک» از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی شهری یکی از عمیق‌ترین تأثیرات شهر را بر نهاد خانواده توضیف می‌کند، در یک شهر بزرگ، جائیکه جمعیت بی‌ثبات است و پدر و مادر و بچه‌ها در خارج از خانه و اغلب در نواحی دور شهر اشتغال دارند، جایی که هزاران نفر از مردم سال‌های سال بدون آنکه با هم آشنائی‌ای در حد سلام و علیک داشته باشند، در کنار هم زندگی می‌کنند، روابط نزدیک از نوع اول و نظم اخلاقی ملازم آن، بتدریج از بین می‌رود. زیر نفوذ تأثیرات تجزیه‌کننده زندگی شهری، بیشتر نهادهای سنتی ما نظیر کلیسا، مدرسه و خانواده تا حد زیادی تغییر کرده است.^{۶۷} «لوئیس ورت» همتای دیگر ازرا پارک در مکتب جامعه‌شناسی شهری شیکاگو به دلیل قدرت و

۶۴- برناردز، ۱۳۸۴، ص ۳۱

۶۵- همان، ص ۳۲

۶۶- همان، ص ۳۶

۶۷- پارک، ۱۳۵۸، ص ۹۰

شخصیت شهر در شکل دادن به تمام ابعاد مادی و معنوی انسان ایده شهرگرایی به مثابه یک راه و رسمی از زندگی را تبیین کرد. این سخن مکتب شیکاگو را می‌توان در اندیشه «جورج زیمل» به نحو دقیق تری دید. زیمل در مقاله مشهور «کلانشهر و» این ایده را به نحو مستدل مطرح می‌سازد که کلانشهر حیات ذهنی ویژه خود را در انسانها شکل می‌دهد که به زعم زیمل مبتنی بر عقل و پول می‌باشد و بینش مخصوص به خود را در فرد ایجاد میکند و بدون داشتن آن بینش فرد نمی‌تواند در کلانشهر دوام بیاورد. به تعبیر زیمل، کلانشهرها که مبتنی بر اقتصاد پولی اند نوع جدیدی از حیات ذهنی را در انسانها شکل می‌دهند که زیمل آن را مکانیسم دفاعی افراد در برابر تحولات عظیم و عمیق زندگی مدرن میدانند. در کلانشهر عقل و پول دو رکن اصلی به شمار می‌آیند که یکدیگر را تقویت می‌کنند. این روند مناسبات و پیامدهای جدیدی را در روابط انسانی رقم می‌زند. واکنش فرد کلانشهری در برابر رخدادها به حوزه‌ای از فعالیت ذهنی تعلق دارد که حداقل احساس‌ها و عواطف را داشته باشد و بسیار دورتر از لایه‌های عمیق شخصیت سیر کند. این کیفیت ذهنی به مثابه حافظ حیات درونی در مقابل سیطره کلانشهر در بسیاری از پدیده‌های خاص متبلور گشته است.... برای کلانشهر این امر حتمی است که حیات درونی‌شان را در جهت حرکت مواجی بر روی حوزه‌های وسیعتر و بین‌المللی گسترش دهد. وابستگی به شخصیتها، حتی به شخصیتهای مهم در واقع با خود موجودیت کلانشهر تضاد دارد.^{۶۸}

«مارشال برمن» در کتاب تجربه مدرنیته، هدف مدرنیسم را خالی کردن جامعه از همه گروه‌ها و پیوندها می‌داند تا فرد و جهانی نوین را خلق کند؛ گروهها و پیوندهایی که در عرصه سنت حکمفرمایی می‌کردند. برمن معتقد است که فهم و وضعیت مدرن دارای دو

پیش شرط است اول آنکه بپذیریم که مدرنیته از تغییر وضعیت پیشین و سلطه وضعیتی نوین خبر می‌دهد و دوم اینکه مدرنیته در همه‌ی جهان جاری شده و افراد را در سراسر دنیا به همدیگر متصل ساخته است.^{۶۹} بنابراین، اگر مدرنیته را پروژه جهانی جستجوی دائمی عقلانیت، خودمختاری سیاسی و حاکمیت فرد بدانیم که انسان مدرن آن را هر روز تجربه می‌کند، جامعه ایران و به خصوص فضای شهری تهران نیز از این تجربه مستثنی نیست. تغییرات به وجود آمده در زندگی شهری، رویش سبک‌های مختلف زندگی، عادات و رفتارهای مربوط به زندگی جدید در کنار ظهور جنبش‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی در تاریخ صد ساله اخیر ایران، نشانگر از سرگذراندن این تجربه است. تجربه‌ای که جز از طریق متن خود فهم نمی‌شود بنابراین تنها راه شناخت چگونگی و نوع این تجربه مراجعه به زندگی هر روزه ساکنان این فضا است. در واقع می‌توان گفت خیابان‌ها، پاتوق‌ها و کافه‌ها، پاساژها، اتومبیل‌ها، موتورسواران، ادبیات روزمره و... هزاران نشانه هستند که در مجموع فهم ما را از شهرهای مدرن به مثابه تجسم مدرنیته ایرانی، شکل می‌دهند. بر این اساس می‌توانیم بر حسب ساخت اجتماعی و تاریخی در جامعه ایران، سه نوع خانواده را از یکدیگر متمایز و طبقه‌بندی کنیم؛ خانواده سنتی یا روستایی که ویژگی اصلی آن گستردگی، خانواده مدرن یا شهری که ویژگی اصلی آن محدود یا هسته‌ای بودن و خانواده پسا مدرن یا کلانشهری که ویژگی اصلی آن تکثر و انواع متفاوت خانواده است. می‌توان گفت تحول خانواده از سنتی به مدرن و از مدرن به پست مدرن، کم و بیش الگوی جهانی تحول خانواده است. اما آنچه خانواده ایرانی را تقریباً متمایز می‌کند، این است که در فرآیند تحول سنتی - مدرن و پست مدرن یک تحول خطی نداشته است به این معنا که می‌توانیم در حال حاضر در جامعه ایران هر سه الگو را کنار

هم ببینیم. این جامعه لحظاتی سنتی، مدرن و لحظاتی نیز پست‌مدرن است. نه تنها همزمان می‌توان این سه را دید بلکه ممکن است در مورد یک خانواده سنتی نیز این امر صادق باشد و بالعکس در میان طبقات اجتماعی که نفوذ پست‌مدرنیته بیشتر بوده می‌توان لحظه‌های مدرن و سنتی را هم پیدا کرد.^{۷۰}

➤ بطور کلی ویژگی‌های عمده خصوصیات خانواده‌های شهری

- ۱- استفاده از تکنولوژی
- ۲- مصرف رسانه‌ای، کالایی و خدماتی
- ۳- تفکیک محل کار از زندگی و حریم خصوصی بیشتر
- ۴- مهاجرت، فقر و افزایش جنایت و مناطق جرم خیز
- ۵- قرار گرفتن در مسیر آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، فحشا و...
- ۶- شیوه زندگی: ترکیبی از شهر مدرن، صنعت و مکان

➤ تغییرات نهاد خانواده که متأثر از همه‌گیری عصر مدرنیته عبارت است از:

- ۱- افزایش سن ازدواج
- ۲- عدم تمایل به فرزندآوری در زوج‌های جوان
- ۳- ناهمزمانی وقوع بلوغ جنسی و عاطفی و بلوغ اجتماعی و اقتصادی
- ۴- خاکستری شدن جمعیت،
- ۵- عدم مسئولیت‌پذیری
- ۶- گرایش به ارتباطات غیرمتعارف دختر و پسر
- ۷- اختلالات جنسی
- ۸- فردگرایی و تنهایی و پناه بردن به مواد مخدر

۷۰- آزادملکی، ۱۳۷۹، ص ۶۵

۹- کاهش اعتقادات مذهبی و ارزش‌های اجتماعی

۱۰- کاهش سرمایه اجتماعی، حمایت‌ها و انسجام جمعی^{۷۱}

عمدتاً مسیر تحولات خانواده، با دو تحول عمده ساختاری و کارکردی مواجه بوده است؛ تحول ساختاری در این عرصه، حوزه ساختار قدرت خانواده را تعیین می‌کند و حوزه کارکردی، به وظایف خانواده در طول حیات خود اشاره دارد. در راستای این تحولات، جامعه‌شناسان مسیر تحولات خانواده را از خانواده گسترده به هسته‌ای شناسایی کرده‌اند. آنچه در جامعه امروز ما شاهدیم، تحول خانواده به سوی خانواده‌های هسته‌ای هستیم.^{۷۲}

بنابراین، تحولات ساختاری خانواده یکی از عواملی است که منجر به هسته‌ای شدن خانواده در ایران شده است. در بعد کارکردی، بنظر می‌رسد برخی خانواده‌های ایرانی، امروزه با کاهش فضای عاطفی در خانواده و سرد شدن ارتباطات انسانی در محیط خانواده روبه‌رو هستند. این پدیده می‌تواند منجر به طلاق ذهنی و عاطفی گردد.^{۷۳} شکل دیگر تحولات در خانواده ایرانی، که به تبع شرایط اقتصادی و اجتماعی پدید آمده خانواده‌هایی هستند که مرد به دلیل مقتضیات شغلی تنها در برخی از روزهای ماه و یا هفته می‌تواند در کنار خانواده باشد و در دیگر ایام به دور از خانواده است. در این خانواده‌ها، زنان با دشواری‌های بسیاری مواجه هستند؛ زیرا زن... باید بدون مرد خانواده را اداره کرد و در این شرایط زن، دچار ابهام در نقش و مسئولیت‌های چندگانه می‌شود. خانواده‌های تفرد یافته نیز شکل دیگری از خانواده امروز ایرانی است. در این نوع

۷۱ - فاظلی، نعمت‌ال...، پایگاه خبری تحلیلی خانواده و زنان، خانواده و زندگی شهری، نشر تیسرا، ۱۳۹۱

۷۲ - آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰

۷۳ - ر.ک. ساروخانی، ۱۳۷۸

خانواده ها، هر یک از اعضا یک کلید از آپارتمان و یک کلید از اتاقش دارد و هر کس برای خودش زندگی می کند و در این خانواده ها سرمایه اجتماعی، حمایت ها و انسجام جمعی رو به کاهش است.^{۷۴}

در بعد ارتباطات خانواده، امروزه در عصر ارتباطات، با سلطه بلامنازع رسانه‌های ارتباط جمعی، زندگی بشر به سمت فردگرایی سوق یافته و افراد را از تعامل با دیگران باز داشته است. این موضوع ناشی از نوع بهره برداری غیرفرهنگی و نادرست از این رسانه هاست. استفاده بی حد و حصر ابزارهای ارتباطی، ارتباط بین فردی و چهره به چهره را در خانواده کم رنگ کرده، موجب شده تا فضای انفرادی، به جای فضای جمعی و عاطفی بر خانواده حاکم شود. به طوری که گسترش تکنیکی رسانه های شنیداری و دیداری، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از فضای روانی و عاطفی خانواده را نشان می دهد و به تدریج، فضای روانی و محیطی گفت و گو در ارتباط بین فردی در خانواده، تغییر یافته و اعضای خانواده را به جای همگرایی، به واگرایی سوق داده است.^{۷۵}

➤ انواع خانواده‌های نوظهور عصر مدرنینه

- ۱- خانواده ای با یکی از والدین: افزایش طلاق ها و روابط نامشروع از علل بوجود آورنده این الگوهای خانواده هسته ای است.
- ۲- با هم زندگی کردن: امروزه این نوع زندگی کردن عمومی و مانوس در روابط جنسی بویژه میان جوانان است. در طول دو دهه اخیر بیش از دو برابر افزایش یافته که حدود ۲/۶ میلیون نفر را تشکیل می دهند و سن آنها ۶۰٪ زیر ۳۵ سال است.

۷۴- همان پیشین، ص ۱۲۲

۷۵- ر.ک: گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۲۲

۳- ازدواج مجدد: تعداد رو به افزایش از مردم بیش از یکبار ازدواج می‌کنند و در واقع حدود ۸۰٪ افراد طلاق گرفتند ظرف مدت چند سال بعد با فرد دیگری ازدواج کرده‌اند.

۴- خانواده بازسازی شده: طلاق و ازدواج مجدد ممکن است به خانواده بازسازی شده منجر گردد یعنی خانواده ای که از اجزای خانواده های قبلی به هم پیوسته شده است. ازدواج‌های مجدد به خانواده هایی بازسازی شده منجر می‌گردد که چندین والدین مختلف را در بر می‌گیرد و شجره های خانوادگی پیچیده ای را بوجود می‌آورد که حتی واژه مناسبی برای نامگذاری آنها در زبان وجود ندارد.

۵- زوجین بدون فرزند: تعداد فزاینده ای از زوجها بطور اختیاری نداشتن فرزند را اختیار می‌کنند. مشخصات این زوجین این است که خود اولین فرزند خانواده بوده اند، تحصیلات عالی دارند، به دنبال کار و شغل هستند و کمتر در انجام کارهای سنتی تحت خانه شرکت می‌کنند.

۶- مجرد ماندن: تعداد کسانی که مجرد ماندن را انتخاب می‌کنند رو به افزایش است. دلیل عمده ای این افزایش، علاوه بر میزان طلاق، تمایل روز افزون جوانان نسبت به تأخیر در ازدواج است. متوسط سن نخستین ازدواج برای مردان در حال حاضر در آمریکا ۲۵/۸ سال است که بالاترین سن از آغاز قرن حاضر است و مشابه این رقم برای زنان ۲۳/۶ سال می‌باشد.^{۷۶}

➤ تأثیرات جهانی شدن بر پیوند خویشاوندی و ازدواج

همزمان با صنعتی شدن روز افزون جامعه ها در طی دو قرن اخیر تغییرات جهانی عمده ای در الگوی خانواده به وقوع پیوسته است. تغییراتی که موجب دگرگونی عمیق در

۷۶- اکبر، محزون، علی پایگاه خبری تحلیلی تسنیم، مرکز اطلاعات، مطالعات و آمار، ۱۳۹۳

تعهد و علاقه مردم نسبت به هم گردیده است. اساساً امروز مردم توجه کمتری به مسئولیت خود در قبال خانواده گسترده و یا حتی خانواده هسته‌ای خود دارد و توجه بیشتر به نیازهای خود و اعضای خانواده خود نشان می‌دهد. ازدواج امروز کمتر به عنوان یک دستگاه اقتصادی و یا حمایتی یا نوعی وفاداری خویشاوندی مطرح است بلکه بیشتر به عنوان رقابت مبتنی به تعهدات عاطفی بین دو نفر تلقی می‌گردد. از این رهگذر تغییر در تعهدات تأثیر چشمگیری به حیات خانواده و پیوند خویشاوندی باقی گذاشته است. و عواملی که این روند را بوجود آورده می‌توانند موارد زیر باشد.

۱- تحرک جغرافیایی:

زندگی در جامعه نوین مستلزم تحرک جغرافیایی است. چون کارگران برای بدست آوردن شغل و پیشرفتهای شغلی جا به جا می‌شوند. آنان نخواهند توانست در صورت وابستگی به انواع مختلف روابط خویشاوندی این چنین تحرکی داشته باشند. زیرا این وابستگی‌ها مانع از جدایی طولانی از خویشاوندان می‌گردد.

۲- تحرک اجتماعی:

جامعه‌های نوین، برخلاف جامعه‌های سنتی و ماقبل، صنعتی، فرصت دستیابی به پایگاه‌های اجتماعی تازه بر و بالاتر برای مردم فراهم می‌آورند. در نتیجه تحرک اجتماعی، برخی اعضای خانواده سرانجام به شیوه‌های زندگی خاصی دست می‌یابند که با بقیه اعضای خانواده تفاوت زیادی دارد. بدین ترتیب علاقه‌ها و تجربه‌های مشترک اعضای خانواده که زمانی موجب همبستگی خانواده بود به سستی و حتی در مواردی به از هم پاشیدگی می‌گراید.

۳- کاهش کارکردهای خویشاوندان:

در یک محیط صنعتی و شهری، نهادها و سازمانهای رسمی از قبایل شرکتها، مدرسه‌ها، بیمارستانها، مؤسسه‌های رفاهی و مراقبتی و وسایل ارتباط جمعی عهده‌دار وظایفی می‌شوند که زمانی جزء وظایف اصلی و حیاتی خانواده بود. افراد دیگر مجبور نیستند به حمایت خویشاوندان متکی باشند بلکه در عوض در جستجوی بنیاد نوینی بر پایه زندگی زناشویی یعنی رفاقت نزدیک با همسران واحد، می‌باشند.

۴- جایگزین شدن خانواده هسته به جای خانواده گسترده:

در یک جامعه نوین، کودکان به جای آن که نوعی سرمایه باشند یک تعهد و بار اقتصادی هستند و هیچ‌گونه بهره مالی برای جبران هزینه سنگین لباس، غذا، تحصیل کودکان برای پدر و مادر وجود ندارد. لذا مردم بهتر و راحت تر می‌بینند که بعد خانوار خود را کوچک نگه دارند و ترجیح می‌دهند که از خویشاوندان خود جدا باشند و مستقل زندگی کنند.

۵- فرد گرایی:

ویژگی بارز جامعه صنعتی، فرد گرایی است. مردم جامعه‌های مزبور تمایل به خویشتن یابی به عنوان یک هدف شخصی دارند. علاقه‌ها و تمایلات فردی مهم تر از تعهدهای سنتی می‌باشند. تا در آن مجبور نباشند از افراد مریض خورد سال، مسن و یا معلولین نگهداری و مواظبت کنند و یا مجبور باشند تا هزینه‌های زن و فرزندان را برای مدت طولانی (عمر) تحمل نمایند.

علت‌های بسیاری را می‌توان به عنوان دلیل از هم پاشیدگی ازدواج‌ها و در نهایت نهاد خانواده بر شمرده ولی مهمترین آنها عبارتند از:

۱- فشار و ناراحتی در خانواده هسته‌ای:

در خانواد‌های هسته‌ی در صورتی که نان آور خانواده به هر دلیل مایل یا قادر به انجام تعهد های اقتصادی خود نباشند بسیار آسیب پذیرند.

۲- کاهش عشق و محبت نسبت به هم:

ازدواج های که از روی احساسات آنی و عشق رؤیایی ثروت، باشد با ورود به زندگی روزمره و گرفتاری کار و امور زندگی فروکش می کند که نوع محبت به هم تفاوت خواهد یافت. لذا ممکن است شروع به جستجو برای دستیابی به عشق رؤیایی به جای دیگر نماید.

۳- تغییر نقش زنان:

در گذشته نقش در زندگی زناشویی عبارت بود از خانه داری، شوهر داری، بچه داری و تهیه غذا برای شوهر و فرزندان. لیکن امروزه زنان بطور روز افزون این نقش را رد می کنند و از این طریق ساخت خانواده ای هسته ای را متزلزل و دگرگون می سازند.

۴- مجاز شدن رابطه جنسی:

گسترش دستیابی به وسایل جلوگیری از باروری بالقوه دو نقش کاملاً متفاوت روابط جنسی یعنی تولید مثل و لذت جویی را از یکدیگر جدا و متمایز ساخته است. زمانی که مقاربت احتمالاً به آبستنی منجر می شد، انگیزه نیرومندی در محدود کردن رابطه جنسی به رابطه زناشویی وجود داشت.

لیکن در شرایطی که احتمال آبستنی از بین برود بسیاری از ممنوعیتها در مورد استفاده از رابطه جنسی به منظور لذت جویی نیز از میان برداشته می شود. خانواده هسته ای بر پایه این فرضی استوار شده است که وفاداری به یک همسر وجود داشته باشد ولی مجاز شدن رابطه جنسی، تعدادی را به دنبال رابطه جنسی خارج از قلمرو ازدواج تشویق می کند.

این دگرگونی هنجارهای جنسی بطور اجتناب ناپذیر نظام خانواده را به مخاطره می افکند.^{۷۷}

➤ تقابل یا تعادل میان عصر سنتی و مدرنیته

نو شدن نیاز به هزینه دارد و دگرخواهی جامعه می تواند توجه رجال سیاسی را به دگرخواهی جامعه جلب کرده و در برابر درخواست‌های جامعه، نوع راهکارها و مبانی حرکت‌های سیاسی ایشان تنظیم شود. پس در نهایت این سیر حرکت یک اجتماع بر اساس شکل و ساختار غریزی و فطری بشری است که راه را برای دیگر مسائل و به‌نوعی پیدایش و بروز مشکلات بنا بر قول عوام، «مصایب» باز می‌کند. سخت‌ترین و فزاینده‌ترین مشکلات را جوامعی به دوش خواهند کشید که دنباله‌رو اقوام و ملل پیشرو هستند. چرا که هرگز آماده و پذیرای این تغییر نبوده و برای ایشان دست از گذشته کشیدن یعنی از دست دادن هویت و ذات و دست شدن از آینده به معنای بردگی، حقارت و در یک کلمه ارتجاع معنا می‌شود. بنابراین نه شایسته است خواست مدرنیته را در بشریت مدفون نمود و سنگ مرمرین بر آن نصب کرد و نه می‌توان از گذشته و تمامی داشته‌ها دست کشید. هر چند که به نظر، جبر اجتماعی بعضا موجب می‌شود تا به اعتقاد نظریه پردازان این رشته، مورد دوم، شدنی‌تر جلوه کند. بسیاری از ملل به این سو رو کرده و تلاش در نو شدن و تجدد را با تمام لوازم آن پذیرفته‌اند و نمونه‌ای همچون کشور ژاپن یا

۷۷- رابرتسون، ایان، در آمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ

کره جنوبی و حتی مالزی و سنگاپور فی الواقع نمونه‌های واقعی هستند که تلاش کرده‌اند ولی نه با حفظ ساختار گذشته که این ادعا نیاز به تحقیق آماری و دقت بیشتری دارد.^{۷۸}

عمدتاً مسیر تحولات خانواده، با دو تحول عمده ساختاری و کارکردی مواجه بوده است؛ تحول ساختاری در این عرصه، حوزه ساختار قدرت خانواده را تعیین می‌کند و حوزه کارکردی، به وظایف خانواده در طول حیات خود اشاره دارد. در راستای این تحولات، جامعه‌شناسان مسیر تحولات خانواده را از خانواده گسترده به هسته‌ای شناسایی کرده‌اند. آنچه در جامعه امروز ما شاهدیم، تحول خانواده به سوی خانواده‌های هسته‌ای هستیم.^{۷۹} بنابراین، تحولات ساختاری خانواده یکی از عواملی است که منجر به هسته‌ای شدن خانواده در ایران شده است. در بعد کارکردی، بنظر می‌رسد برخی خانواده‌های ایرانی، امروزه با کاهش فضای عاطفی در خانواده و سرد شدن ارتباطات انسانی در محیط خانواده روبه‌رو هستند. این پدیده می‌تواند منجر به طلاق ذهنی و عاطفی گردد.^{۸۰}

شکل دیگر تحولات در خانواده ایرانی، که به تبع شرایط اقتصادی و اجتماعی پدید آمده خانواده‌هایی هستند که مرد به دلیل مقتضیات شغلی تنها در برخی از روزهای ماه و یا هفته می‌تواند در کنار خانواده باشد و در دیگر ایام به دور از خانواده است. در این خانواده‌ها، زنان با دشواری‌های بسیاری مواجه هستند؛ زیرا زن... باید بدون مرد خانواده را اداره کرد و در این شرایط زن، دچار ابهام در نقش و مسئولیت‌های چندگانه می‌شود. خانواده‌های تفرد یافته نیز شکل دیگری از خانواده امروز ایرانی است. در این نوع خانواده‌ها، هر یک از اعضا یک کلید از آپارتمان و یک کلید از اتاقش دارد و هر کس برای خودش زندگی می‌کند و در این خانواده‌ها سرمایه اجتماعی، حمایت‌ها و انسجام

۷۸- ساروخانی، باقر، مبانی جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۹۳

۷۹- آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰

۸۰- ر.ک. ساروخانی، ۱۳۷۸

جمعی رو به کاهش است.^{۸۱} در بعد ارتباطات خانواده، امروزه در عصر ارتباطات، با سلطه بلامنازع رسانه‌های ارتباط جمعی، زندگی بشر به سمت فردگرایی سوق یافته و افراد را از تعامل با دیگران باز داشته است. این موضوع ناشی از نوع بهره برداری غیرفرهنگی و نادرست از این رسانه هاست. استفاده بی حد و حصر ابزارهای ارتباطی، ارتباط بین فردی و چهره به چهره را در خانواده کم رنگ کرده، موجب شده تا فضای انفرادی، به جای فضای جمعی و عاطفی بر خانواده حاکم شود. به طوری که گسترش تکنیکی رسانه های شنیداری و دیداری، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از فضای روانی و عاطفی خانواده را نشان می دهد و به تدریج، فضای روانی و محیطی گفت وگو در ارتباط بین فردی در خانواده، تغییر یافته و اعضای خانواده را به جای همگرایی، به واگرایی سوق داده است.^{۸۲}

۸۱- همان پیشین، ص ۱۲۲

۸۲- ر.ک: گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۲۲

فصل سوم

➤ مفهوم و تعریف ازدواج

در سال‌های اخیر مسئله ازدواج و تشکیل خانواده جزء یکی از مسائل و پدیده‌های چند بعدی شده است. ازدواج علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی فرد را تنظیم می‌کند و بخاطر اهمیت و تأثیری که دارد به‌عنوان هنجاری پذیرفته شده در تمامی کشورهای دنیا به حساب می‌آید. بی توجهی دولت‌ها و خانواده به این پدیده چند بعدی امری ناپسند به شمار می‌آید چرا که بقاء خانواده در گرو بقاء و سازماندهی ازدواج است.^{۸۳} در سال‌های اخیر مقوله ازدواج بازتاب تحولات در حوزه‌های گوناگونی همچون شهرنشینی، میزان ثروت، سطح تحصیلات، اختصاص برای زنان، تمایل به استقلال اقتصادی و عوامل متعدد دیگری شده است که نشانه‌ای است بر حرکت جوامع به سوی مدرنیته شدن.^{۸۴} ازدواج یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است که تاریخی به قدمت حیات انسان‌ها دارد.^{۸۵} یکی از مهم‌ترین عارضه‌های به تأخیر افتادن ازدواج برای جوانان، افزایش سن ازدواج برای آن‌هاست. همین عارضه سبب شده تا جوانان رو به ازدواج‌های نوظهوری بیاورند که آن‌ها را از قید و بند قوانین، هنجارها و ارزش‌های دست و پا گیر رها سازد. بر اساس آمارهای موجود سن ازدواج در مابین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۱ افزایشی لاک‌پشتی داشته باشد. اما در دو دهه اخیر روند این افزایش با سرعت شتابنده‌ای همراه بوده، به گونه‌ای

۸۳- آزاد ارمکی، ص ۹۹، ۱۳۸۶

۸۴- کاظمی‌پور، حسین، ص ۱۰۷، ۱۳۸۵

۸۵- گیدنز، آنتونی، ص ۱۷، ۱۳۸۷

که در سال ۱۳۸۱ بیشتر از یک‌چهارم دختران ۲۵ تا ۲۹ ساله هنوز مجرد مانده‌اند. نرخ رشد افزایش سن ازدواج از ۴,۱۸ درصد در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۰ به ۲۳,۲ درصد سال ۱۳۸۱ رسیده است. متوسط سن ازدواج در مردان از ۲۵,۸ سال به ۲۵,۹ سال افزایش پیدا کرده است.

طبق آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ میزان نرخ رشد ازدواج ۲۳ درصد بوده که این نرخ با توجه به میزان رشد جمعیت کشور بسیار ناچیز محسوب می‌شود.^{۸۶}

ازدواج را می‌توان پیوندی تعریف کرد میان اعضای دو گروه برون همسر که از طریق آن دو نفر از دو جنس مخالف در شبکه‌ای از حقوق و الزامات مشترک، که در هر فرهنگی نسبت به فرهنگ‌های دیگر متفاوت است، به یکدیگر وابسته می‌شوند. زناشویی یکی از بنیادی‌ترین شیوه‌های برقراری پیوند میان افراد و گروه‌هاست. زیرا زمانی که مرد و زنی زناشویی می‌کنند نه تنها یک همسر، بلکه رشته جدیدی از والدین و خویشاوندان نسبی دیگر را به دست می‌آورند. لوی اشتراوس ازدواج را پدیده‌ی اصلی در تشکیل ساختمان‌های خویشاوندی می‌داند. ازدواج در واقع ساخت اجتماعی مشروعیت یافته به وسیله رسوم را اصلاح می‌کند. ازدواج فرایند خویشاوندی نسبی سکنی‌گزینی، نام‌گذاری، ارث‌بری رفتارها را مشخص کرده و راه را بر تولیدمثل مشروع درون گروه خانوادگی می‌گشاید.^{۸۷}

۸۶ - کاظمی پور، حسین، ص ۱۰۶، ۱۳۸۴

۸۷- www.alhassanain.com/persian/articles/articles

➤ انگیزه‌های ازدواج و تشکیل خانواده از دیدگاه‌های مختلف

برای پی بردن به تحول یک پدیده، قبل از هر چیز باید آن را از نظر تاریخی مورد بررسی قرار داد و به جستجوی شکل اولیه و عوامل تشکیل دهنده آن توجه نمود. خانواده هم مانند هر پدیده دیگر تابع روندی است که از ابتدای تاریخ به امروز وجود داشته و بدون تردید در طی این روند تحولات و دگرگونی‌هایی را به خود دیده‌است. برخی افراد که به اصالت گزینه جنسی قائل اند، ازدواج را تنها وسیله ای برای تأمین ارضای میل جنسی خود می دانند. در واقع، از نگاه اینان هدف اصلی ازدواج و تشکیل خانواده، نوعی شکل حقوقی و قانونی دادن به ارضای گزینه جنسی است. بی گمان از نظر اسلام نیز یکی از مهم ترین کارکردهای ازدواج و تشکیل خانواده، رفع نیازهای جنسی است، اما این کارکرد تنها هدف ازدواج نیست و در پایداری آن نیز بی تأثیر است، از این رو تا عواملی دیگر با آن همراه نگردد، حفظ و بقای خانواده ممکن نخواهد بود. درحالی که میل جنسی در طول زندگی شدت و ضعف دارد و در دوران پیری اصولاً نقش مهمی نخواهد داشت، ولی روابط بسیاری از خانواده ها در این دوران پایدارتر است. از این سو نیز بسیاری از خانواده های جوان که میل جنسی شدیدتری دارند، به دلایل متعددی سست تر از دیگر خانواده هایند. دسته دیگر از افراد که گرایش های سودجویانه دارند، به ازدواج جنبه اقتصادی داده، چنین می پندارند که پیوند زناشویی نوعی تجارت و معامله میان دو خانواده است. در روایات اسلامی، این نوع نگرش به ازدواج، مورد نکوهش قرار گرفته و از افراد خواسته شده که انگیزه آنان برای ازدواج فقط طمع به مال و ثروت کسی نباشد که می خواهند با او ازدواج کنند. برخی افراد فقط به دلیل زیبایی طرف مقابل با او ازدواج می کنند، بی آنکه سایر ویژگی های مناسب برای ازدواج را در نظر بگیرند. انگیزه های متعدد دیگری نیز ممکن است مطرح باشد: برای مثال، برخی ازدواج را وسیله ای می دانند برای اینکه از وابستگی به خانواده نجات یابند و خود را فرد کامل و مستقلی نشان دهند. برخی از این رو ازدواج می کنند که معتقدند چون سایر افراد جامعه به ازدواج تن داده اند، این کار باید صورت گیرد. به بیانی

دیگر، آنان ازدواج را یکی از چهار گذرگاه اجباری انسان می‌پندارند: تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ.^{۸۸}

➤ نظریه‌هایی در مورد منشأ و چگونگی پیدایش خانواده و زناشویی

درباره منشأ و چگونگی پیدایش خانواده و زناشویی نظرات فراوانی وجود دارد که به دو گروه تکاملی و غیر تکاملی تقسیم شده است

۱- نظرات غیر تکاملی:

بر اساس این نظریه منشأ خانواده از مذاهب و اسطوره‌ها سرچشمه می‌گیرد و اختصاص به بین‌النهرین دارد به عقیده آنان تشکیل خانواده و زناشویی از آدم و حوا آغاز و پس از آنکه آنها صاحب فرزندان شدند کم‌کم خانواده‌های دیگری تشکیل شده و سپس به صورت قوم و طایفه درآمدند و جوامع گوناگون پدید آمدند. این طرز تفکر در قرآن کریم و تورات نیز بیان شده است. که ذهن بشر آن را براحتی پذیرفته است.

۲- نظرات تکاملی:

این نظرات هنگامی مطرح و مورد قبول قرار گرفت که انسان شناسان مطالعات همه‌جانبه و عمیقی بر روی مردم جوامع دیگر غیر از مردم بین‌النهرین به عمل آوردند و بر اساس شواهد و مدارک دریافتند که تشکیل خانواده لزوماً از ازدواج آدم و حوا شروع نشده بلکه در ابتدا مرد و زن با یکدیگر روابط جنسی آزاد داشتند «آمیختگی جنسی» و خانواده را بوجود آوردند.

۸۸ - نورمحمدی، غلامرضا، مهارت‌های زندگی اجتماعی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه

ها، دفتر نشر معارف، چاپ دوم، ۱۳۹۰

➤ اشکال همسرگزینی

اشکال ازدواج بسیار متنوع است. زیرا هر جامعه یا قواعدی دارد که مشخص می‌کند یک شخص می‌تواند چند همسر بگیرد. در حالی که بسیاری از جوامع نوعی چند همسری یا ازدواج با چند همسر (چند شوهری و چند زنی) را روا می‌دارند و یا حتی ترجیح می‌دهند بسیاری از گروهها و جوامع، تک همسری را تجویز نمایند. به همین لحاظ در جوامع گوناگون، اشکال مختلفی از ازدواج صورت می‌گیرد که عبارتند از: قاعده تک همسری که اساس آن بر ازدواج یک مرد و زن قرار دارد. و امروزه در تمام جوامع از اکثریت قاطعی برخوردار است که یکی از مظاهر و ویژگی‌های جوامع توسعه یافته و از مهمترین دلایل آن دین مسیح است که چند زنی در آن منع شده است.

ازدواج چند همسری که بر دو نوع است.

الف) چند شوهری:

چند شوهری عبارت است از ازدواج یک زن با چند مرد این نوع زناشویی بسیار کمیاب و تنها در میان چهار جامعه و اقوام و قبایل دورافتاده آنها مانند: نپال، تبت، قوم تودادر هند و جزایر مارکیز به ندرت دیده می‌شود. در جزایر مارکیز نیز مردان مارکیزی ازدواج با زنی را که چند معشوق جداگانه دارد، امتیازی به شمار می‌آورند و آنها را به عنوان شوهران کمکی می‌پذیرند گاهی نیز چند مرد بیگانه زن مشترکی می‌گیرند و یکی از آنان پدر فرزندان به شمار می‌آیند. یا در میان قوم تودادر هند چند شویی برادرانه رواج دارد یعنی ازدواج چند برادر با یک زن و عنوان پدر پس از اجرای یک مناسک خویشاوند خاص، به یکی از این شوهران داده می‌شود.

ب) چند زنی:

یعنی ازدواج یک مرد با چند زن که به مراتب شایع تر از چند شوهری است از گذشته بسیار دور در میان عبری‌ها، چین باستان و هند، سنت بوده و هنوز هم در بسیاری از نقاط آفریقا، خاورمیانه و از جمله ایران و آسیا و به طور کلی در میان مسلمانان ترجیح داده می‌شود، زیرا در قرآن کریم به یک مرد به شرطی که شرایطی را رعایت کند اجازه ازدواج با چهار زن داده شده است.

انسان شناسان علت چند زنی را در جوامع قبیله‌ای، گله داری و کشاورزی ناشی از نیاز به نیروی کار زنان دانسته‌اند. به عبارت دیگر از دیدگاه یک مرد در این گونه جوامع، زنان یک نوع امتیاز اقتصادی به شمار می‌آیند. زنان نه تنها خودشان کار چشمگیری انجام می‌دهند. بلکه پسرانی را می‌زایند که در نبردهای سیاسی و نزاع‌های محلی روی آنها حساب می‌کنند.

قاعده دیگر چند زنی، خواهرزن‌گزینی یا ازدواج با خواهر زن است یعنی ازدواج یک مرد با دو یا چند خواهر که به نظر مرداک در این مورد چون خواهران یاد گرفته‌اند که چگونه حسادت‌شان را در زمینه جلب توجه والدینشان برطرف کنند در تقسیم یک محل زندگی و نیز یک شوهر هم مسایل کمتری دارند. قواعد زناشویی غالباً با فشارهای نیرومند اجتماعی فرهنگی، پشتیبانی می‌شوند و در بیشتر موارد انعطاف پذیرند، مقررات ازدواج آدم‌ها را در هر جامعه‌ای تعیین می‌کند و مشخص می‌نماید که چه کسی با چه کسی باید ازدواج کند و ازدواج با چه افراد و گروه‌هایی حرام و زنا با محارم نامیده می‌شود. از این رو در هر جامعه‌ای قواعد و محدوده‌ای برای زناشویی وجود دارد. اما آنچه به طور کلی در تمام جوامع مشترک است آنکه در همه آنها، روابط جنسی و ازدواج میان والدین و فرزندان و برادران و خواهران ممنوع یا حرام

(تابو) است و اگر هم استثنایی وجود دارد بسیار انگشت شمارند.

انسان شناسانی که در فرهنگهای گوناگون پژوهش کرده‌اند از چندین همسر یابی نام برده‌اند که یکی از آن‌ها زناشویی از طریق مبادله و معاوضه است.
الف) شیربها یا خدمت دامادی:

پرداخت شیربها یا خدمت دامادی به این معنی است که خانواده مرد با پرداخت مبلغی پول یا هر چیز

دیگری که مورد قبول خانواده زن قرار گیرد به عنوان پیش‌کش، دختر یا زنی را به همسری می‌گیرد. چنانچه استطاعت مالی نداشته باشد با موافقت خانواده دختر می‌تواند برای آنها مدتی کار کند (خدمت دامادی) و به این طریق همسر را مسترد نماید.

ب) جهیزیه:

رسم دیگری که در جهت عکس رسم شیربها وجود دارد، دادن جهیزیه یا تدارک تجهیزات زناشویی به وسیله خانواده عروس برای زوج جدید است. که در اروپای قرون وسطی وجود نداشت و امروزه نیز در بخش‌هایی از اروپای شرقی، هند و ایران نیز وجود دارد. جهیزیه در برخی از کشورها چون هند فجایع بزرگی به بار می‌آورد. بسیاری از مردان فقیر، زنان را به قتل می‌رسانند تا بتوانند دوباره ازدواج کنند و به جهیزیه دست یابند.

ج) مهریه:

مهریه نیز یکی دیگر از رسوم زناشویی مبادله‌ای است که در ایران و سایر کشورهای مسلمان بنا بر سنت قرآنی، از طرف مردان به زنان و دختران تعلق

می‌گیرد.

(د) زن برادر گزینی و خواهرزن گزینی:

رسم زن برادر گزینی (لویرات)^{۸۷} و خواهرزن گزینی (سرورات)^۹ که از زبان عبری آمده است نمونه دیگری از زناشویی مبادله‌ای میان گروه‌های خویشاوندی است و به این معنی در زن برادر گزینی مرد حق دارد پس از مرگ برادرش با بیوه برادرش ازدواج کند و یا از شوهر دیگری که او را برگزیده است تقاضای شیربها کند. در رسم خواهرزن گزینی نیز مرد حق دارد با یکی از خواهران همسر مرده اش ازدواج کند. و یا خویشاوندان همسرش باید همسر تازه‌ای برایش فراهم کنند.

اشکال ازدواج بسیار متنوع است. زیرا هر جامعه یا قواعدی دارد که مشخص می‌کند یک شخص می‌تواند چند همسر بگیرد. در حالی که بسیاری از جوامع نوعی چند همسری یا ازدواج با چند همسر (چند شوهری و چند زنی) را روا می‌دارند و یا حتی ترجیح می‌دهند بسیاری از گروهها و جوامع، تک همسری را تجویز نمایند. به همین لحاظ در جوامع گوناگون، اشکال مختلفی از ازدواج صورت می‌گیرد که عبارتند از: قاعده تک همسری که اساس آن بر ازدواج یک مرد و زن قرار دارد. و امروزه در تمام جوامع از اکثریت قاطعی برخوردار است که یکی از مظاهر و ویژگی‌های جوامع توسعه یافته و از مهمترین دلایل آن دین مسیح است که چند زنی در آن منع شده است.

ازدواج چند همسری که بر دو نوع است.

الف) چند شوهری:

Levirat - ۸۷

Sororat - ۸۸

چند شوهری عبارت است از ازدواج یک زن با چند مرد این نوع زناشویی بسیار کمیاب و تنها در میان چهار جامعه و اقوام و قبایل دورافتاده آنها مانند: نپال، تبت، قوم تودادر هند و جزایر مارکیز به ندرت دیده می‌شود. در جزایر مارکیز نیز مردان مارکیزی ازدواج با زنی را که چند معشوق جداگانه دارد، امتیازی به شمار می‌آورند و آنها را به عنوان شوهران کمکی می‌پذیرند گاهی نیز چند مرد بیگانه زن مشترکی می‌گیرند و یکی از آنان پدر فرزندان به شمار می‌آیند. یا در میان قوم تودادر هند چند شویی برادرانه رواج دارد یعنی ازدواج چند برادر با یک زن و عنوان پدر پس از اجرای یک مناسک خویشاوندی خاص، به یکی از این شوهران داده می‌شود.

(ب) چند زنی:

یعنی ازدواج یک مرد با چند زن که به مراتب شایع تر از چند شوهری است از گذشته بسیار دور در میان عبری‌ها، چین باستان و هند، سنت بوده و هنوز هم در بسیاری از نقاط آفریقا، خاورمیانه و از جمله ایران و آسیا و به طور کلی در میان مسلمانان ترجیح داده می‌شود، زیرا در قرآن کریم به یک مرد به شرطی که شرایطی را رعایت کند اجازه ازدواج با چهار زن داده شده است.

انسان شناسان علت چند زنی را در جوامع قبیله‌ای، گله داری و کشاورزی ناشی از نیاز به نیروی کار زنان دانسته‌اند. به عبارت دیگر از دیدگاه یک مرد در این گونه جوامع، زنان یک نوع امتیاز اقتصادی به شمار می‌آیند. زنان نه تنها خودشان کار چشمگیری انجام می‌دهند. بلکه پسرانی را می‌زایند که در نبردهای سیاسی و نزاع‌های محلی روی آنها حساب می‌کنند.

قاعده دیگر چند زنی، خواهرزن‌گزینی یا ازدواج با خواهر زن است یعنی ازدواج یک مرد با دو یا چند خواهر که به نظر مرداک در این مورد چون خواهران یاد گرفته‌اند که

چگونه حسادت‌شان را در زمینه جلب توجه والدینشان برطرف کنند در تقسیم یک محل زندگی و نیز یک شوهر هم مسایل کمتری دارند. قواعد زناشویی غالباً با فشارهای نیرومند اجتماعی فرهنگی، پشتیبانی می‌شوند و در بیشتر موارد انعطاف پذیرند، مقررات ازدواج آدم‌ها را در هر جامعه‌ای تعیین می‌کند و مشخص می‌نماید که چه کسی با چه کسی باید ازدواج کند و ازدواج با چه افراد و گروه‌هایی حرام و زنا با محارم نامیده می‌شود. از این رو در هر جامعه‌ای قواعد و محدوده‌ای برای زناشویی وجود دارد. اما آنچه به طور کلی در تمام جوامع مشترک است آنکه در همه آنها، روابط جنسی و ازدواج میان والدین و فرزندان و برادران و خواهران ممنوع یا حرام (تابو) است و اگر هم استثنایی وجود دارد بسیار انگشت شمارند.

الف) ممنوعیت ازدواج با محارم: ممنوعیت بسیار مهمی در زمینه ازدواج وجود دارد که شامل محارم یعنی ممنوعیت اجتماعی رابطه جنسی میان دو فرد از دو جنس مخالف به دلیل وجود رابطه خویشاوندی میان آن دو نفر است. رابطه جنسی میان والدین و فرزندان و میان برادران و خواهران شامل ممنوعیت جهانشمول می‌شود که البته باید به موارد استثنایی در این زمینه نیز اشاره شود. برای مثال در خانواده‌های سلطنتی با ازدواج میان برادر و خواهر از قانون عمومی ممنوعیت تبعیت نمی‌کردند.

پتلمه در مصر، اینکا در آمریکای جنوبی، بومیان هاوایی به دلایل مذهبی و سیاسی نیوروهای اوگاندا، ازدواج میان دو قلوهای از دو جنس مخالف در بالی، ازدواج میان پدر و دختر در نزد آژانده‌های آفریقای مرکزی، ازدواج پدر بزرگ و نوه دختری در بعضی از گروه‌های باکونگو از جمله در دریچه‌های متفاوت خویشاوندان نمادین نظیر همسر یک طبقه راز آموزی نزد نویرهای سودان یا خواهر زنی که خود (اگو) با او همسری کرده در

نزد اوه های توگو از موارد استثنایی در این زمینه به شمار می‌آیند.
ب) قواعد برون همسری:

برون همسری یا بیگانه همسری ازدواج اجباری، در خارج از گروه خویشاوندی و با هم خون است. به این معنی که در بیشتر جوامع، افرادی می‌بایست با افراد خارج از گروهی که به آن تعلق دارد همسرگزینند و ازدواج کنند. چنانکه در برخی موارد قواعد برون همسری نه تنها برخی از خویشاوندان فرد یا همگی آنها را در بر می‌گیرد بلکه همه اعضای کلان یا دهکده را شامل می‌شود و مردها و زنها باید همسران و شوهرانشان را از اجتماعات دیگر برگزینند. به عنوان مثال چینی‌ها به گونه‌ای سنتی، قواعد برون همسری را بیش از اندازه بسط می‌دهند و حتی زناشویی میان افرادی که نام خانوادگی یکسانی دارند ممنوع می‌شمرند.

ج) درون همسری:

درون همسری بر خلاف برون همسری بر ازدواج درون گروهی تأکید می‌ورزد و ازدواج با اقوام خویشاوندان و بستگان نسبی و سببی یا افراد یک طایفه و قبیله و دهکده را توصیه می‌کنند مانند ازدواج عموزاده‌ها، دایی زاده‌ها، عمه زاده‌ها، خاله زاده‌ها. بنابراین در پیوند زناشویی میان آنان نیازی به شناسایی قبلی و تحقیق پیرامون خلق و خوی، رضایت، علاقه و خواست دختر وجود ندارد و اغلب پدر داماد و پدر عروس و یا مادر داماد و مادر عروس با هم به توافق می‌رسند.

➤ قواعد محل سکونت زن و شوهر

قاعده جهانشمول هم زیستی زوج سبب می‌شود که پس از ازدواج نیاز به تغییر محل سکونت (آشپزخانه) لاقلاً برای یکی از آن دو وجود بیابد که تا اندازه‌ای شکل‌گیری جماعت‌های محلی را توجیه می‌کند. عمده‌ترین آنها شامل موارد زیر می‌باشند.

الف) سکونت پدرمکانی:

سکونت پدر مکانی مربوط به سکونت یک زوج تازه ازدواج کرده با والدین همسر یا شوهر زندگی کنند. در هر صورت زوج جدید در میان گروه خویشاوندی اقامت کرده، تحت اقتدار این گروه به سر می‌برند.

ب) سکونت مادر مکانی:

سکونت مادرمکانی افراد پس از زناشویی در محل زندگی مادرزادی شان باقی می‌مانند و در میان گروه خویشاوندان زن (هم‌سر) اقامت می‌گزینند و تحت اقتدار این گروه به سر می‌برند.

ج) سکونت دایی مکانی:

در برخی جوامع پسران به میان اجتماع برادر مادرشان که عضو ارشد تبار مادر است (دایی) می‌روند و در آنجا خانوادشان را به پا می‌دارند.

د) شوهر مکانی:

محل اقامت زوج در خانه شوهر اما در نزدیکی با والدین شوهر می‌باشد.

ه) توام مکانی:

زوج گاهی با اقوام شوهر و گاهی با اقوام زن زندگی می‌کنند.

ی) دو مکانی:

زوج ممکن است پس از ازدواج از آزادی زندگی با هر کدام از والدین دو طرف برخوردار باشد و انتخاب در این صورت بر ثروت و یا جایگاه هر کدام از خانواده‌ها و یا اولویت‌های شخصی مربوط باشد.

و) نومکانی:

زوج امکان دارد اصولاً همچون بسیاری از کشورهای صنعتی، محل اقامت جدیدی نسبت به محل اقامت قبلی خود برگزینند.

ح) زن مکانی:

شوهر همراه زنش در خانه‌ای مستقل اما در نزدیکی با والدین زن زندگی کنند.

➤ علل از بین رفتن قواعد و محدوده ازدواج در عصر مدرنیته

سال‌های سال مردم چنین اندیشیده‌اند که وظیفه اصلی خانواده این بوده است که پدر خانواده برای ازدواج فرزندش تدارک ببیند، برای پسرانش زن انتخاب کند و فرزندان دخترش را به هر کسی که بخواهد شوهر بدهند. برای قرنهاي متمادی در اروپای شرقی و جاهای دیگر، ازدواج در تملک قبایل و خانواده‌های گسترده و بعید بود که ازدواجی بدون توافق بزرگترها صورت بگیرد. و در اسلام هم ازدواج دختران باکره بدون رضایت پدر یا جد پدری انجام نمی‌گیرد. اما فرایند جهانی شدن این روند ازدواج را دچار تغییر نموده است. دیگر در ازدواج شرط رضایت والدین نیازی نیست و باید زن و مرد خود آزادانه برای ازدواج خود تصمیم بگیرند: کلیسا هم بر این امر صحنه گذارد. هم کاتولیک‌ها و هم پروتستان معتقد بودند که ازدواج معتبر نیست مگر آن که رضایت آزادانه زن و

مرد در آن وجود داشته باشد در قرن بیستم باب الکساندر سوم رضایت آزادانه زن و مرد را قبل از ازدواج شرط کافی دانست و این فکر را که رضایت والدین تنها توافق ضروری برای ازدواج است را منسوخ اعلام کرد. در این روند کم کم تغییرات فاحشی در مورد ازدواج پیش آمد. در سال ۱۸۰۹ جیمز کنت رئیس دادگاه استیناف نیویورک اعلام کرد که هیچگونه تشریفاتی برای ازدواج لازم نیست. کمی پس از انقلاب فرانسه حکومت اعلام کرد که ازدواج چیزی فراتر از یک قرارداد مدنی نیست و می توان آن را فسخ کرد و کودکان نامشروع هم به اندازه فرزندان زوجهای ازدواج کرده صاحب حق هستند. این روشنگری به تدریج چنان ریشه دواند که ازدواج به جای آنکه مشارکتی باشد که توسط قوانین، سنت ها و خداوند تقدیس می شوند به عنوان قراردادی تلقی شد که بین دو نفر با حقوق فردی خود بسته می شد که در جهان امروز ازدواج صورتی کاملاً غیر دینی و فردی و فاقد الزامات قانونی در آمد. عقل گرایی جای اعتقاد دینی را گرفت و حمایت از روند بوجود آمدن کودکان نامشروع در جامعه محبوبیت پیدا کرد. ازدواج هم بخش عظیمی از حمایت اجتماعی خود را از دست داد و به جای این که توسط قوانین و سنت کنترل شود اینک فقط توسط زوجین کنترل می شود. یکی از قواعد مهم در ازدواج، بدون در نظر گرفتن استثنائات ممنوعیت ازدواج با محارم (مادر، خاله، عمه، خواهر، برادرزاده، خواهرزاده،) که از طریق رابطه خویشاوندی بوجود می آید بود. در فرایند جهانی شدن و ازدواجهای توافقی بین دو نفر جنس مخالف بر پایه غرایز جنسی و تولد کودکان نامشروع فراوان از این طریق زمینه را برای ازدواج هایی فراهم می کند که دیگر رابطه خویشاوندی مطرح نیست و محارمی وجود ندارند. دیگر کسی خواهر، خاله، عمه، دایی و عموی خود را نمی شناسد و اساساً مفاهیمی با این عناوین وجود نخواهد داشت. در نتیجه هر فرد

ممکن است با کسانی ازدواج کنند که از محارم او بوده باشد. و فرزندان دیگری از این روابط بوجود خواهد آمد.

➤ موانع و تنگنای ازدواج‌های رسمی

۱- تغییر و دگرگونی در ارزش‌ها و هنجارها

مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، افزایش بی‌رویه توقعات و انتظارات، گسترش تشریفات قبل و بعد ازدواج، افزایش مهریه، تغییرات گسترده در ساختار و کارکردهای خانواده، ناسازگاری‌های اجتماعی و سست شدن بنیان‌های مذهبی و ...

۲- فقدان اطمینان به آینده شغلی

فقدان فرصت‌های شغلی برابر برای همه جوانان، مسئله مسکن، عدم وجود ثبات اقتصادی و گرانی‌ها و ...

۳- تفاوت معیارهای دو طرف ازدواج در امر ازدواج

معیارهای پول‌دار بودن، با سواد بودن (داشتن تحصیلات عالی)، مذهبی بودن، اصالت خانوادگی، زیبایی و تفاهمات اخلاقی ...^{۹۱}

۹۱- الیاسی، امیر، فاتحی، سارا، پارسه، شهاب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تبریز،

➤ انواع ازدواج‌های مشروع و نامشروع

- ازدواج لویرا

در این نوع ازدواج مرد با بیوه برادرش ازدواج می‌کند. عموماً این نوع از ازدواج به چند زنی ختم می‌شود. اینگونه ازدواج ما بین ترکن‌ها رایج و متداول می‌باشد.

- ازدواج سروا:

مرد با خواهر همسر فوت شده خود ازدواج می‌کند. هدف اصلی از این نوع ازدواج‌ها بازسازی خانواده نخستین است. در اینگونه ازدواج امکان چند زنی وجود ندارد.

- ازدواج موقت:^{۹۲}

نوعی ازدواج توافقی بر اساس مدت معین و توافق روی مبلغ مشخصی است.

- ازدواج صیغه‌گون:^{۹۳}

زمان معینی در این نوع از ازدواج معین نمی‌شود. و عموماً زن فرودست‌تر از مرد است.

- ازدواج خصوصی:^{۹۴}

ازدواجی که در آن نه موازین شرعی رعایت می‌شود نه موازین عرفی. اصل اساسی در این ازدواج، هم بالینی و هم سکنايي است.

- ازدواج دوستانه:^{۹۵}

ازدواجی که برای فرار از مخارج و هزینه‌های سنگین ازدواج صورت می‌گیرد مثل ازدواج‌های دانشجویی.

- ازدواج ربایشی:^{۹۶}

۹۲ - Temporary marriag

۹۳ - concubine marriag

۹۴ - privet marraige

۹۵ - Friendly marriage

۹۶ - Abduction marriage

ربودن همسر از یک قبیله هم نشان دهنده برتری، هم بیانگر عظمت امر زناشویی است. اینگونه ازدواج در نظام‌های قبیله‌ای رواج بیشتری دارد.

- ازدواج مبادله‌ای:^{۹۷}

مبادله خواهران یا مبادله یک خواهر و یک برادر از یک خانواده با خانواده دیگر در این نوع ازدواج انجام می‌شود.^{۹۸}

➤ راه‌کارهای مدیریت ازدواج

البته برای مدیریت خانواده اگر نیاز به مداخله نهادهایی خارج از خانواده باشد باید به سمت سازمان‌های مردم‌نهاد، اجتماعات محلی، گروه‌های همسایگی و خویشاوندی و مشابه آن برویم. باید نهاد خانواده و ازدواج را به عنوان یک نهاد جاذب فرهنگی مجدد احیا کنیم حتی در بسیاری موارد رویه‌های موجود جاذبه‌های فرهنگی را کاهش می‌دهد. به شما می‌گویند ۵ سکه می‌دهیم بیا ازدواج کن پای فاکتور اقتصادی را وسط می‌کشند و این جاذبه فرهنگی برای تشویق ازدواج را کم‌رنگ می‌کند. معتقدم عروسی کم‌هزینه پدیده خوبی است، اما با مراسم زدایی موافق نیستم. ازدواج مراسم دارد. ما با مراسم زدایی، نهاد ازدواج را بی‌اهمیت کرده‌ایم یعنی ازدواج تبدیل به یک معامله ساده و قرارداد پیش‌پا افتاده شده است. مراسمات از سویی عامل تقویت و دوام و حفظ پیوند ازدواج هستند، اما وقتی مراسمی نباشد بی‌ارزش شده و شکسته شدن پیمان را ساده می‌کند نهادهای اجتماعی مراسمی دارند که کارکرد آنها مستحکم کردن آن نهاد است که امکان تدوام آن را فراهم می‌کند. بعد ما می‌گوییم دختر و پسر با هم به محضر بروند صیغه بخوانند و بروند سر زندگی شان؛ این ازدواج نیست. ازدواج شاهد اجتماعی نیاز

۹۷- Swap marriage

۹۸- کاظمی، اصغر، امینی یخدانی، مریم، مفاهیم حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، ص ۳۷، ۱۳۹۲

دارد. جمع شدن دو گروه خویشاوندی لازم است. ازدواج برای اینکه اهمیت خود را نشان دهد به آیین و مناسکی نیاز دارد. ما با مراسم زدایی نهاد ازدواج را بی اهمیت می‌کنیم چیزی که تبدیل به یک معامله ساده و قرارداد می‌شود. مراسمات از سویی عامل تقویت و دوام و حفظ پیوند ازدواج هستند، اما وقتی مراسم بی ارزش شده و شکسته شدن پیمان را ساده می‌کند.

ازدواج گروهی هم که چند سالی است رواج یافته یکی از چالش‌های ازدواج است. اینکه ما ۱۰۰ زوج دختر و پسر را در یک سالن جمع کنیم و در مراسم یک ساعته بگوییم اینها با هم ازدواج کردند این هم ازدواج را تبدیل به یک کارگروه تیمی می‌کند که توجه فقط به کم هزینه بودن دارد. این فرق می‌کند با ازدواجی که اطراف یک زوج ۱۰۰ نفر از اقوام دختر و پسر حضور دارند و همراهی می‌کنند. ازدواج بخشی از تاریخ خویشاوندی است و نباید تبدیل به بخشی از تاریخ دانشگاه شود. بسیاری از آشنایی‌های اولیه چه بسا در دانشگاه اتفاق بیافتد، اما پس از آن باید به خانواده منتقل شود. ازدواج در دانشگاه، در یک نهاد رسمی عقد خوانده شود مشکلاتی در آینده سبب می‌شود. موارد زیادی برخورد می‌کنیم که ازدواج دانشجویی و ازدواج مراسم زدایی شده استحکام خانواده را کم می‌کند. در گذشته هم ساز و کارهایی برای تامین مالی ازدواج وجود داشت. امروز هم باید به روش‌های مشابه فکر کرد. اما ازدواج آسان و دانشجویی قرارداد فرهنگی خانواده را به قرارداد اقتصادی تبدیل می‌کند و این سبب فروپاشی خانواده می‌شود. برنامه ریزی دولتی و دادن امکانات مثل سکه و ... فضایی را ایجاد می‌کند که با خود فکر می‌کنیم کاش همان پدرسالاری بود. در پدرسالاری هم شخص پدرسالار همه هزینه‌های ازدواج را می‌داد اما فردی که ازدواج می‌کرد احساس غرور داشت. امروز ما احساس غرور را نداریم. جوان احساس می‌کند تحقیر شده است. به همین دلیل باید راهبردهای غیردولتی

و خانواده محور و جامعه محور را با تکیه بر ظرفیتهای فرهنگی پیاده کنیم. به ازدواج به عنوان پدیده اقتصادی نگاه نکنیم. فکر نکنیم مشکل جوانان برای بی تمایلی به ازدواج فقط اقتصادی است شاید دلایل دیگری وجود دارد.^{۹۹}

➤ سیاستگذاری‌های نادرست عامل اصلی شکل‌گیری ازدواج‌های نوظهور

ما مدام شعار ازدواج و تشکیل خانواده را می‌دهیم. اما سیاستی برای تحقق این شعار وضع نمی‌کنیم. یکی از سیاستگذاری‌ها در حوزه ازدواج و افزایش آن این است که ما برای افراد شغل ایجاد کنیم. اما کدام شغل؟ مدام تشویق می‌کنیم به کارآفرینی. اما آیا دولت از کارآفرینی حمایت می‌کند؟ از طرفی قرار نیست که همه کارآفرین باشند. جامعه نیازمند شغل است و ایجاد شغل هم مستلزم آن است که چرخ صنعت بچرخد و تولید رونق بگیرد. ما تولیدی نداریم. واحدهای تولیدی ما شرایط خوبی ندارند. دولت‌ها برای ایجاد اشتغال جوانان چه کرده‌اند؟ تنها شرایطی را فراهم کرده که افراد تحصیل کنند. اما تحصیلی که منجر به اشتغال و کار نشود به چه کاری می‌آید؟

اخیراً ازدواج سفید میان جوانان در حال افزایش است. این نشان می‌دهد افراد تمایل به زندگی مشترک و در زیر یک سقف زندگی کردن دارند، اما چرا تمایلی به ازدواج ندارند؟ آیا ازدواج سفید تعهدات اقتصادی یا روانی دارد که افراد تمایلی به این تعهدات ندارند؟ تمایل داشتن به ازدواج سفید به دلیل همان علل ساختاری است که ابتدا عنوان کردم. یعنی افراد دیده‌اند در کشورهای دیگر دختران و پسران بدون ازدواج در کنار هم زندگی می‌کنند، پس در ایران هم این مسئله رواج پیدا کرده است. یعنی علل ساختاری جامعه را

۹۹ - جعفرزاده، ناصر، خادم، خداداد، گروه جامعه‌شناسی خانواده خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳

به سمت ترویج این نوع از ازدواج سوق داده است و علل غیرساختاری هم شرایط رواج بیشتر آن را فراهم کرده است. پس هم علل ساختاری و هم علل غیرساختاری در ایجاد و ترویج ازدواج سفید موثر بوده است و ما نمی‌توانیم بگوییم ازدواج سفید صرفاً برگرفته از الگوی زندگی دیگر کشورهاست یا این الگوبرداری باعث رواج این ازدواج شده است. چون درست است که علل ساختاری باعث بروز ازدواج سفید شده اما آنچه این روند را تسریع کرده، علل غیرساختاری است. از طرفی، شرایط ساختاری دست ما نیست. جامعه متحول می‌شود و ما نمی‌توانیم جلوی آن را بگیریم و مانع گذار جامعه شویم، اما می‌توانیم عوامل غیرساختاری را کنترل کنیم. می‌خواهم بگویم اگرچه عوامل ساختاری باعث ایجاد ازدواج سفید شده اما آنچه می‌تواند این روند را کند کند، شرایط غیرساختاری است. اما جالب است بدانید متاسفانه در جامعه ما به جای آنکه عوامل غیرساختاری، روند ازدواج سفید را کند کند، آن را تسریع کرده است. اگر فرد تمایلی به ازدواج ندارد، دلیل نمی‌شود که تمایلی به ازدواج سفید هم نداشته باشد. از نظر من (نویسنده) موج رفتن به دانشگاه سبب شد افراد از خانواده‌های خود دور شوند و زندگی مجردی را تجربه کنند. به موازات این تغییرات، شرایط حاکم بر دنیا هم به گونه‌ای پیش رفت که ساختار جوامع متحول شد و ازدواج‌های نوظهوری رواج یافتند. در همین زمان ما در داخل هم فکری نکردیم و استراتژی تدوین نکردیم که حداقل با کمک عوامل غیرساختاری مانع رواج چنین ازدواج‌هایی شویم. ما افق را ندیدیم و چون افق را ندیدیم هیچ استراتژی برای مقابله با آن نداشتیم. شرایط جهانی هم ما را تحت تاثیر قرار داد. حتی ما با یکسری از سیاست‌ها به این روند هم سرعت دادیم.^{۱۰۰}

۱۰۰- افشارزاده، افسر، هفته‌نامه نامه تجارت فردا، شماره ۱۷۸، تاریخ هشتم خرداد ۹۵

➤ پدیده ازدواج‌های نوین و انواع نوظهور آن

رابرت اوون^۱ طرفدار مدینه فاضله، ازدواج، دین و مالکیت خصوصی را به عنوان دشمنان یک جامعه خوب محکوم کرد. و ژرژ ساندر فرانسوی عشق آزاد را تأیید می‌کرد و وانسابل در پی جامعه‌ای بود که آزادی جنسی را برای همه فراهم کند. فمینیست‌ها معتقد بودند که ازدواج کار صحیحی نیست، زیرا زن و مرد جایگاه برابر ندارند، خانواده به تدریج از حالت یک واحد با هویت اجتماعی خاص خود خارج شده و تبدیل به رابطه‌ای گردید که بنا به میل اعضای آن تعریف می‌شود و زندگی خانوادگی آزادتر دهه‌ای را بوجود آورد که نام آن را دههٔ پریهایوی بیست گذاشتند. در آن اشکال جدید ازدواج‌ها پا به عرصهٔ وجود نهادند. این شکل مدرن خانواده‌ای است که خودشان را خواهان برخورداری از حق زندگی در شرایط مساوی خارج از خانوادهٔ هسته‌ای و سنتی که حقوق اجتماعی در گذشته بر اساس آن ایجاد شده است می‌دانند.

۱- ازدواج مرد با مرد (هم جنس بازان مرد)

مبارزه برای شهروندی هم جنس بازان مرد در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و جنبش آزادی هم جنس بازان مرد در سال ۱۹۶۹ در ایالت متحده به دنبال شورش استول وال پایه‌گذاری شد. شورشی که در آن کارکنان یک کافه همجنس بازان مرد پس از این که سال‌ها به وسیله پلیس مورد حمله قرار گرفتند به مبارزه روی آوردند. جنبش هم جنس بازان مرد بیش‌ترین تمرکز را بر روی برابر شدن حقوق مدنی دگر هم جنس خواهان و همجنس بازان مرد و زن نموده‌اند. سن تکلیف برای جنس‌ها در جاهای مختلف متفاوت است اما در اغلب کشورها تا این اواخر برای همجنس بازان مرد بالاتر بوده است. به دنبال صدور حکمی از سوی اتحادیه اروپا علیه بریتانیا در ۱۹۷۷ اکنون سن تکلیف در اغلب

کشورهای اروپا مساوی است. مبارزاتی برای قانونی نمودن ازدواج همجنس بازان مرد صورت گرفته است. زوج‌های همجنس باز مرد هنوز از حق مهاجرت، مزایای بازنشستگی و تخفیف‌های مالیاتی محروم هستند. آنها حق گرفتن بچه ندارند و فقط در کشورهای اسکاندیناوی از حق قانونی ازدواج برخوردارند.

۲- ازدواج زن با زن (همجنس بازان زن)

از لحاظ تاریخی همجنس بازان زن بیشتر از جهت نامرئی بودنشان عذاب کشیده‌اند تا از جهت سرکوب قانونی، چرا که آنها هرگز غیر قانونی نبوده‌اند، هر چند این کار بدنامی و لکه‌ننگ محسوب می‌شده است. همجنس بازان زن «ماتیک لب» مخصوصاً به سبک اخیر تصاویر همجنس بازان مرد کمک نموده‌اند. اما زنان با درآمدی کمتر از مردان نتوانسته‌اند مانند آنها «قدرت مصرفی» اعمال کنند و همجنس بازان زن حضور کمتری در مکانهای تجاری داشته‌اند. این پیدایش شیوه نوین ازدواج، بخشی از دگرگونی گسترده در فرهنگ غرب بود که ازدواج را از وضعیت مستند به انتخاب شخصی بدل کرد.

۳- ازدواج اینترنتی

با پدید آمدن محیط‌های جدید مختلط همچون دانشگاه و محل کار، گونه‌ای جدید ازدواج که وابسته به محیط‌های این چنینی است شکل گرفت. رفته رفته با ظهور پدیده‌های جدید و نوین ارتباطی مثل تلفن و اینترنت و به طور دنیای مجازی، نوع ارتباطات و دوران آشنایی به منظور ازدواج تغییر کرد که منجر به شکل‌گیری نوع جدیدی از ازدواج شد. بواسطه رشد سریع استفاده از اینترنت و وسایل ارتباط جمعی نوظهور این نوع ازدواج رواج بیشتری پیدا کرد. مفهوم ازدواج اینترنتی از دهه ۱۹۹۰ میلادی وارد ادبیات عام فناوری اطلاعات و ارتباطات شد.

مفهوم این نوع ازدواج اشاره ای دارد به طرفین آن که با استفاده از قابلیت‌های موجود در رسانه‌های چند بعدی وی یکدیگر را می‌شناسند و پس از تبادل اطلاعات متنی، صوتی و تصویری با یکدیگر زمینه برای برقراری یک آشنایی در محیطی غیر مجازی فراهم می‌آورند.^{۱۰۲}

این نوع از ازدواج برای اولین بار در فرانسه و حومه شهر پاریس مطرح گردید.^{۱۰۳} در ایران هم این نوع از ازدواج حدود یک دهه است که رواج پیدا کرده و در دنیای مجازی شاهد وبسایت‌های همسریابی متعددی هستیم. جامعه جوان ایران که در آن اکثر جوانان در سن ازدواج‌اند تلاش می‌کنند تا همه راه‌های پیدا کردن همسر را جستجو و از آن‌ها استفاده نمایند. لازمه اولیه ازدواج آشنایی است. این امر به سهولت و حتی بدون دغدغه‌ای خاص در اختیار جوانان قرار می‌گیرد. دنیای مجازی با حذف واسطه‌های میان ازدواج فرصت بیشتری را برای آشنایی با جنس مخالف در اختیار مخاطبان قرار داده است.^{۱۰۴} بررسی‌هایی که در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ در ایران انجام شد نشان داد که علت گرایش جوانان ایرانی به این نوع از ازدواج ۴۴/۹۹ درصد عوامل فرهنگی - اجتماعی و ۴/۳۳ درصد عوامل اقتصادی است.^{۱۰۵}

➤ دلایل رجوع به ازدواج اینترنتی

از آنجایی که سایت‌های متعدد همسریابی و دوست‌یابی در شبکه‌های اینترنتی وجود دارد. این امکان برای دختران و پسران وجود دارد که از میان تعداد بسیار از جوانان که در این سایت خود را معرفی کرده‌اند گزینه مورد پسند و مورد علاقه خود را بهتر و دقیق‌تر

52- Soker. 2005: 12

53- Marker & Richardson. 2000: 19

54- Starte. 2004: 20

۵۵- مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، پژوهشکده علوم انسانی، سال دوم، شماره دوم،

ص ۶۵ تا ۸۵، ۱۳۹۱

انتخاب نمایند. چرا که در صورت عدم تمایل به یکی از این افراد که برای انتخاب همسر برگزیده است، بدون دغدغه خاطر و یا اینکه دیگران در مورد انصراف او از این گزینه چه خواهند گفت، به سراغ گزینه دیگری برود.

در جوامع سنتی همچون کشور عزیز ما ایران، انتخاب همسر همیشه از طرف مرد انجام می‌گیرد. سایت‌های همسریابی این مکان را فراهم می‌کنند تا دختران نیز در انتخاب همسر آینده خود نقش داشته باشند و برخلاف دنیای واقعی و سنتی که باید چشم به در خانه بدوزند تا ببینند آیا مردی در این خانه را برای انتخاب ایشان خواهد زد وجود ندارد. بنابراین در سایت‌های همسریابی نیز دختران جوان همانند پسر ها می‌توانند با معرفی اینکه دوست دارند همسر آینده آنان چه ویژگی‌های داشته باشد، پیشنهاد ازدواج بدهند. در فضای مجازی همسریابی به جهت اینکه، دختر و پسر جوان تماس چهره به چهره ندارند، بنابراین می‌تواند با فراغ خاطر و بدون هیچ نگرانی، خواسته و عقاید خود را بیان کنند. در حالی که در مراسمات سنتی به علت حُجب و حیای طرفین امکان گفتگو های رک و پوست کنده وجود ندارد.

در رابطه‌های اینترنتی که افراد در صدد ازدواج هستند و با جستجو در فضای مجازی فرد مورد پسند خود را انتخاب می‌نمایند به جهت اینکه بین آنان مرادده اقتصادی صورت نگرفته است، کمتر تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند. در حالی که در مراسمات سنتی، پسر جوان با اهدای شاخه گل و یا هدایای دیگر به دختر جوان، این امکان فراهم خواهد شد که دختر تحت تأثیر قرار گیرد و نتواند بی‌پرده تر صحبت کند و یا خواسته‌های خود را عنوان کند.

در فضای مجازی و سایت‌های همسریابی این امکان فراهم است که پسر و دختر جوان به راحتی و بدون دغدغه خاطر عقاید و خواسته‌های خود را بدون حضور بستگان یا نزدیکان مطرح کنند. در حالی که در مراسمات سنتی عده‌ای از خانواده‌ها به جهت پابندی شدید به مسایل اعتقادی و دینی از ارتباط دختر و پسر برای مدتی که آنان بتوانند بهتر یکدیگر را

بشناسند و عقاید و خواسته های خود را به دیگری ابراز دارند مخالفت خواهند کرد، لذا محدودیت شدیدی برای دختر و پسر جوان ایجاد خواهد شد.

دختران و پسرانی که با گذشت زمان به سنین بالاتر پا گذاشته اند و به هر دلیلی امکان ازدواج برایشان فراهم نشد، چنانچه در صدد انتخاب همسر باشند در دنیای واقعی برای انتخاب همسر آینده خود دچار محدودیتی بیشتر هستند چرا که افراد همسن سال آنان کمتر پیدا خواهند شد، و دایره انتخاب آنان محدود تر است و از طرفی به جهت بالاتر بودن سن، گزینه های کمتری برای انتخاب افراد وجود خواهد داشت. در حالی که در فضای مجازی محدودیتی برای انتخاب وجود ندارد، هر فردی با هر سنی امکان جستجو برایش فراهم است.

در فضای مجازی این امکان برای افراد کم رو و خجالتی به خصوص دختران وجود دارد که به واسطه عدم چهره به چهره با فرد مقابل خود، حرف ها و خواسته های خود را به راحتی بیان کنند در حالی که در دنیای واقعی و مراسمات سنتی افراد کم رو و خجالتی فضای آزادی برای خود نمی بینند.

➤ مشکلات ناشی از انتخاب همسر از طریق سایت های اینترنتی و همسریابی

از آنجایی که سایت های همسریابی یک فضای مجازی است و با دنیای واقعی که پیرو سنت و مراسمات مختلف می باشد و یک فضای عینی است، بسیار متفاوت است. اهداف مخاطبین اینگونه سایت ها مشخص نیست که آیا با نیت خیر خواهانه به دنبال همسر آینده خود می گردند و یا به دنبال اهداف غیر اخلاقی خود هستند.

به جهت اینکه در انتخاب همسر از طریق سایت های همسریابی تنها دختر و پسر و یا زن و مرد در ارتباطند و سایرین و بستگان آنان نقشی در این آشنایی ندارند. بنابراین راهنما و مشاوره ای برای انتخاب همسر از طریق سایت های همسریابی وجود ندارد و طرفین به جهت عدم نظارت و راهنمایی دیگران امکان دارد در آینده و با آغاز زندگی مشترک دچار مشکل شوند.

یکی از مشکلاتی که در سایت‌های همسر یابی و یا دوست یابی می‌توان مشاهده کرد. این است که: مخاطبین اینگونه سایت‌ها شخصیت واقعی خود را به دیگران معرفی نمی‌کنند. به طور مثال: بسیاری از مردها خود را به جای یک دختر یا زن معرفی می‌کنند و یا بالعکس بسیاری از زنان یا دختران خود را به جای یک مرد معرفی می‌کنند و از حسن نیت مخاطبین خود سوء استفاده می‌کنند. و به تبع این نوع مشکلات نه تنها افراد نمی‌توانند در این گونه سایت‌ها، همسر مورد علاقه خود را بیابند بلکه دچار یاس و سردرگمی و به هدر رفتن قسمتی از وقت روزانه خود نیز می‌شوند.

بسیاری از افرادی که در اینگونه سایت‌ها به دنبال انتخاب و پیدا کردن دوست هستند و نیت آنان ازدواج نمی‌باشد. اما بعد از مدتی از آشنایی آنان، به واسطه علاقه مضاعفی که بین آنان صورت گرفت درصدد ازدواج بر می‌آیند که این یک عمل ناخواسته و بی‌هدف می‌باشد.

اگر چه فضای مجازی امکان انتخاب همسر را برای بسیار از جوانان فراهم می‌کند ولی تعداد کثیر از افراد در اینگونه سایت‌های به دنبال اخاذی و سوء استفاده از مخاطبین خود هستند. و با ترفندها و وعده‌های فریبنده و جوهی را از طریق سایت از این افرادی که وعده ازدواج به آنان داده اند دریافت می‌کنند.

۴- ازدواج اجاره‌ای

ازدواج استیجاری پدیده اجتماعی نوظهوری است که با گسترش در میان قشرهای مختلف جامعه، می‌تواند سبب تغییر در ساختار و کارکردهای خانواده شود. در این نوع ازدواج که زیر مجموعه‌ای از ازدواج موقت است، مردان که دارای تمکن مالی برای همسران دوم خود خانه‌ای مستقل اجاره می‌کنند. اگرچه ازدواج موقت در گذشته امری متداول بوده است اما نسل کنونی با نسل‌های پیشین تفاوت‌های زیادی دارد. با تغییر و تحولی که در نحوه نگرش افراد به وجود آمده است می‌توان گفت که ازدواج استیجاری صدمه‌های زیان‌باری به کانون خانواده وارد خواهد

کرد. با پیدایش این گونه از ازدواج میزان طلاق افزایش خواهد یافت و این خود بر بنیاد خانواده، تربیت و آینده فرزندان تاثیرگذار است. امروزه ملاک انتخاب همسر تغییر یافته است. در گذشته انتخاب همسر بر عهده خانواده بود در حالی که اکنون دامنه این انتخاب به محل تحصیل، محل کار، خیابان، اینترنت و کافی شاپ‌ها کشیده شده است. شرایط فرهنگی و مذهبی از یک طرف و نابسامانی‌های اقتصادی-اجتماعی از طرف دیگر موجب شده است، زمانی که امکانات لازم برای ازدواج دائم فراهم نیست، مردم جامعه به ازدواج موقت روی آورند.

تغییر معیارهای ازدواج در جوانان نیز گرایش به ازدواج استیجاری را افزایش داده است، به گونه ای که دختران معیارهای خود را از اخلاق، اصالت خانواده و ایمان به ثروت، خوش تیپ بودن و درآمد تغییر داده اند و در پسران نیز زیبایی، ثروت، درآمد، تحصیلات و نوع شغل، معیاری بسیار مهم تر از مواردی چون اصالت و ایمان شده است. این ازدواج تنها برای عقد زن دوم نیست بلکه برای نامزدی یا محرم شدن پیش از ازدواج نیز مرسوم بوده است.^{۱۰۶}

۵- ازدواج سفید

ازدواج سفید^{۱۰۷} نوعی همخانه شدن زن و مرد است بدون اینکه با همدیگر ازدواج رسمی کرده باشند. در ازدواج سفید صیغه عقد جاری نمی شود و شرعا جایز نیست. منظور از ازدواج سفید زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج رسمی است. یعنی به گونه ای که زن و مرد بدون اینکه خطبه عقد یا صیغه بینشان جاری شود برای زندگی زیر یک سقف می‌روند. هم‌خانگی بدون ازدواج یا ازدواج سفید پدیده‌ای است که دختر و پسر به عنوان

۱۰۶ - باهر، حسین، پایگاه خبری تحلیلی ایرنا، ۱۳۹۲

Cohabitation - ۱۰۷

هم‌خانه با یکدیگر زندگی می‌کنند، بی آنکه میان آن‌ها پیوند رسمی ازدواج و رابطه زن و شوهری باشد. این روزها هشدارهایی در خصوص رواج مخفیانه ازدواج سفید در کشورمان می‌شنویم. اتفاقی که نه از نظر سنت و نه از نظر شرع برای خانواده‌های اصیل ایرانی پذیرفتنی نیست. در دنیای غرب، با توجه به تغییر سبک زندگی و در کنار آن، افزایش فشارهای اقتصادی، به طور کلی میل به ازدواج شرعی و رسمی کاهش یافته و روابط، بیشتر بر پایه ارضای غرایز و آزمایش گونه شکل می‌گیرد. «ازدواج سفید» راهی برای فرار از مسئولیت است. یکی از بزرگترین علت‌هایی که خانواده‌ها به «ازدواج سفید» تن در می‌دهند به این خاطر است که از بار مسئولیت خود کم کنند: «در «ازدواج سفید» به خاطر اینکه هیچ کجا سندی مبنی بر زن و شوهری ثبت نشده است به همین خاطر خیلی راحت این دختر و پسر می‌توانند رابطه خود را پایان بدهند بدون اینکه اتفاقی افتاده و کسی از کسی انتظار و توقعی داشته باشد به همین خاطر در این دوره و زمانه چه چیزی بهتر از این اتفاق؟» در این نوع کشورها این نوع ازدواج نوعی قدرت به زن داده می‌شود. دلیل اصلی ظهور پدیده ازدواج سفید نبود مسئولیت‌پذیری حداقل در یک طرف از رابطه است و در چنین روابطی افراد مسئولیت عملکرد خود را برعهده نمی‌گیرند. چنین عاملی می‌تواند در تداوم زندگی مشترک تاثیر بسیار زیادی داشته باشد این در حالی است که اکنون فضای ازدواج مناسب نیست و افراد به علت مشکلاتی مانند مسائل اقتصادی تمایل به ازدواج و رفتن زیر یک سقف را ندارند. عواملی همچون تهاجم فرهنگی، کمرنگ شدن باورهای مذهبی و اخلاقی، ضعیف شدن پیوندهای خانوادگی، سنت‌های غلط ازدواج، هزینه‌های کمرشکن اقتصادی، تنوع طلبی جوانان، قوانین و شرایط دشوار و زائد عقد و طلاق باعث شده برخی از جوانان به این سمت گرایش پیدا

کنند.^{۱۰۸} آمارها نشان می‌دهد امروزه، زندگی بدون ازدواج یکی از شیوه‌های رایج زندگی در غرب است. بیش از دوسوم زوج‌های آمریکایی پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج با یکدیگر زیر یک سقف می‌گذرانند. در سال ۱۹۹۴، حدود ۷/۳ میلیون زوج آمریکایی بدون ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کردند و نزدیک به اواخر دهه ۱۹۹۰، حداقل ۵۰ تا ۶۰ درصد زوجها حداقل پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج با یکدیگر می‌گذراندند. این در حالی است که تا پیش از ۱۹۷۰، زندگی بدون ازدواج در ایالات متحده غیرقانونی بود. طبق آمار آمریکا، تعداد زوج‌های ازدواج‌نکرده‌ای که با یکدیگر زندگی کرده‌اند، از ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ ده برابر شده و اکنون، زندگی بدون ازدواج، به مرحله‌ای عادی در روند آشنایی دو فرد تبدیل شده‌است.^{۱۰۹}

➤ علل گرایش به ازدواج سفید یا همباشی

با گسترش شهرنشینی و توسعه تکنولوژی، از انسجام و همگرایی افراد جامعه کاسته و بر فردگرایی و واگرایی افراد جامعه افزوده شده است. این موضوع موجب شده است افراد در جوامع بزرگ و شهری بر نیازها و خواسته فردی خود بیشتر از خواسته‌ها و نیازهای جمعی دیگران توجه داشته باشند. یکی از معضلات در جوامع شهری گسترش ازدواج‌های سفید است، که دختران و پسران جوان بدون توجه به قوانین ازدواج، عرف و مذهب و بدون آنکه توجه داشته باشند که بستگانشان در رابطه به اقدام آنان مبنی بر ازدواج سفید چه تصور و انتقادی دارند. تصمیم می‌گیرند با یکدیگر در زیر یک سقف زندگی کنند و از این طریق نیازهای جنسی و عاطفی خود را مرتفع کنند.

یکی از دلایل گرایش جوانان به ازدواج سفید، عدم مسئولیت‌پذیری آنان می‌باشد. چرا که در دنیای کنونی به خصوص در خانواده‌های طبقه متوسط و طبقه مرفه از دوران کودکی امکانات رفاهی متعددی برای فرزندان خود فراهم می‌کنند به همین دلیل حس مسئولیت‌پذیری در وجود آنان رشد نخواهد کرد چون این‌گونه فرزندان هیچ تلاش و کوششی برای رسیدن به خواسته‌های خود نمی‌کنند و هیچ دلوپاسی برای آینده خود ندارند. لذا زمانی که سن آنان به مرحله ازدواج می‌رسد باز هم برای فرار از مسئولیت‌زدگی و نگهداری فرزند و خانواده تن به راحت‌ترین شکل زندگی می‌دهند و آن هم ازدواج از نوع همباشی و سفید است.

در جهان حاضر شرایط تحصیل و اشتغال برای زنان و مردان فراهم می‌باشد، و از طرفی به واسطه وجود شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی زمینه برای ارتباط دختران و پسران نسبت به گذشته بسیار سهل و آسان‌تر است، و بیشتر جوانان دختر و پسر به واسطه اشتراک در برخی از موضوعات و مشکلاتی که دارند با یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند تا بتوانند بخشی از مشکلات و آلام خود را فراموش کنند و بعد از گذشت مدتی تصمیم به ازدواج می‌نمایند، اما با وجود سنتهای دست‌پاگیر و بحث‌های مالی و اقتصادی در ازدواج رسمی، با یکدیگر به توافق می‌رسند که بدون ازدواج رسمی و ثبت شده با هم در زیر یک سقف زندگی نمایند. و در حقیقت به یک ازدواج سفید تن می‌دهند.

نیاز جنسی و برطرف شدن نیازهای عاطفی از دیگر نیازهای بدن لازم و ضروری است که مرتفع شود اما با وجود مشکلات متعددی که در ازدواج‌های رسمی است، همانند تهیه جهیزیه، اجاره مسکن، تامین هزینه‌های سنگین عروسی، جوانان به راحتی تن به ازدواج نمی‌دهند، لذا از یک سوی فرار از سنتهای سفت و سخت ازدواج، و مسائل مالی آن و از سوی دیگر برای رفع نیازهای جنسی و عاطفی خود و به واسطه روابط نزدیک و آسانی که میان دختران و پسران در دنیای کنونی وجود دارد، تمایل دارند با ازدواج سفید یا با همباشی، مشکلات فوق‌الذکر را به گونه‌ای دور بزنند.

➤ مشکلات ناشی از ازدواج سفید یا همباشی

اگر چه امروزه شاهد ازدواج از نوع سفید آن یا همباشی در شهرهای بزرگ جهان از جمله در شهر تهران هستیم، اما این مسئله تبعات و صدمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را برای افراد، جامعه و حکومت به همراه دارد.

از آنجایی که مردمان جامعه ایرانی پایبند به مسائل اعتقادی، مذهبی هستند. دختران و پسرانی که مدتی به بهانه ازدواج در زیر یک سقف زندگی می‌کنند تا بیشتر با یکدیگر آشنا شوند، در صورتی که به تفاهم نرسند و یا از کنار هم بودن لذت نبرند، پس از جدایی شرایط ازدواج رسمی برایشان چندان فراهم نخواهد بود. چرا که افراد تمایل ندارند با فردی ازدواج کنند که قبلاً به صورت توافقی و بدون هیچ رسمیت قانونی و عرفی با فرد دیگری در زیر یک سقف زندگی کرده است.

دختران و پسرانی که تصمیم می‌گیرند به صورت توافقی و از روی تمایلی که نسبت به یکدیگر دارند با هم زندگی کنند، چنانچه میان آنها اختلاف و یا نزاعی ایجاد شود، نمی‌توانند به هیچ یک از مراکز قضایی و یا رسمی مراجعه کنند تا از حق و حقوق خود دفاع کنند. چرا که ازدواج آنان مورد قبول عرف و قانون کشور ما نمی‌باشد، لذا دچار بحران روحی و یا سر خوردگی می‌شوند و در نهایت با تضييع حق شان، از یکدیگر جدا می‌شوند.

فرزندانی که از حاصل ازدواج نوع سفید در این خانواده‌ها می‌باشند، مورد پسند افراد جامعه نمی‌باشند. چرا که در شریعت آنان فرزندانی که بدون جاری شدن صیغه عقد میان پدر و مادرشان به دنیا می‌آیند، وجه شرعی و قانونی ندارد. و پس از مدتی که فرزندان این خانواده‌ها بزرگ می‌شوند پس از ورود به جامعه همانند مدرسه یا محله چنانچه هویت آنان آشکار شود، آنان نیز دچار مسائل روحی و روانی می‌شوند و دیگر در اجتماع حضور پیدا نمی‌کنند. و منزوی می‌شوند.

انگیزه و تمایل برخی از افرادی که تن به ازدواج سفید می‌دهند این است که مسئولیتهایی که در ازدواج‌های رسمی وجود دارد، همانند فرزند آوری و نگهداری و تربیت آن دوری

کنند، لذا این موضوع موجب کاهش نسل در جامعه می‌شود و در نهایت کشور دچار فقدان نیروهای فعال برای کار و چرخه اقتصاد می‌شود. میزان جدایی در ازدواج‌های سفید بیشتر از ازدواج‌های رسمی و قانونی می‌باشد. چون تعهدی که در ازدواج‌های رسمی و قانونی میان زن و مردی وجود دارد بیشتر از زن و مردی است که ازدواج از نوع سفید داشته‌اند. لذا پس از جدایی از یکدیگر شرایط ازدواج رسمی برایشان کمتر مهیا است. بنابراین چاره‌ای جز تن دادن به ازدواج از نوع سفید که همان ازدواج توافقی بدون جاری شدن صیغه عقد و محرومیت است نخواهند داشت و این مسئله امکان هرزگری را برای هر یک از زن و مرد را فراهم خواهد کرد. به جهت اینکه ازدواج سفید مورد قبول مذهب، عرف و قانون جامعه اسلامی ایران نمی‌باشد. زنان و مردانی که با همباشی و ازدواج سفید در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، نمی‌توانند روابط اجتماعی قوی و محکمی با دیگر دوستان، خویشاوندان و بستگان خود داشته باشند، چون می‌دانند عمل آنها مورد پسند و رضایت خانواده و بستگان آنها نخواهد بود و این موضوع موجب خواهد شد که آنها خود را از دوستان و بستگان خویش دور سازند و چون با اجتماع کمتر ارتباط دارند، به ناچار منزوی خواهند شد.

۶- ازدواج‌های رنگین کمانی

امروزه شیوه‌های نوین ازدواج یکی پس از دیگری نمایان می‌شود، همه دست به هر کاری می‌زنند تا جوانان تمایل بیشتری برای ازدواج کردن داشته باشند. از ازدواج سنتی تا ازدواج سفید شاهد داستان‌ها و حرف و حدیث‌های زیادی بودیم، هنوز هویت ازدواج سفید در ذهن‌ها هضم نشده بود که ازدواج رنگ دیگری به خود گرفت؛ گویا رقابت رنگ‌ها در امر ازدواج هر روز بیشتر می‌شود و در آینده نه چندان دور شاهد پیشنهادات رنگین کمانی ازدواج خواهیم بود.



این روزها پیشنهاد جدیدی از سوی وزارت ورزش و جوانان به مناسبت هفته ازدواج به محیط زیست داده شده است. «پیشنهادی به نام ازدواج سبز».



اگر اصول اولیه ازدواج به خوبی رعایت شود و فراگیر باشد این پیشنهاد خوبی است اما در جایی که جوانان با بسیاری از موارد برای تشکیل زندگی درگیر هستند شاید از این

طرح استقبال چندانی نشود: ۱۱

۷- ازدواج با حیوانات

با تغییر خانواده‌های با جمعیت به خانواده‌های هسته‌ای، دیگر خانواده‌ها علاقه یا توان برای نگهداری بیش از یک فرزند ندارند و برای پر کردن تنهایی فرزند خود و با توجه به افزایش روحیه فرزندسالاری، ترجیح می‌دهند یک هم‌بازی از جنس حیوان خانگی برای او بیاورند. کودکان و نوجوانانی که عمده وقت خود را صرف بازی‌های کامپیوتری و کارتون‌های غربی می‌کنند که در آنها داشتن یک حیوان خانگی موضوعی عادی بوده و به نوعی به فرهنگ تبدیل شده، و با توجه به الگوگیری آنها از این کارتون، بازی و فیلم‌ها، می‌توانند پدر و مادر خود را که برای تامین نیازها و خواسته‌های زندگی ساعت‌ها در بیرون از خانه مشغول هستند برای خرید حیوان خانگی متقاعد کنند. برخی از افراد نیز بخاطر شکست‌های عاطفی ناشی از خیانت، طلاق، مرگ عزیزان و تنهایی به نگهداری حیوانات روی می‌آورند تا آرام ناشی از خلاءهای عاطفی را جبران نمایند.



ازدواج با حیوانات آنقدر در آمریکا و فرانسه و برخی کشورهای اروپایی و آفریقایی آنقدر رو به افزایش است که باعث شده برخی همجنس‌بازان برای منتشر کردن انحطاط‌های اخلاقی شان به دنیا به ازدواج با حیوانات روی آورند! برخی از آن‌ها در افکار پلید و ضد انسانی شان می‌گویند که ازدواج با حیوانات امری طبیعی است و نباید آن را به یک مسئله ضد انسانی مرتبط کرد!

به‌طور معمول جوانان غربی دیر ازدواج می‌کنند و در طول زندگی خود سه یا چهار بار ازدواج و طلاق دارند. وقتی هرزگی و روابط جنسی آزاد در یک جامعه شیوع پیدا کرد، دیگر کسی حاضر نیست تقیدات سخت یا هزینه‌های تشکیل خانواده را بپذیرد و از اینرو شاهد آمار رشد منفی جمعیت در کشورهای اروپایی همچون اسپانیا و فرانسه هستیم.

با بررسی آسیب‌شناسی خانواده در جهان غرب، آشکار می‌شود که در دوران شکوفایی دانش، تکنولوژی و صنعت، کانون گرم خانواده کم‌تر مورد توجه قرار گرفته و ضربات شکننده‌ای را به جامعه بشری وارد نموده است که این روزها کشورهای پایه‌گذار غرب با این مسائل دست و پنجه نرم می‌کنند و این افکار که مردمانشان درگیر آن هستند را به کشورهای زیر سلطه شان هم‌القاء می‌کنند و در صدد هستند تا مردم دیگر کشورها را نیز از فرهنگ‌های اصیل دور کنند. امروزه ساختار خانواده در جوامع غربی، نه تنها با مشکلات متعددی دست به‌گریبان است بلکه به شکل‌های جدیدی رو می‌آورد؛ در سال‌های اخیر شاهد ازدواج همجنس‌گرایان و تشکیل خانواده‌های همجنس‌بودیم و یا خانواده‌های تک‌والدینی به شدت در جوامع غربی رواج یافت، اما هم‌اکنون شاهد پدیده‌های جدیدی در تشکیل خانواده هستیم. بر اثر ازدواج‌های ناموفق در غرب

بیشترین افراد بنا بر گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری به سمت همجنس‌بازی و ازدواج با حیوانات روی می‌آورند.^{۱۱۱}

۸- ازدواج پنجشنبه در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

بیشتر مشتریان این نوع ازدواج‌ها گردشگران عرب کشورهای حوزه خلیج فارس هستند که برای گذراندن تعطیلات خود، در فصل تابستان به کشور سرسبز یمن می‌روند. این نوع ازدواج طی یک دهه اخیر در کشورهای عربی رواج یافته و از برخی جهات شبیه به ازدواج موقت است. ازدواج نوع میسار را بیشتر دانشجویان انجام می‌دهند. ازدواج عرفی نیز مانند آن است. ازدواج المصیاف بیشتر در تابستان که فصل گردشگری است، صورت می‌گیرد. بنا به گزارش روزنامه عربستانی «الیوم» و شبکه خبری «العربیه» حدود یک دهه است که نوع ازدواج در این کشورها رواج یافته است. و حتی تبدیل به یک جاذبه گردشگری شده است.^{۱۱۲} البته این ادعاها توسط مقامات رسمی کشورها رد شده است.

۹- خود ازدواجی (سولوگامی)^{۱۱۳}

طبق نظر روانشناسان اجتماعی، تا چند سال پیش تنهایی یکی از بزرگترین دغدغه‌های انسان بود که آسیب‌های روحی و روانی فراوانی را به همراه داشت که مطلوب‌ترین راه حل آن ازدواج بود، ولی بشر امروزی تنهایی را برای خود به پدیده‌ای تحت عنوان "سولوگامی" که از نظرش مهم و مقدس است تبدیل کرده و شاهد آن هستیم که جوانان با تقویت خواسته و یا ناخواسته‌ی اختلالات روانی خود در مقوله "ازدواج با خود" به آتش این معضل دامن زده و با اندیشیدن به این نوع ازدواج پا به عرصه‌ای می‌گذارند که انتهای آن مسیر جز سرنوشت نارسیس در انتظارشان نیست.

۱۱۱- www.mazandpress.ir

۱۱۲- پایگاه خبری تحلیلی تسنیم، ۱۳۸۶

SOLOGAMY - ۱۱۳

اندیشه لیبرالی «انتخاب» در فرآیند حداکثری شدن و ضدیت لیبرالیسم با سنت‌های عقلانی و مذهبی منجر به تولد رویدادهایی عجیب، غیر عقلانی و ناسازگار با فطرت انسانی شده است به طوری که تنهایی را که همواره یکی از بزرگترین رنج‌های بشر بوده است به صورت امری مقدس درآورده و برای آن جشن برگزار می‌کنند. در این میان باید توجه داشت که متاسفانه، فرهنگ غربی با شدتی بیش از پیش و غیرقابل کنترل در حال نفوذ به کشور ما بوده و اگر از حالا تدابیری برای مقابله و مبارزه با ورود چنین تفکراتی اندیشیده نشود، بی تردید به زودی شاهد سونامی هولناکی از ازدواج با خود خواهیم بود که ضربات سهمگینی بر پیکره‌ی جامعه و بنیان خانواده وارد خواهد نمود.

ناتوانی اندیشه لیبرالی از هدایت سعادت‌مندان بشر و شکست در نوآوری سازگار با فطرت منجر به خلق آدابی روان‌پزشانه گشته که بسیاری در خود غرب تنها توجیه وجود چنین پدیده‌هایی را بیماری‌های روانی می‌دانند. بیماری خودشیفتگی انسان لیبرال هر روز نمودی تازه می‌یابد که تنها یک نمونه آن سولوگامی است. مسیری که سرنوشتی بهتر از نارسیس نخواهد داشت.

در دهه‌های اخیر نرخ ازدواج در غرب به نسبت قابل توجهی کاهش یافته است و فقط نیمی از بزرگ‌سالان آمریکا ازدواج کرده‌اند. در سال ۱۹۶۰، ۷۲ درصد بزرگ‌سالان ۱۸ سال به بالا ازدواج کرده بودند، در حالی که امروزه تنها ۵۱ درصد افراد این گروه سنی ازدواج کرده‌اند. سن متوسط ازدواج برای زنان به ۵/۲۶ و برای مردان به ۲۸/۷ رسیده است. آمارهای اتحادیه اروپا نیز نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۵، تعداد زنان متأهل ۳۰ تا ۴۰ ساله در بیشتر کشورها (به جز چین و هند) به شدت در حال کاهش است. با این حال در طول قرن‌ها همواره یک الگوی ثابت برای ازدواج در همه جای دنیا وجود داشته اما امروزه الگوهای جدید و بعضاً عجیبی از زندگی در غرب رواج یافته است. سولوگامی یکی از

الگوهای جدیدی است که در آن فرد با خود ازدواج می‌کند. این روند در حال رشد، بیشتر در کشورهای ژاپن، استرالیا، تایوان، انگلیس و ایالات متحده مشاهده شده است. لیندا بیکر نخستین فردی بود که در سال ۱۹۹۳ به «ازدواج با خود» دست زد. همچنین بورديو از جمله اولین زنانی است که بعد از طلاق در سن سی سالگی، ازدواج با خود را انتخاب کرد. وی اظهار کرد که این کار او را به رویایی رسانده که در ازدواج اول خود به آن دست نیافته بوده است. بورديو به مخالفت‌هایی که نزدیکان او با این کار داشته‌اند اشاره کرده و در پاسخ به آنان گفته است:

«مجبور نیستید به مراسم ازدواجم بیایید!»

در دهه ۱۹۹۰ ازدواج با خود روندی آرام و کاملاً حاشیه‌ای بود و تنها عده معدودی از زنان غربی با این پدیده آشنا بودند. اما در دهه بعدی این پدیده به وسیله یک سریال تلویزیونی در سال ۲۰۰۳، به جامعه معرفی شد. شخصیت اصلی داستان در مورد ازدواج با خود فکر می‌کرد. کری برادشاو بعد از اعتراض به این که دوستان متأهل او هرگز برای تصمیم او برای مجرد ماندن جشن نگرفته‌اند، ایده ازدواج با خود را به‌طور مستقیم مطرح کرد.

«لاش» در این کتاب به توصیف روند روزافزون خودشیفتگی در جامعه آمریکا می‌پردازد. واژه "خودشیفتگی" از نام یک اسطوره یونانی به نام نارسیس گرفته شده است. او یک مرد جوان، زیبا و خوش تیپ بود که تمام دختران عاشق او می‌شدند. اما نارسیس بر اساس احساساتی ویژه تنها خودش را جذاب می‌دانست و به دخترانی که عاشق او بودند توجه نمی‌کرد. سرانجام یک روز در حالی که در جنگل قدم می‌زد، برای نوشیدن آب از برکه‌ای توقف کرد. در این هنگام با دیدن تصویر خود در برکه، به گونه‌ای محو تما شای

چهره خود شد که در برکه افتاد و غرق شد. در عصر حاضر عنصر اصلی جامعه، که ما را در زمان سختی‌ها و مشکلات حفظ کرده، در حال نابودی است. در طول قرن‌ها خانواده جامعه انسانی را از اضمحلال حفظ کرده است. لاش خانواده را به عنوان «پناهگاهی در دنیای بی‌عاطفه» توصیف کرده است.

در موردی دیگر در سریال دکتر هو در قسمت عصر فرشتگان، شخصیت اصلی سریال (دکتر) معتقد است کلیسا مخالف ازدواج با خود است و ازدواج سنتی را به یک مسابقه دو جانبه به نام آپلانز تشبیه می‌کند.

در دهه ۲۰۰۰ میلادی علاوه بر فیلم‌هایی که به معرفی این مسئله پرداختند، برخی نشریات نیز اقدام به ترویج سولوگامی به عنوان یک ایده جدید برای زندگی نمودند. همچنین این ایده در کتابی با نام "یک مانیفست برای عاشقانه‌های انعطاف‌ناپذیر" از ساشا کاگن نیز به صورت مبسوط معرفی شد. کاگن با این کتاب یکی از اولین معرف‌های سولوگامی بود. به تدریج و بعد از گذشت دو دهه از ابداع چنین روشی برای زندگی، این موضوع تا حد زیادی در برخی جوامع مدرن فراگیر شده است که حتی سازمان‌های دولتی نیز بدان توجه نموده‌اند. در همین راستا "افق‌های سیاست کانادا" (یک سازمان دولتی که مسئول تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های عمومی این کشور است)، به این موضوع توجه کرد و درباره آن نوشت:

«تا زمانی که افراد بیشتری زندگی مجردی را انتخاب می‌کنند، مهمانی‌ها و مراسمات مذهبی بیشتری برای مشروعیت بخشیدن به این انتخاب پدیدار خواهد شد. در کشورهای صنعتی تعداد بی‌سابقه‌ای از زنان سی ساله و بالاتر زندگی می‌کنند که با انتخاب الگوی ازدواج با خود، شورشی نمادین را علیه رویکرد قدیمی جامعه برای فشار به زنان مجرد و وادار کردن آنان به ازدواج شکل داده‌اند.»

ازدواج باخود در دید کارشناسان و افراد مختلف دارای یک وجه مشترک است، «خود شیفتگی» محور اصلی این پدیده است. در همین راستا کریستوفر لاش، نویسنده و منتقد فرهنگی در کتاب پرفروش خود با عنوان "فرهنگ خودشیفتگی" که بر اساس مقاله کلاسیک زیگموند فروید با نام «در مورد خودشیفتگی» نوشته شده، ازدواج با خود را یک پیامد منطقی از خودشیفتگی دانسته است. خودشیفتگی به عنوان احساس خودبزرگ‌بینی و عشق بیش از حد به خود تعریف شده است.

در عصر حاضر عنصر اصلی جامعه، که ما را در زمان سختی‌ها و مشکلات حفظ کرده، در حال نابودی است. در طول قرن‌ها خانواده جامعه انسانی را از اضمحلال حفظ کرده است. لاش خانواده را به عنوان «پناهگاهی در دنیای بی‌عاطفه» توصیف کرده است. در همین راستا این تاریخدان و منتقد اجتماعی توضیح می‌دهد: «بهترین امید بلوغ عاطفی در شناخت نیازها، وابستگی به افرادی است که از ما جدا هستند. این یعنی دیگران نه به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به خواسته‌های ما، بلکه به عنوان موجودات مستقلی با خواسته‌های مخصوص خود تعریف می‌شوند. به طور عام، این موضوع به پذیرش محدودیت‌ها از طرف ما بستگی دارد. این دنیا فقط برای ارضای نیازهای ما به وجود نیامده، بلکه دنیایی است که ما می‌توانیم لذت و معنا را پیدا کنیم و دریابیم دیگران نیز حقی برای چیزهای خوب دارند. روانکاوی تصدیق کرده است که تنها راه دستیابی به شادی پذیرش محدودیت‌هایی است که حقیقت آن در روح تسلیم و شکرگزاری است.

- ربکا تریسر، یکی از مدافعان سولوگامی

ربکا تریسر، نویسنده کتاب «تمام خانم‌های مجرد، زنان مجرد و ظهور یک ملت مستقل» با جانبداری از این ایده گفته است:

در نسل‌های پیاپی، فشار اجتماعی و اقتصادی زیادی روی زنان وجود داشت که آنان را مجبور می‌کرد برای ثبات زندگی خود، به ازدواج دست بزنند. شخصا به عنوان کسی که

برای سال‌های طولانی زندگی متأهلی داشته‌ام، می‌دانم نوعی تأکید بر ازدواج وجود دارد که بسیار ناعادلانه است. فرهنگی برای تداوم ازدواج شکل گرفته است که آن را هیجان‌انگیزترین اتفاقی معرفی می‌کند که در زندگی هر کس رخ می‌دهد. با این حال اگر با خودتان ازدواج کنید، می‌توانید بگویید زندگی من همان لذتی را دارد که افراد متأهل تجربه می‌کنند.^{۱۱۴}

۱۰- ازدواج اقماری

امروزه ازدواج اقماری است که زن و مرد در اثر جاذبه ای جنسی و دوستی خصوصی به آن تن می‌دهند. و این زندگی با هم تا زمانی که لذت بخش است وجود دارد و این همزیستی خارج از چهارچوب ازدواج به سرعت جای ازدواج را می‌گیرد. در آمریکا نیمی از مردم زندگی مشترک بدون ازدواج را دارند. در سوئد این نوع زندگی به صورت یک هنجار اجتماعی در آمده و تقریباً یک سوم زنان و مردان بدون این که با هم ازدواج کنند با هم زندگی می‌کنند. و یک پنجم کودکان آمریکایی در چنین خانواده‌هایی زندگی می‌کنند و تا سن بلوغ با آنها به سر می‌برند.^{۱۱۵}

۱۱۴ - <https://www.mashreghnews.ir>

۱۱۵- سیر تحولات خانواده، www.bsharat.com/id/14zan/farhangi-ejtemai/02.html

* جمع‌بندی

در این بخش به برخی آمار و اطلاعات در مورد برخی پدیده‌های نوظهور مثل خانوارهای تک نفره، دلایل عدم تمایل به ازدواج رسمی و آمارهای موجود در رابطه با ازدواج سفید در ایران اشاره می‌کنیم.

* پدیده‌های نوظهور در خانواده ایرانی (افزایش خانوارهای تک نفره)*

مدیرکل اطلاعات، آمار و مهاجرت سازمان ثبت احوال، از بروز تغییر و پدیده‌های نوظهور در خانواده معاصر ایرانی خبر داد و گفت: روند تشکیل خانواده‌های تک نفره و زوجی نسبت به گذشته افزایش داشته است. علی‌اکبر محزون در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری مهر، در مورد آمار ۶ ماهه ازدواج در سال ۹۴ که نشان دهنده افزایش ۲,۷ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل بوده است، گفت: از سال ۹۰ تا ۹۳ با کاهش آمار ازدواج در کشور مواجه بودیم؛ بطوریکه در سال گذشته ۷۲۴ هزار و ۳۲۴ ازدواج ثبت شد که نسبت به سال قبل ۶,۵ درصد کاهش داشته است. وی افزود: روند کاهش ازدواج طی چند سال گذشته ادامه داشت تا اینکه در ۶ ماهه اول امسال بعد از مدتی رکود، برای اولین بار یک افزایش نسبی در آمار ازدواج با ثبت ۳۶۸ هزار و ۲۰۵ واقعه صورت گرفته که از این تعداد ۳۰۳ هزار و ۶۷۵ ازدواج در مناطق شهری و ۶۴ هزار و ۵۳۰ ازدواج نیز در روستاها ثبت شده است. به گفته وی، رشد مثبت ازدواج در ماه‌های ابتدایی سال به دلایل مختلفی صورت گرفته و تضمینی برای رشد مثبت آمار ازدواج تا پایان سال وجود ندارد. مدیرکل اطلاعات، آمار و مهاجرت سازمان ثبت احوال تاکید کرد: آمارهای سازمان ثبت احوال و همچنین جدیدترین سرشماری مرکز آمار نشان می‌دهد که تحولی در نوع خانواده و ساختار جمعیت ایجاد شده؛ به طوری که مشخص

شد ۶۱ درصد خانواده‌ها به صورت هسته‌ای (زن، شوهر و فرزند)، ۱۴٫۶ درصد زوجی (فقط زن و شوهر) و ۳٫۸۴ درصد نیز بصورت خانواده گسترده (چند نسل با هم) زندگی می‌کنند. محزون با اشاره به اینکه در سال‌های اخیر خانواده‌های زوجی، افزایش و خانواده‌های گسترده، کاهش داشته است، گفت: در چند دهه گذشته آمار خانواده‌های گسترده از ۱۰ درصد به کمتر از چهار درصد رسیده است. وی با تاکید بر اینکه چند پدیده نوظهور در خانواده‌ها در حال شکل‌گیری است، اظهار داشت: خانواده تک نفره در حال افزایش است؛ به طوری که آمار این خانواده‌ها از ۵٫۲ درصد در سال ۸۵ به ۷٫۱ درصد در آخرین سرشماری رسیده است.^{۱۱۶}

*** دلایل جوانان ایرانی برای تنها زندگی کردن و عدم تمایل به ازدواج رسمی**

بر طبق آخرین نظر سنجی که پایگاه خبری - تحلیلی «شبستان» بصورت میدانی و در دنیای مجازی در سال ۱۳۹۵ انجام داده است نتایج جالبی بدست آمده که به شرح ذیل می‌باشد. بر اساس این نظر سنجی بیش از ۶۹٪ افراد به دلیل مشکلات مالی و نبود ثبات اقتصادی هیچ تمایلی به ازدواج‌های منجر به طلاق ندارند.

در رتبه بعدی آزادی‌های جنسی با ۱۳٪ قرار دارد. علت این امر را می‌توان دسترسی آسان و بی قید و شرط به جنس مخالف دانست. که خود منجر به بروز انحرافات اجتماعی گسترده‌ای در جامعه خواهد شد.

در رتبه سوم ترس از خیانت بواسطه تأثیر دیدن بیش از اندازه سریال‌ها و فیلم‌های غربی از شبکه‌های ماهواره‌ای قرار دارد. وجود اینچنین ترس‌هایی یکی از عوامل اصلی است که

۱۱۶ - قربان ملکی، مهناز، بررسی تحولات در خانواده‌های معاصر؛ خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴

ترغیب جوانان را به ازدواج‌های رسمی بسیار کاهش داده و باعث گسترش ازدواج‌های غیر رسمی و نوظهور شده است. در رتبه چهارم هم استفاده بیش از حد و نامتعارف از فضای مجازی اعلام شده است. علت آن را هم می‌توان در عدم فرهنگ سازی درست دولتمردان دانست. ورود ناگهانی به دنیایی وسیع که قوانین خاصی بر آن حاکم نیست بی‌مسئولیتی و آزادی‌های بیش از حد را در اختیار جوانان می‌گذارد. لزوم تهیه یک الگوی برنامه‌ریزی شده در جهت سوق دادن جوانان برای استفاده درست و بهینه از این فضا کاملاً بوضوح حس می‌شود. در رتبه آخر اعتیاد قرار دارد. خمودگی و عزلت‌گزینی ناشی از اعتیاد عاملی است که جوانان را از ورود به عرصه ازدواج دور و دورتر می‌کند.

*** آمار ازدواج سفید در ایران**

درباره اولویت‌های پرداختن به مسأله ازدواج جوانان باید عنوان نمود که: همانطور که می‌دانیم بخش قابل توجهی از جمعیت کشور ما در سنین جوانی قرار دارند و در این سنین شاهد حجم قابل توجهی از وقایع اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی هستیم. در چند دهه اخیر شاهد افزایش سن ازدواج بوده‌ایم، تا جایی که در سال ۹۰، حدود ۴۰ درصد از پسران تا ۳۰ سالگی ازدواج نکرده بودند، این رقم در مورد دختران نیز ۲۶ درصد است.

با توجه به اینکه در زمینه آمار استانی ازدواج تفاوت‌هایی بین استان‌های مختلف وجود دارد باید گفت: در برخی از استان‌ها مثل ایلام، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، و لرستان نسبت مجردین تا ۳۰ سال، بالاتر از سایر مناطق است. همچنین براساس مطالعات انجام شده، مطلوبیت ازدواج در سنین ۲۰ تا ۲۷ سالگی در بالاترین میزان خود قرار دارد. هرگاه که بخواهیم درباره ازدواج صحبت کنیم، باید سه عامل کلیدی یعنی «امکان ازدواج»،

«مطلوبیت ازدواج» و «فراهم بودن و دسترسی» را در نظر داشته باشیم. باید دید در هر سه عامل چه اتفاقی افتاده که سن ازدواج در کشور افزایش یافته و تبدیل به مساله اجتماعی شده است. درخصوص «مطلوبیت ازدواج»، متأسفانه در کشور وضعیت خوبی حکم فرما نیست. یعنی درصد کسانی که قصد ازدواج ندارند بالا است. و اما در مورد «امکان ازدواج» در کشور مشکلاتی به چشم می‌خورد چراکه ازدواج دارای پیش شرط‌هایی مانند اشتغال، خصوصاً برای مردان است. از مهمترین موانع بر سر راه ازدواج جوانان معضل بیکاری و نبود امنیت شغلی در جامعه است. البته زمانی هم که از دختران این پرسش مطرح می‌شود که چرا درباره ازدواج دیر تصمیم می‌گیرند بازهم به بیکاری پسران اشاره می‌کنند، سپس به ارائه دلیلی مانند نبود حق انتخاب می‌پردازند. البته باید با انتقاد از ناکارآمدی قوانین و برنامه‌هایی مانند وام ازدواج برای تسهیل این مساله اشاره نمود: تا زمانیکه جوانان درباره اشتغالشان امنیت خاطر نداشته باشند وام ازدواج نمی‌تواند مشکلی از آنها رفع کند. مطالعات نشان می‌دهد که مهم‌ترین و ایده‌آل‌ترین موقعیت ازدواج پسران بعد از اشتغال آنهاست. در مورد نگرش دختران نسبت به ازدواج شاهد تغییرات فرهنگی هستیم، براساس مطالعاتی که انجام شده، تا پیش از این، موقعیت مطلوب و ایده‌آل و ازدواج دختران بعد از اخذ مدرک دیپلم بود، اما در حال حاضر موقعیت ایده‌آل برای ازدواج آنان را بعد از دوره کارشناسی می‌دانند. بنابر پژوهش‌های انجام شده، پاسخگویان در اغلب استان‌ها به جز استان یزد، در پاسخ به این سوال که اگر دخترتان دیپلم گرفت و همزمان خواستگار مناسبی داشت بهتر است ازدواج کند یا ادامه تحصیل دهد؟ می‌گویند، ترجیح می‌دهند که به دانشگاه بروند. البته در این استان نیز پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مردم ترجیح می‌دهند دخترشان هم به دانشگاه برود و هم ازدواج کند. به همین دلیل است که در یزد شاهد پایین‌ترین میانگین سن ازدواج هستیم. در ارتباط با پدیده «ازدواج سپید» نیز باید

گفت: چندان با استفاده از این واژه به معنای اینکه شناسنامه سفید باقی می‌ماند، موافق نیستم. اتفاقی در سطح جهانی افتاده و آن، تغییر در الگوی ازدواج است. تا پیش از این ازدواج‌ها به شکل، «ازدواج ترتیب یافته» توسط والدین انجام می‌گرفت که خود آن‌ها شرایط زندگی فرزندشان را انتخاب می‌کردند یا پیشنهاد می‌دادند. بدین ترتیب نقش والدین خیلی پررنگ بود، اما هر چه به جلو حرکت می‌کنیم در دوران مدرنیته، نقش والدین کم‌رنگ‌تر شده و میزان ازدواج‌های «خودانتخابی» بیشتر شده است. این یک تغییر عمده در الگوی ازدواج در عصر کنونی است. گاهی افراد برای افزایش شناخت نسبت به یکدیگر وارد مرحله‌ای بنام «هم باشی» یا همان زندگی کنار هم می‌شوند. در بسیاری از کشورها پدیده «هم باشی» وجود دارد اما به دو شکل بروز و ظهور پیدا می‌کند. در حالت اول این مسئله مقدمه‌ای برای ازدواج است و در حالت دوم نیز جایگزینی برای ازدواج محسوب می‌شود که رقم آن در کشور ما چندان بالا نیست اما روند افزایش را دنبال می‌کند که تا حدودی نگران‌کننده است. متأسفانه باید تاکید نمود که بنا به دلایل سیاسی - اجتماعی در کشور ما آمار دقیقی در این مورد وجود ندارد و یا اگر وجود دارد توسط مراجع ذی صلاح ارائه نمی‌گردد تا بتوانیم به طور قطع در این مورد صحبت کنیم. اما می‌توانیم بگوییم که این پدیده در کلان شهرهایی مانند تهران، اصفهان و رشت و ... وجود دارد. همچنین نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد که پدیده ازدواج سپید (سفید) در کشور ما به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، مقبولیت زیادی در همه اقشار ندارد اما در لایه‌های نسل جوان ما مثل نسل دانشجویان این پدیده همه‌گیر شده است تا آنجایی که در حالتی کمی بدبینانه آن را جایگزین ازدواج دانست.

*در پایان با اشاره بر اینکه دلایل «هم باشی» در کشور ما با کشورهای دیگر متفاوت است باید عنوان کرد که:

در حال حاضر نیاز داریم که در سیاست‌گذاری‌هایمان روی حل مسأله اشتغال، کاهش سطوح درآمدی و مسائل فرهنگی تمرکز کنیم. با حل مسائل گفته شده می‌توان تاحدودی مسئله ازدواج را حل کرد. اما متأسفانه در برخی لوایح و قوانینی که در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، برعکس عمل می‌شود یعنی شرط اشتغال را ازدواج قرار می‌دهند یعنی گفته می‌شود ازدواج و فرصت‌های شغلی باید برای افراد متأهل فراهم شود. در حالی که خود این افراد وقتی برای ازدواج مراجعه می‌کنند به آنها گفته می‌شود که باید شغل مناسبی داشته باشند. در نتیجه باید تلاش کنیم در چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی خودمان نسبت به حل این مسأله اقدام کنیم.

➤ نتیجه‌گیری

امروزه و در دنیای کنونی که اولیت انسان‌ها در سراسر جهان منفعت شخصی است روند فردگرایی و توجه به خویشتن در اولویت برنامه‌های تمامی افراد قرار گرفته است. زندگی در دنیای مدرن در کلان‌شهرها برای انسان آنچنان دارای پیچیدگی‌هایی شده که فرد را در

حیطه توجه به خود غرق کرده و کارهایی که منجر به افزایش مسئولیت‌پذیری بیشتر می‌شود را کم رنگ‌تر نموده است. از جمله این کارها امر ازدواج است. امری که طرفین ازدواج را محدود می‌کند و آزادی‌های آن‌ها را در دنیایی که آزادی‌های متنوع و متعددی وجود دارد کم و کمتر می‌نماید. از سوی دیگر تغییراتی که مدرنیته به همراه خود آورده باعث شده نهاد خانواده و کارکردهای آن تغییر کند. عوامل متعددی در این تغییرات دخیل هستند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ظهور شبکه‌های اجتماعی است که سبب شده نوع رابطه افراد با یکدیگر به کلی دگرگون شود. در دنیای کنونی مفهوم زمان - مکانی تغییر یافته بدین معنا که دیگر نیاز نیست افراد در یک مکان و زمان مشخصی حضور داشته باشند تا بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در دنیای مجازی افراد می‌توانند بدون واسطه و قوانین دست و پا گیر شرعی یا عرفی با هم در ارتباط باشند، یکدیگر را بشناسند تا اینکه شاید این نوع از رابطه منجر به امر ازدواج شود. در مجموع تغییر در ساختار و نوع ارتباطات در خانواده‌ها، ازدواج و نوع همسرگزینی را متحول کرده است. در پی این تحولات گسترده شیوه‌های انتخاب همسر، انتظارات زن و شوهر از هم و ... کاملاً عوض شده است. در جامعه مدرن ازدواج دارای مقدمات و پیش‌نیازهایی شده از جمله؛ تحصیلات عمومی و عالی، دوره سربازی، نوع شغل و نوع جهیزه و یا مراسمات جدید در امر ازدواج و پیدایش دوره جدیدی بنام «دوره نامردی» و ...

خانواده‌هایی که در گذشته نقش پررنگی در امر ازدواج داشتند امروزه نقشی منفعلانه پیدا کرده‌اند. در جامعه‌ای مثل جامعه ما که ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی نسبت به سایر جوامع از استحکام بیشتری هنوز برخوردار است، خانواده‌ها به لحاظ شرایط ساختاری در دگرگونی نوع ازدواج‌ها بی‌تأثیر نیستند. از یک طرف دو خانواده دختر و پسر در مسائل مرتبط با ازدواج و از طرف دیگر خانواده‌های نسل قدیمی‌تر با انتقال جوهره و معنای اصلی خانواده

به نسل‌های جدید، عملاً به ایجاد یک سلول اجتماعی دیگر کمک می‌کنند. در آخر باید بیان کنم که مخاطرات دوران ما بسیار وسیع و متنوع شده است. عمده‌ترین این مخاطرات تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای ارتباطی است. همین نوع ارتباطات جدید باعث شده جوانان به ازدواج‌های نوظهوری روی آورند که در آن بتوانند در عین عدم مسئولیت‌پذیری به اوج لذت و رفع نیازهای جنسی خود بپردازند.

کلام آخر اینکه در دنیای ما ازدواج تبدیل به یک مبادله شده است. مبادله‌ای که در آن طرفین تلاش می‌کنند از حداکثر سود منتفع شوند. عقلانیت لجام گسیخته تمامی ابعاد معنوی انسان-ها را حسابگرانه کرده است.

دولت‌ها هم نباید خطرات عصر مدرنیته را دست کم بگیرند و از کنار آن فقط به فکر منافع خویش باشند. بلکه بایستی با یک برنامه‌ریزی فرهنگ‌محور در پی آن باشند که علاوه بر کمتر کردن این عوارض، تهدیدات اینچنی را به فرصت تبدیل کنند.

➤ منابع

- ۱- آزادملکی، تقی، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۶
- ۲- افشارزاده، افسر، هفته‌نامه نامه تجارت فردا، شماره ۱۷۸، تاریخ هشتم خرداد ۹۵
- ۳- الیاسی، امیر، فاتحی، سارا، پارسه، شهاب، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ۱۳۹۵
- ۴- باوودن، ریموند، تحرک اجتماعی، ترجمه مومن کاشی، گناباد، انتشارات مرندیز، ۱۳۷۳
- ۵- تنهایی، حبیب‌ال...، جامعه‌شناسی نظری، تهران، انتشارات رسانش، ۱۳۸۲
- ۶- توسلی، غلامعباس، نظریه جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۸
- ۷- توسلی، غلامعباس، نظریه جامعه‌شناسی، انتشارات پیام نور تهران، ۱۳۸۰
- ۸- درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده، حاصل سه مصاحبه که با جیمز کلمن، ایمانوئل والرشتالین و رندال کالینز، نشر ثالث، چاپ هجدهم، ۱۳۹۲
- ۹- رابرتسون، ایان، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات سمت، ۱۳۸۴
- ۱۰- رحیمی، موقر، جامعه‌شناسی خانوادگی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹
- ۱۱- زیمل، گئورگ، فردیت و فرم‌های اجتماعی، مترجم شهناز مسمی پرست، نشر ثالث، ۱۳۹۲
- ۱۲- ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵
- ۱۳- ساروخانی، باقر، مبانی جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۹۳
- ۱۴- کاظمی‌پور، اصغر، امینی یخدانی، مریم، مفاهیم و حوزه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات ماهان، ۱۳۹۴
- ۱۵- کوهن، بروس، مبانی جامعه‌شناختی، ترجمه و اقتباس غلامعلی توسلی و رضا فاضل، انتشارات سمت، ۱۳۸۴

- ۱۶- گود، ویلیام، خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲
- ۱۷- گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات نشر مرکز، ۱۳۸۸
- ۱۸- مالتز، ماکسول، روان‌شناسی خلاقیت، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، انتشارات شباهنگ، ۱۳۶۸
- ۱۹- واندنبرگ، فردریک، جامعه‌شناسی جورج زیمل، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا، ۱۳۸۶

➤ وبلاگ‌ها

- ۱- پایگاه تحلیلی بهار، جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۸۶
- ۲- پایگاه خبری تحلیلی ایرنا، باهر، حسین، ۱۳۹۲
- ۳- پایگاه خبری تحلیلی تسنیم، جامعه‌شناسی ازدواج، ۱۳۸۶
- ۴- وبلاگ جامعه‌شناسی خانواده، حسین‌زاده، مانده، ۱۳۹۴
- ۵- گروه جامعه‌شناسی خانواده خیرگزاری مهر، جعفرزاده، ناصر، خادم، خداداد، ۱۳۹۳
- ۶- www.alhassanain.com/persian/articles/articles
- ۷- www.bsharat.com/id/14zan/farhangi-ejtemai/02.html
- ۸- www.bartarinha.ir
- ۹- <https://www.mashregnews.ir>
- ۱۰- www.mazandpress.com
- ۱۱- <https://www.parsnews.com>